

بسمه تعالی

جزوه درس پول و ارز و بانکداری

مدرس: قاسم رسنگار

۳	بخش اول: پول و مباحث مربوط به پول
۳	تعریف پول :
۳	اهمیت پول :
۴	وظایف پول :
۶	خواص مطلوب پول :
۷	تاریخچه و سیر تحول پول :
۹	طبقه بندی پیدایش انواع سیستمهای پولی :
۱۲	تاریخچه و سیر تحول پول و سیستمهای پولی در ایران :
۱۴	چگونگی پیدایش و چاپ اسکناس در ایران :
۱۵	بانک ملی و انحصار نشر اسکناس :
۱۶	روش های تعریف و اندازه گیری پول :
۱۷	مفاهیم و اصطلاحات اساسی :
۱۹	ارزش پول :
۲۱	بررسی نظریات مربوط به عرضه و تقاضای پول :
۲۴	پایه پولی :
۲۵	ضریب فزاینده (تکاثری) پولی :
۲۹	قانون گرشام :
۳۲	بخش دوم: ارزش و مباحث مربوط به آن
۳۲	تعریف ارزش :
۳۳	انواع اشکال نمایش نرخ ارز :
۳۳	اعلام نرخ ارز بوسیله بانک مرکزی ایران :
۳۴	بازار ارز :
۳۵	طرق انجام معاملات در بازار ارز:

.....	عملیات در بازار ارز :	۳۵
.....	تحلیل بازار فارکس :	۳۷
.....	مزایای بازار فارکس :	۳۸
.....	انواع تحلیل ها در بازار فارکس :	۳۹
.....	چند مفهوم مهم بازار فارکس :	۴۰
.....	انواع و سایل نقل و انتقال ارزی :	۴۰
.....	انواع تعیین نرخ ارز :	۴۲
.....	ذخایر ارزی بانک مرکزی ایران که می توانند از آن در جهت مصارف مختلف استفاده کنند :	۴۳
.....	انواع نرخ ارز در رابطه با تغییرات بازار :	۴۳
.....	تأثیر تثبیت نرخ ارز بر تشدید مشکلات :	۴۵
.....	تراز پرداخت های ارزی :	۴۸
.....	سوئیفت :	۵۰
.....	حق برداشت مخصوص :	۵۳
.....	یورو :	۵۴
.....	بخش سوم: مباحث مربوط به بانکدار ی	۵۷
.....	بانک :	۵۷
.....	بانک تجاری :	۵۷
.....	وظیفه کلی بانکهای تجاری :	۵۷
.....	وظایف عملیات بانکهای تجاری :	۵۷
.....	مدیریت منابع و مصارف بانکهای تجاری	۵۹
.....	اصول و خطمشی بانکهای تجاری :	۶۰
.....	بانکداری اسلامی :	۶۰
.....	هدف از تأسیس بانکداری اسلامی :	۶۰
.....	فلسفه بانکداری اسلامی :	۶۱

۶۱ اصول بانکداری اسلامی :
۶۲ آمار تعداد بانک‌های اسلامی :
۶۲ صندوق سرمایه‌گذاری اسلامی :
۶۲ بانکداری اسلامی و ملاک‌های آن :
۶۳ عقود مختلف در بانکداری اسلامی :
۶۵ تعریف بانکداری الکترونیک :
۶۵ ویژگی‌های بانکداری الکترونیک :
۶۵ مزایای بانکداری الکترونیک :
۶۵ سیستم‌های بانکداری الکترونیک :
۶۶ شاخه‌های بانکداری الکترونیک :
۶۶ کانال‌های بانکداری الکترونیک :
۶۷ تاریخچه بانکداری الکترونیک در ایران :
۶۷ شتاب :
۶۷ عملیات بانکداری الکترونیک در ایران :
۷۰ در استفاده از خدمات بانکداری الکترونیک به چه مواردی باید توجه کرد :
۷۱ آشنایی با بانک مرکزی ایران :
۷۲ وظایف بانک مرکزی :
۷۳ تفسیر وظایف بانک مرکزی :
۷۴ استقلال بانک مرکزی :
۷۴ دلایل ملی‌شدن بانک‌ها :
۷۴ جنبه‌های مثبت ملی‌شدن بانک‌ها :
۷۵ جنبه‌های منفی ملی‌شدن بانک‌ها :
۷۶ صندوق بین‌المللی پول IMF :
۷۶ بانک جهانی WB :

بخش چهارم: سیاست‌های پولی، مالی و ارزی و مباحث مربوط به آن

۷۹	تعریف سیاست پولی:
۷۹	اهداف سیاست پولی:
۷۹	تحولات اهداف سیاست پولی:
۷۹	ابزار اجرای سیاست پولی :
۸۱	نرخ بهره چیه ست؟
۸۴	تعیین نرخ بهره پول طبق نظریه اقتصاددانان کلاسیک:
۸۵	لزوم هماهنگی سیاست های پولی، مالی و ارزی:
۸۵	سیاست پولی در مقایسه با سیاست مالی :
۸۶	تأمین اهداف اقتصادی ملی با سیاست‌های پولی، مالی و ارزی :
۸۸	علاج تورم با سیاست های پولی، مالی و ارزی :
۸۹	علاج رکود اقتصادی با اعمال سیاست های پولی، مالی و ارزی :
۹۱	منابع و مأخذ :
۹۲	

بخش اول: پول و مباحث مربوط به پول

تعریف پول:

اقتصاددانان «پول» یا معادل آن عرضه پول را بدین صورت تعریف نموده‌اند: «هر چیزی که در ازای کالاها یا خدمات یا برای بازپرداخت بدهی‌ها مورد قبول واقع شود». جان هیکس اقتصاددان انگلیسی در تعریف پول می‌نویسد: «پول چیزی است که وظایف پول را انجام می‌دهد». ژان مارشال در تعریف پول آن را وسیله مبادله و پس‌انداز ارزش‌های اقتصادی می‌داند.

به اعتقاد جان مینارد کینز (۱۹۴۶-۱۸۸۳) پول دارای سه وظیفه است. عبارت دیگر هر چیزی که بتواند سه وظیفه موردنظر این اقتصاددان را انجام دهد پول است. به نظر کینز سه وظیفه پول عبارتست از: (۱) وسیله مبادله (۲) وسیله اندازه‌گیری ارزش‌های اقتصادی (۳) وسیله پس‌انداز ارزش‌های اقتصادی.

به عقیده پل ساموئلسون پول دارای دو نقش یا دو وظیفه اساسی است که هم وسیله مبادله و هم معیار واحد ارزش و محاسبه ارزش‌های اقتصادی است. ایشان علاوه بر دو وظیفه فوق دو وظیفه ثانوی دیگر یعنی ذخیره ارزش‌های اقتصادی و وسیله پرداخت‌های آتی را هم مدنظر قرار می‌دهد.

با توجه به نظریات بالا و با در نظر گرفتن وظایف پول، می‌توان آن را بدین‌صورت تعریف نمود: «پول هر پدیده و یا عاملی که عموماً بعنوان وسیله‌ای برای مبادله و معیاری برای محاسبه ارزش اقتصادی بوده و در جهت ذخیره ارزش اقتصادی و ابزاری برای پرداخت‌های آتی مورد استفاده قرار گیرد».

اهمیت پول:

پول به عنوان یکی از مهمترین اختراعات بشری است. این پدیده موجب از میان برداشته شدن مشکلات بوجود آمده از طریق مبادلات پایاپای شده و مبادله را تسریع و تسهیل کرده است. همچنین پول موجب تسریع و تسهیل گردش فعالیت‌های اقتصادی، بخصوص گرد هم آمدن هرچه آسانتر عوامل تولید و بالطبع باعث توزیع سریعتر و آسانتر کالاها و خدمات تولید شده می‌گردد. امروزه با توجه به ارتباط بین پول و فعالیت‌های اقتصادی، سطح عمومی قیمت‌ها، تولید ناخالص ملی و سایر پارامترهای کلان اقتصادی نقش انکارناپذیر آن در تغییر شاخص‌های کلان اقتصادی مانند تورم، رکود، اشتغال، درآمد سرانه و غیره بسیار حائز اهمیت است.

وظایف پول:

بطور کلی برای پول چهار وظیفه اصلی در نظر گرفته می شود:

(۱) واسطه مبادله (۲) وسیله سنجش ارزش (واحد شمارش) (۳) وسیله حفظ ارزش (۴) وسیله پرداخت‌های آتی

(۱) پول به عنوان واسطه مبادله:

موقعی که مبادلات پایاپای بود، کالا می‌دادند و در مقابل کالا می‌گرفتند. یعنی بطور همزمان دو معامله صورت می‌گرفت ولی وجود پول آن را به دو معامله مستقل تبدیل کرد. یعنی تولیدکننده و یا فروشنده یک بار کالا را می‌فروشد و پول دریافت می‌کند (فروش) و آن‌گاه پول را می‌دهد و کالای مورد نیازش را می‌خرد (خرید). بنابراین معاملات از شکل اولیه یعنی کالا-کالا بصورت کالا-پول-کالا تبدیل گردیده است. فرضاً معلم و یا قاضی که به ترتیب خدمات آموزشی و قضاوت خویش را می‌فروشند و پول دریافت می‌کنند، می‌توانند با پول دریافتی، کالاهای مورد نیازشان را تهیه نمایند. بنابراین، بیان اینکه پول نقش واسطه مبادله را دارد، به این معنی است که خریداران و فروشندگان آن را بعنوان وسیله پرداخت می‌پذیرند. بعبارت دیگر همه ما در مقابل کاری که انجام می‌دهیم پول دریافت می‌کنیم، آن‌گاه با پول دریافتی، کالاها و خدماتی که دیگران تولید کرده‌اند را خریداری می‌نمائیم. این خصوصیت پول بعنوان واسطه مبادله بودن نامیده شده و یکی از مهمترین وظایف پول را تشکیل می‌دهد. زیرا با این خصوصیت پول، تقسیم کار و تخصص امکان‌پذیر می‌شود. اصولاً تقسیم کار و تخصص برای هر اقتصاد کارآمدی ضروری می‌باشد زیرا با این عمل افراد این امکان را می‌یابند که در بخش‌هایی که دارای منفعت نسبی است متخصص شده و با فروش محصولاتشان، پول دریافت نموده و این پول را با محصول یا کار دیگران که مورد نیازشان است معاوضه کنند. حال هرچه حجم تجارت و میزان کالاها و خدمات در دسترس افزایش یابد، پول نقش مهمتری را در اقتصاد بازی می‌کند.

(۲) پول به عنوان معیار سنجش ارزش (واحد شمارش):

همانطوری که قبلاً گفته شد، در اقتصادهای تهاتری چیزی که امروزه ما به عنوان قیمت می‌شناسیم وجود نداشت. در چنین اقتصادهایی، کالاها با یکدیگر سنجیده می‌شوند؛ مثلاً اگر در این اقتصادها سه کالای گاو، گوسفند و ذرت وجود داشت، گاو با گوسفند و ذرت ارزش‌گذاری می‌شد (مثلاً هر گاو ۲ گوسفند و یا ۵۰ کیسه ذرت). مشکل دیگر در مبادلات پایاپای عدم تقسیم پذیری واحدها به اجزاء، (نظیر وقتی که یک گوسفند نصف ارزش گاو است) می‌باشد. اما وقتی که پول وجود دارد، ارزش همه کالاها به پول بیان شده و ما این ارزش پولی را قیمت می‌نامیم. در هر حال انتخاب یک معیار سنجش ارزش و قیمت‌گذاری، باعث صرفه جویی بسیار در وقت و انرژی برای نگهداری قیمت‌های نسبی و یا ارزش کالاهای مختلف شده و مسأله تبدیل واحدها به یکدیگر را حل می‌کند. وقتی قیمت پولی تعدادی از کالاها شناخته شد به آسانی قیمت نسبی آنها با توجه به قیمت پولی قابل محاسبه است. برای مثال اگر قیمت هر واحد کالای X ، ۳۰۰ ریال و قیمت هر واحد کالای Y ، ۱۵۰ ریال باشد، در این صورت قیمت هر واحد کالای X بر حسب کالای Y دو می‌باشد. با استفاده از قیمت‌های پولی نه تنها قیمت

نسبی X را به Y، بلکه با کالاهای دیگر نیز می‌توان سنجید. به بیان دیگر پول به عنوان واحد شمارش، معیار ارزشی است که معادله‌کنندگان اقتصادی امکان مقایسه ارزش نسبی کالاها و خدمات را می‌دهد.

۳) پول به عنوان وسیله‌ی حفظ ارزش:

وظیفه دیگر پول آن است که از آن می‌توان به‌عنوان حفظ ارزش نیز استفاده نمود. این خصوصیت پول به تولیدکننده این امکان را می‌دهد که تولیداتش را بفروشد و آنگاه هر موقعی که تمایل داشت کالای مورد نظرش را خریداری نماید. در حقیقت این خاصیت پول به آنها یک نوع اختیار و آزادی انتخاب زمانی را می‌دهد. بعبارت دیگر تا زمانی که افراد پول را نزد خود نگه‌دارند، می‌توانند در هر زمان از آن به منظور خرید کالای مورد نظر استفاده نمایند. این وظیفه پول به طرق مختلف می‌تواند برای جامعه مفید واقع شود. به عنوان مثال مردمی که به طور ماهیانه حقوق می‌گیرند و یا بخش مهمی از درآمد سالیانه خود را یک‌بار در سال دریافت می‌کنند، این امکان برایشان فراهم می‌شود که مخارج خود را حتی به‌طور روزانه تنظیم نمایند. همین‌طور افراد می‌توانند برای بازنشستگی، تحصیلات فرزندانشان، خرید کاشانه و... پول را ذخیره نمایند. در حالی که اگر پول نباشد، مردم می‌بایستی همین کار را با ذخیره کالاها انجام دهند. اما ذخیره کالاها نه تنها همراه با هزینه (مثلاً انبارداری و...) است، بلکه خطر فاسدشدن را نیز به‌دنبال دارد. بعنوان مثال اگر مرد ماهیگیری بیش از نیازش ماهی صید نماید و اگر در نظر بگیریم که ماهیها پس از چند روز فاسد می‌شوند (البته ممکن است آنها را منجمد کرده و نگه‌دارد که این کار هم همراه با هزینه انبارداری و غیره است)، ملاحظه می‌گردد که ماهیها برای ذخیره سازی ارزش مناسب نمی‌باشند (حتی اگر ماهیگیر تلاش کند که ماهیها را با کالای دیگر معاوضه نمایند). باز هم ممکن است در فاصله مبادله و معاوضه با کالاهای موردنظر، بعضی از ماهیها فاسد شوند. این در حالی است که با فروش ماهیها می‌تواند پول دریافتی را به سادگی ذخیره سازد. البته پول تنها وسیله ذخیره ارزش و لزوماً بهترین آنها نیست؛ زیرا چنانچه قیمت کالاها و خدمات افزایش یابد، قدرت خرید پول کاهش پیدا می‌کند. همین‌طور از آنجایی که به دارندگان پول بهره‌ای پرداخت نمی‌شود، لذا پول به عنوان ذخیره ارزش برای دارنده آن با مقداری هزینه همراه است.

۴) وظیفه پول به عنوان معیاری برای پرداخت‌های آتی:

در حقیقت استفاده از پول به عنوان معیار پرداخت‌های آتی مستلزم وجود دیگر وظایف پول است. در اقتصادهای مدرن امروزی بسیاری از کالاها برای تولید، به زمان قابل ملاحظه‌ای نیاز دارند و معمولاً پس از سفارش تولید می‌شوند. به عنوان مثال تولید کالا برای دولت و یا اشخاص معمولاً مستلزم قراردادهایی است که در آن پرداخت‌ها بابت آن معمولاً در آینده صورت می‌گیرد. بعضی مواقع هم کالاها بلافاصله تحویل خریدار می‌گردد، اما پرداخت‌ها با تأخیر انجام می‌گیرد. برای مثال شخصی ممکن است فرش، تلویزیون و یا دیگر وسایل زندگی را طبق قرارداد به صورت قسطی خریداری نماید. اهمیت پول به عنوان معیار پرداخت‌های آتی در قراردادهای بزرگتر، حتی طولانی‌تری را می‌پوشاند. برای مثال خریداران کاشانه ممکن است طبق قرارداد مبلغ معینی را ماهیانه و به مدت ۱۰ سال و یا بیشتر پرداخت نمایند. در هر حال قرض دادن یک میلیون

ریال برای ۱۰ سال معقولتر از قرض دادن یک اسب برای ۱۰ سال است. گذشته از این وقتی که شما پولی را قرض می دهید، می دانید که چه چیزی بازپرداخت خواهد شد، اما وقتی که شما یک اسب را قرض می دهید، چیزی که دریافت می کنید ممکن است خیلی متفاوت از آن باشد.

خواص مطلوب پول:

هر چیزی برای اینکه بتواند پول باشد می بایستی حداقل دارای پنج خصوصیت بشرح ذیل باشد.

۱- قابل حمل بودن: پول می بایستی به آسانی به اطراف قابل حمل و نقل بوده و بتواند به راحتی و به منظور خرید در مکانهای مختلف منتقل شود. اگر پول قابلیت انتقال نداشته باشد، در این صورت امکان استفاده وسیع از آن فراهم نمی شود.

۲- بادوام بودن: پولی که از نظر فیزیکی بادوام نباشد، در اثر گذشت زمان ارزش خودش را از دست می دهد؛ برای مثال خمیر آرد نمی تواند به عنوان پول در نظر گرفته شود؛ زیرا حفظ شکل آن به صورت اولیه مشکل است و در اثر گذشت زمان کهنه، فاسد و بی ارزش می شود. در هر حال پول همیشه نمی تواند بادوام باشد، زیرا به سربازان رومی نمک که در هوای مرطوب، بادوام نیست، پرداخت می شد (گفتنی است در آن زمان برای مردم روم نمک یک نوع پول بود).

۳- قابلیت تقسیم پذیری: پول می بایستی به آسانی قابلیت تقسیم به واحدهای برابر و کوچکتر را داشته باشد، تا اینکه امکان معاملات با قیمت‌های پایین تر نیز فراهم گردد. به هر حال بعضی از پولها فاقد چنین خصوصیتی بوده‌اند. در کشورهای آفریقائی، علیرغم آنکه گاو قابلیت تقسیم‌پذیری را نداشته و بخشی از آن با خود (کل) گاو متفاوت می باشد در زمانهای مختلف به عنوان پول مورد استفاده قرار گرفته است.

۴- یکسان و متحدالشکل بودن: پول برای مفید بودن، می بایستی استاندارد شده باشد، یعنی واحدهایش دارای کیفیت برابر و از نظر فیزیکی نیز از یکدیگر قابل تشخیص نباشند؛ فقط در صورت استاندارد بودن پول است که افراد می توانند در موقع دریافت (پس از معامله) احساس اطمینان نمایند. زمانی کشورهای آمریکای لاتین از تنباکو به عنوان پول استفاده میکردند اما تنباکو هرگز نمی تواند استاندارد باشد؛ زیرا برابری وزن بسته ها به لحاظ تفاوت احتمالی در کیفیت تنباکوها بیان کننده برابری ارزش آنها نیست.

۵- قابلیت تشخیص: پول می بایستی به آسانی شناخته شده و قابل قبول باشد (مقبولیت عام داشته باشد) اگر پول این خاصیت را نداشته باشد در آن صورت افراد در تعیین اینکه آنها با پول سروکار دارند و یا با یک دارائی کم ارزش تر با مشکل مواجه خواهند شد.

تاریخچه و سیر تحول پول:

پیدایش پول را به چهار هزار سال قبل از میلاد مسیح در خاورمیانه، از تمدن‌های سومری حوالی خلیج فارس و مصر قدیم نسبت می‌دهند. البته پیش از آن و مدت‌ها پیش از آن که پول بعنوان وسیله مبادله متداول شود، مبادله وجود داشت و عمل مبادله بصورت مبادله مستقیم کالا با کالا و خدمات انجام می‌شد. بشر اولیه نیازمندی‌های خود را در اقتصاد بسته و در محدوده خانواده یا قبیله تأمین می‌کرد. بتدریج که زندگانی اجتماعی پیشرفت کرد، نیاز به مبادله احساس گردید و مبادلات بصورت کالا با کالا انجام شد، یعنی هرکسی یا هر قبیله‌ای جنسی داشت که برای او حائز فایده کمتری بود، آن را با کالای دیگر مورد نیاز خود که فایده بیشتری برای او داشت مبادله می‌کرد.

در جوامع اولیه و در زمان‌های قدیم‌تر ابتدا پول، شکل کالایی داشته است؛ بدین ترتیب که کالای خاصی را بعنوان پول در نظر می‌گرفتند. البته این که چه کالای خاصی بتواند بعنوان پول مورد استفاده قرار گیرد تحت تأثیر عوامل مختلفی نظیر آب و هوا، محل استقرار جوامع و توسعه فرهنگی و اقتصادی آنها بوده است؛ بعنوان مثال در مناطق سردسیری نظیر سیبری یا آلاسکا پوست حیوانات بویژه پوست خز بعنوان واحد پول مورد استفاده قرار می‌گرفت. همین‌طور جوامعی که در مناطق گرمسیری زندگی می‌کردند از عاج فیل بعنوان پول استفاده می‌کردند. کالاهایی که بعنوان پول در جوامع مختلف در نظر گرفته می‌شد به توسعه جوامع مختلف نیز بستگی داشت. از آنجایی که حیوانات شکلی از ثروت تلقی می‌شد، در جوامع اولیه کشاورزی از احشام بعنوان پول استفاده می‌شد. تقریباً در همه مناطق معتدل اروپا، آسیا و آفریقا، گاو بعنوان یک واحد مبادله مورد قبول بوده است.

برای مدتهای طولانی در مناطق وسیعی از جهان و در جوامع اولیه، گاو و گوسفند بعنوان واحد شمارش و واسطه مبادله بکار می‌رفت. در ایران قدیم پزشکان از بیماران خود برای دارو و خدمات مربوط مداوا، گاو و گوسفند مطالبه می‌کردند. در هر حال استفاده از حیوانات بعنوان پول مشکلات متعددی را به همراه داشته است. اول آن که حیوانات فاقد استاندارد بودند، دوم اینکه نه تنها ذخیره‌سازی حیوانات با مشکل همراه است، بلکه دارای هزینه نیز می‌باشد. گذشته از این نوسانات قیمت، عدم تقسیم‌پذیری و نیز دشواری حمل و نقل آنها از دیگر مشکلات استفاده از حیوانات بعنوان پول تلقی می‌گردید. در جدول ذیل برخی از مهمترین انواع پول که در طول تاریخ مورد استفاده ملل مختلف قرار گرفته درج شده است:

آهن	خوک	آینه - شیشه	طلا
مس	بز	صدف	نقره
برنج	پوست لاک پشت دریایی	غلات	چاقو
چرم	دندان گراز	شیره	کاغذ
ذرت	دندان نهنگ	نیشکر	سیگار

نمک	عاج فیل	گوسفند	پر
اسب	پوست دارکوب	ابزار کشاورزی	

همانطور که ملاحظه می شود پول‌هایی که مورد استفاده جوامع مختلف واقع شده‌اند، شکل کالایی داشته و به همین دلیل پول کالایی^۱ نامیده می‌شوند.

در رم قدیم، نمک و احشام، در هندوستان صدف، در ایران غلات، در حبشه بسته های فلفل و نمک، در تبت بسته چای، در ویرجینیا و مستعمرات آمریکا تنباکو، در روسیه پوست سمور، در حوالی مدیترانه گوسفند بعنوان پول مورد استفاده قرار می‌گرفته است. با مشکلاتی که در جهت بهره‌گیری از پول‌های کالایی مورد اشاره بوجود آمد (که از آن جمله می‌توان به متحدالشکل نبودن، غیرقابل تقسیم‌بودن، بی‌دوام بودن، محدودیت در نقل و انتقال، قابلیت ذخیره‌سازی پایین و فسادپذیری و بالآخره حجیم و جاگیر بودن اشاره نمود)، بشر را بر آن داشت که در جستجوی اقلامی بعنوان واحد ارزش باشند که ضمن داشتن حجم کم، واجد ارزش بیشتر بوده و مشکلات فوق‌الذکر را کمتر داشته باشد که در نتیجه به استفاده از فلزات بخصوص طلا و نقره روی آورد.

سال‌ها طول کشید تا پول فلزی بصورت سکه با وزن معین و عیار مشخص بوجود آمد و رواج یافت. «هرودت» مورخ مشهور یونان، ابداع سکه فلزی را به پادشاهان «لیدی» نسبت داده است که حدود ۸-۷ قرن قبل از میلاد مسیح حکومت می‌کردند. هرودت می‌نویسد: «اینان نخستین مردمی هستند که طلا و نقره را بصورت سکه درآورده و در داد و ستد مورد استفاده قرار دادند. کوروش، لیدی را تسخیر و پایتخت آن (سارد) را به آتش کشید و بالطبع به نظام پول پایه طلای لیدی پایان داد اما طلا دیگر بعنوان وسیله مبادله در خاورمیانه پذیرفته شده بود. کوروش از تجربه لیدی برای ضرب سکه استفاده نکرد اما داریوش برای اولین بار در ایران باستان اقدام به ضرب سکه‌های طلا و نقره نمود. سکه طلا «دریک» و سکه نقره «شیکل» و سکه مسی «فلس» نامیده می‌شدند و رابطه بین دریک و شکل یک به ۱۳/۵ بود. ضرب سکه بعدها در یونان، ایتالیا و سیسیل فعلی پیشرفت و توسعه زیادی یافت و بصورت نوعی هنر ظریف در آمد.

بدین ترتیب مدت‌های مدیدی، طلا و نقره به صورت‌های مختلف که نقش پول و واسطه مبادلات را در جهان ایفا کردند. بعبارتی از آغاز پیدایش پول فلزی در حدود سه‌هزار سال قبل تا نزدیک به چهار قرن پیش طلا و نقره و گاهی فلزات دیگر مثل مس، آهن و نیکل بعنوان پول رایج واسطه داد و ستد در جوامع بشری قرار گرفتند نظام مبادلات بتدریج متحول گردید و استفاده از پول کاغذی از اواسط قرن هفدهم میلادی در اروپا متداول شد.

اگرچه سابقه ایجاد پول کاغذی (اسکناس) به مفهوم امروزی آن به اواسط قرن هفدهم باز می‌گردد. اما پول کاغذی، خود سرگذشتی طولانی دارد بطوریکه در گذشته دور صرافان کاغذهایی بنام «رسپتا» (که بعنوان قبض رسید معروف بود) صادر

1) Commodity Money

می‌کردند که بعنوان رسید پولی بود و نزد آنها بودیعه سپرده شده بود. این رسیده‌ها در بیشتر اوقات در آن زمان دست بدست می‌گشت. لیکن باید توجه داشت مالکین اصلی، هنگامی که پول خود را نزد بانک به امانت می‌گذاشتند نه تنها بهره‌ای دریافت نمی‌کردند، بلکه جهت حفظ و نگهداری آن، مبلغی هم به بانک می‌پرداختند.

مبدع اسکناس، پالمستروخ^۳ بانکدار سوئدی (بنیانگذار بانک سوئد) است. او در اواسط قرن هفدهم و در سال ۱۶۵۶ میلادی برای اولین بار نوعی اسکناس منتشر کرد که آن را به جای قبوض سپرده به جریان انداخت. او در واقع نخستین بانکدار بود که بیش از میزان موجودی سکه‌های مشتریان بانک رسید سپرده مسکوک صادر کرد و بعبارت دیگر اوراق اعتباری منتشر ساخت. انتشار اسکناس در طول قرن هفدهم و هجدهم پیشرفت چندانی نداشت اما در قرن نوزدهم مسایل مربوط به انتشار اسکناس دوباره مطرح شد. در طول قرن نوزدهم و تا زمان شروع جنگ جهانی اول، اسکناس در جریان که تقریباً در اکثر کشورها عمومیت یافته بود، قابل تبدیل به فلز قیمتی بود و اسکناس منتشره در کشورهای مختلف قابلیت تبدیل به طلا، نقره یا هر دو فلز را داشتند. بعبارت دیگر از قرن نوزدهم اسکناس تابع مقرراتی گردید و در چارچوب مقررات و قوانین بانکی و پولی، پول رایج عمومی در اقتصاد سرمایه‌داری شد.

از این به بعد بود که در واقع عملیات بانکی، سازمان یافت و به موازات اسکناس، پول دیگر و معروفی به نام پول تحریری یا پول بانکی یا پول ثبتي و یا پول اعتباری ایجاد شد. این نوع پول همان موجودی‌های افراد در حساب‌های جاری است که دارنده حساب، تمام یا قسمتی از موجودی خود را بوسیله چک به دیگری انتقال می‌دهد. استفاده از این نوع پول در اواخر قرن نوزدهم متداول گردید. اما با توجه به ابداع و پیشرفت‌هایی که در زمینه علوم رایانه‌ای و بخصوص اینترنت در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم ایجاد شده است. ظهور پول الکترونیکی به عنوان نسل جدیدی از پول‌ها در مقطع حاضر و بخصوص مقاطع آتی اقتصاد بانکی را متحول خواهد ساخت.

طبقه بندی پیدایش انواع سیستم‌های پولی:

الف) سیستم مبادله پایاپای:

قبل از پیدایش پول، داد و ستدها بصورت مبادله پایاپای و یا تهاتری صورت می‌گرفت یعنی یک کالا در قبال کالای دیگری مبادله می‌شده است. مبادله پایاپای دارای خصوصیات زیر بود:

۱- در مبادله پایاپای طرفین معامله هم تولیدکننده وهم مصرف‌کننده بودند.

-
- 2) Recepta
 - 3) Palmstruch

۲- درمبادله پایاپای انبار کردن تولیدات برای مدت طولانی بعلت فسادپذیری کالاها و نیاز تولیدکننده به تولیدات دیگران امکان نداشت.

۳- تولید از مصرف جدا نبود و مبادله بدون تولید وجود نداشت. لذا مبادله، ثروت آفرین نبود بلکه این تولید بود که خالق ثروت بحساب می آمد.

۴- رابطه خدمات و تولید نظیر رابطه تولیدات با یکدیگر به روش مستقیم و پایاپای صورت می پذیرفت.

معایب و دشواریهای مبادلات پایاپای نیز عبارتند از:

۱- نیاز متقابل موجب می شود ارائه کننده یک کالا بایستی فردی را بیابد که اولاً به کالای او نیاز داشته باشد و ثانیاً کالای مورد احتیاج او را نیز عرضه کند که بروز این وضعیت بسیار دشوار است.

۲- تعدد مبادلات غیر لازم موجب می گردید جهت رسیدن به کالای مورد نظر اقدام به مبادلات متعدد نماید.

۳- حمل و نقل کالاها بدلیل پیشرفته نبودن وسائط به دشواری صورت می گرفت؛ لذا مبادلات از حیث جغرافیایی در سطح محدودی باقی می ماند.

۴- غیرقابل تقسیم بودن برخی کالاها (مثلاً اگر یک رأس گاو معادل صد کیلوگرم برنج ارزش داشته باشد حال اگر شخصی به پنجاه کیلوگرم برنج نیاز داشته باشد نصف کردن گاو دشوار خواهد بود).

۵- دشواری مبادله برخی خدمات نیز یکی دیگر از مشکلات بود بطوریکه مثلاً یک معلم بدشواری می توانست خدمت خود را با کالاهای مورد نیاز خود مبادله نماید.

۶- فسادپذیری برخی کالاها که نیاز اکثریت زمان بود مانند گندم، برنج، احشام بدلیل عدم امکان ذخیره سازی طولانی مدت از جمله اشکالات بود.

۷- محدودیت در تقسیم کار و تخصیص کار

۸- محدودیت تولید و بازار

۹- محدودیت در مبادله نسبه

ب) سیستم پول کالایی:

پس از دوران مبادلات پایاپای یا تهاتری و مشکلات ناشی از آن بتدریج کالاهائی نقش واسطه مبادلات را ایفا کردند. از خصوصیات پول کالایی میتوان اولاً به عامه پذیر بودن و ثانیاً سهولت در نگهداری و ثالثاً به پذیرفتن آن به جهت ارزش ذاتی و اصلی بعنوان پول نام برد. در مجموع پول کالایی، پولی است که ارزش ذاتی آن مساوی با ارزش اسمی آن است. در حالیکه شکل مبادله پایاپای بصورت کالا و خدمت در ازای کالا و خدمت بود، در سیستم پول کالایی شکل آن بصورت کالا و خدمت-پول کالایی-کالا و خدمت تغییر یافت. در بخش تاریخچه و سیر تحول پول تعدادی از پولهای کالایی اشاره شده است.

ج) سیستم پول فلزی:

همراه با پیشرفت اقتصاد، کالاهایی که نقش پول را در جامعه به عهده داشتند جای خود را به پولهای فلزی و بویژه طلا و نقره دادند. از خصوصیات و ویژگی‌های مهم پول فلزی می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱- این فلزات کمیابند و ذخایر معدنی آنها فراوان نیستند.

۲- همه مردم خواهان آن هستند و بصورت زیورآلات از آن استفاده می‌کنند.

۳- خاصیت چکش‌خواری و تورق آن بالاست.

۴- برخلاف برخی از فلزات مثل آهن و مس فاسد شدنی نیست و در برابر شرایط جوی مقاوم است.

۵- اینکه برخلاف برخی از کالاها بدون از دست دادن ارزش قابل تقسیم است (نظیر الماس).

بطور کلی نظام پولی کشورهای مختلف بر حسب نقشی که پول فلزی در اقتصاد ایفا می‌کرده است به دو نظام «سیستم پولی دو فلزی طلا و نقره» و «سیستم پولی تک فلزی پایه طلا یا پایه نقره» تفکیک شد.

ج-۱) سیستم پولی دو فلزی طلا و نقره: این سیستم پولی به دو صورت وجود داشته است. در یک شکل سکه‌های طلا و نقره بدون اینکه رابطه قانونی تبدیل بین آنها موجود باشد بعنوان پول اصلی در جریان بوده‌اند. در شکل دوم بین سکه‌های طلا و نقره یک رابطه تبدیل قانونی حاکم بوده است. نظام یا سیستم پایه دو فلزی از اواخر قرن نوزدهم به بعد، به سبب کشف معادن نقره و افزایش روز افزون عرضه آن رفته‌رفته منسوخ گردید زیرا بر اثر افزایش عرضه، ارزش آن بشدت تنزل پیدا کرد و لذا به قلم قانون گرشام (قاعده پول بد، پول خوب را از جریان خارج می‌کند) این نظام منسوخ گردید.

ج-۲) سیستم پایه پولی تک فلزی طلا و نقره: در این سیستم در واقع یک فلز طلا و نقره با وزن و عیار معین به عنوان واحد پول کشور انتخاب شده است. در واقع مشکلاتی که نظام دو فلزی ایجاد کرده بود اقتصادهای بزرگ آن روزگار مانند انگلستان و فرانسه را واداشت که به نظام تک فلزی روی بیاورند. انگلستان از سال ۱۸۱۶ میلادی رسماً نظام تک فلزی طلا را انتخاب کرد و لیره طلای انگلیسی، تنها واحد پولی می‌شود که برای ضرب پذیرفته می‌گردد. البته کشورهای ایران، چین و هندوستان در همین مقطع دارای سیستم پولی تک فلزی نقره بودند. اما با توجه به مشکلات مربوطه به افزایش استخراج نقره و عرضه آن در نیمه دوم قرن ۱۹ که به نحو بی‌سابقه‌ای قیمت نقره کاهش داد موجب گردید در اواخر قرن ۱۹ تقریباً کلیه کشورها سیستم تک فلزی طلا را انتخاب نمایند. کشور آمریکا نیز از سال ۱۹۰۰ میلادی سیستم پولی پایه طلا را رسماً اتخاذ کرد.

د) نظام پول کاغذی و اعتباری:

اگر چه سابقه ایجاد پول کاغذی (اسکناس) به مفهوم امروزی آن به اواسط قرن هفدهم باز می‌گردد، اما پول کاغذی خود سرگذشتی طولانی دارد؛ بطوریکه در گذشته دور صرافان رسپتا (که بعنوان قبض رسید معروف بود) را در ازای ودیعه‌ای که نزد آنها به امانت بود، صادر می‌کردند. این رسیدها در بیشتر اوقات در آن زمان دست بدست می‌گشت. لیکن باید توجه

داشت مالکین اصلی، هنگامیکه پول خود را نزد بانک به امانت می گذاشتند نه تنها بهره‌ای دریافت نمی کردند، بلکه جهت حفظ و نگهداری آن، مبلغی هم به بانک می پرداختند. در اواسط قرن هفدهم میلادی بود که پالمستروخ برای اولین بار نوعی اسکناس منتشر کرد و آن را به جای قبوض سپرده به جریان انداخت. او در واقع نخستین بانکدار بود که بیش از میزان موجودی سکه های مشتریان بانک رسیده مسکوک صادر کرد و به عبارت دیگر اوراق اعتباری منتشر ساخت.

انتشار اسکناس در طول قرن هفدهم و هجدهم پیشرفت چندانی نداشت اما در قرن نوزدهم مسایل مربوط به انتشار اسکناس دوباره مطرح شد. در طول قرن نوزدهم و تا زمان شروع جنگ جهانی اول، اسکناس در جریان که تقریباً در اکثر کشورها عمومیت یافته بود قابل تبدیل به فلز قیمتی بود و اسکناس منتشره در کشورهای مختلف قابلیت تبدیل به طلا، نقره یا هر دو فلز را داشتند. به عبارت دیگر از قرن نوزدهم اسکناس تابع مقرراتی گردید و در چارچوب مقررات و قوانین بانکی و پولی، پول رایج عمومی در اقتصاد سرمایه داری شد.

در ارتباط با پول کاغذی پل ساموئلسون، اقتصاددان آمریکایی معتقد است استفاده از پول کاغذی بعنوان وسیله مبادله متضمن تسهیلاتی است. پول کاغذی را با سهولت بیشتری می توان اینطرف و آنطرف برد. با چاپ کردن چند صفر زیادتر یا کمتر ارزش این وسیله سبک (اسکناس) و قابل حمل با حجم کوچک خود زیاد و یا کم شود. با یک گراور دقیق ارزش پول را می توان سهولت قابل تشخیص ساخت و آن را از تقلب و تنزل در امان داشت. بعلاوه هر شخصی نمی تواند به میل خود پول کاغذی را به مقادیر نامحدود چاپ نماید. در این نظام پولی، پول برای اینکه پول است، نه برای اینکه کالا است، مورد تقاضا می باشد.

از این به بعد بود که در واقع عملیات بانکی اغلب سازمان یافت و به موازات اسکناس، پول دیگر و معروفی بنام پول تحریری یا پول بانکی یا پول ثبتي و یا پول اعتباری ایجاد شد. این نوع پول همان موجودی های افراد در حسابهای جاری است که دارنده حساب، تمام یا قسمتی از موجودی خود را بوسیله چک به دیگری انتقال می دهد. پس به موازات اسکناس، پول بانکی یا پول تحریری (چک) در اواخر قرن ۱۹ توسعه یافت؛ امروزه در کشورهای پیشرفته بیش از ۹۰ درصد کلیه معاملات از لحاظ ارزشی از طریق چک انجام می شود.

لیکن با توجه به ابداع و پیشرفتهایی که در زمینه علوم رایانه‌ای و بخصوص اینترنت در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم ایجاد شده است، ظهور پول الکترونیکی به عنوان نسل جدیدی از پولها در مقطع حاضر و بخصوص مقاطع آتی اقتصاد بانکی را متحول خواهد ساخت.

تاریخچه و سیر تحول پول و سیستم‌های پولی در ایران:

موقعیت خاص ایران از نظر جغرافیایی و نیز قرار گرفتن آن در مسیر شرق و غرب، موجب عبور و مرور کاروان‌های مختلف و آزادی تجارت و ورود پول‌های مختلف و رواج آن در کشور گردیده بود. در داخل ایران نیز از زمان‌های قدیم مسکوکات طلا و

نقره بطور آزاد ضرب می‌گردید و قانون عرضه و تقاضا در تعیین قیمت آنها و نیز رابطه بین طلا و نقره حاکم بود. تا زمانی که راه‌های دیگری بین شرق و غرب گشوده نشده بود همین رونق و رفت و آمدهای تجار در کشور ادامه داشت و یک نوع آزادی اقتصادی بر اقتصاد کشور حاکم بود. اما با پیدایش راه‌های جدید و تغییر مسیر کاروان‌های تجاری، ایران موقعیت قبلی خود را از دست داد و فشارهای اقتصادی را متحمل گردید. در چنین شرایطی برای مقابله با موقعیت بوجود آمده، لازم بود سیاست‌های پولی خاصی اتخاذ گردد.

در نیمه اول قرن گذشته (سالهای ۱۲۵۰-۱۲۰۰ هجری شمسی)، پول در ایران بر اساس سیستم دو فلزی (طلا و نقره) رایج بود. در این سال‌ها به لحاظ وفور طلا در ایران قسمتی از آن بصورت مسکوک به نام «تومان طلا» که ارزش آن تقریباً برابر یک لییره استرلینگ و برابر ۵۰ عباسی نقره بود و پول اصلی راتشکیل می‌داد. در سال ۱۲۰۶ هجری شمسی «قران نقره» به ارزش تومان، طلا ضرب و در جریان گذاشته شد. همینطور ارزش «شاهی» که کوچکترین جزء پول ایران بود به میزان قران نقره تعیین گردید. در ابتدای سلطنت ناصر الدین شاه قاجار، سکه‌های طلا و نقره و مس همچنان بطور آزادانه در ضرابخانه‌های شهرهای تهران، تبریز، رشت، همدان، کرمانشاه، کاشان، اصفهان، شیراز، یزد، کرمان، مشهد و مازندران ضرب می‌شد و رواج داشت.

از حدود سال ۱۲۵۰ هجری شمسی کشورهای اروپایی و آمریکا تدریجاً به لحاظ مشکلاتی که سیستم دو فلزی (طبق قانون گرشام) برایشان فراهم کرده بود پایه نقره را کنار گذاشته و به سیستم تک فلزی طلا روی آوردند که در چنین شرایطی ایران نیز برای جلوگیری از صدمات احتمالی بوجود آمده ناشی از خروج طلا، روی به سیستم تک فلزی نقره آورد. لذا بر اثر کاهش پی‌درپی قیمت نقره و بالابودن قیمت رسمی آن، بتدریج قران نقره جانشین تومان طلا (اشرفی) و سایر مسکوکات طلا نظیر تومان (پنج‌هزاری) و غیره گردید. لذا فلز طلا از جریان خارج و در بازار به قیمت فلز خود یعنی بیش از قیمت رسمی معین بفروش می‌رسید. در نتیجه این اقدام، قیمت نقره نسبت به تومان طلا و همچنین نسبت به پول کشورهای دیگر که پایه طلا را اختیار کرده بودند پایین آمد و بر اثر این تنزل، خرید طلا و صدور آن از کشور ایران سودآور شده و هر روز شدت می‌یافت. برای جلوگیری از فرار طلا و اختلال در بازرگانی خارجی در سال ۱۲۵۴ هجری شمسی با دعوت از یک صاحب نظر پولی از کشور اتریش بنام «پشان» سعی در ارائه راهکارهای لازم جهت این مشکل نمودند؛ بطوریکه در راستا جهت پایان‌دادن به رواج مسکوکات متنوع و با عیارهای مختلف کلیه ضرابخانه‌های ولایات تعطیل و ضرابخانه‌ای مجهز به ماشین‌های جدید در تهران احداث شد.

در ادامه این روند از یکطرف با اقدام دولت جهت جمع‌آوری و ذخیره‌سازی طلای در دست مردم و از طرف دیگر به دلیل تنزل بهای مس که سکه‌های مسی ارزش خود را بعنوان پول خرد از دست دادند موجب گردید، نقره به تنهایی عهده‌دار وظیفه پول در کشور گردد و سیستم پولی ایران به تک فلزی تبدیل شود.

در سال ۱۲۷۸ روش اجاره ضرابخانه از بین رفت و دولت خود رأساً و بطور مستقیم، ضرب مسکوکات را به عهده گرفت. بدین ترتیب پس از قرن‌ها آزادی ضرب سکه از بین رفت. اما از آنجا که پول ایران همچنان بر پایه نقره قرار داشت و قیمت

نقره نیز در بازارهای جهانی دائماً در نوسان بود لذا مانع تثبیت قران ایران می‌گردید. در چنین شرایطی دولت ایران به فکر تغییر پایه پولی از نقره به طلا افتاد. بطوریکه بموجب قانونی که در ۲۷ اسفند سال ۱۳۰۸ در مجلس تصویب شد، ریال طلا واحد پول ایران قرار گرفت و میزان طلای خالص آن ۰/۳۶۶۱۱۹۱ گرم تعیین شد. اما در ۲۲ اسفند ۱۳۱۰ بدلیل مشکلاتی که برای دولت انگلستان بوجود آمد و موجب گردید لیره غیرقابل تبدیل به طلا اعلام گردد و بالطبع همین عامل بر کلیه پول‌ها از جمله ریال نیز تأثیر گذاشت؛ قانون دیگری تصویب شد که به موجب این قانون از اول فروردین ماه سال ۱۳۱۱ ریال طلا به وزن خالص ۰/۰۷۳۲۲۳۸ گرم واحد پول ایران تعیین شد که تقریباً مقدار طلای خالص ریال ۱/۵ ریال در قانون ۲ سال پیش از آن بود بعبارت دیگر از اول فروردین ماه ۱۳۱۱ قران که بیش از یکصد سال رواج داشت جای خودش را به ریال داد.

چگونگی پیدایش و چاپ اسکناس در ایران:

اگرچه اولین پول رسمی کاغذی (اسکناس) به وسیله بانک شاهنشاهی در سال ۱۲۶۷ هجری شمسی در ایران متداول گردید، اما سابقه پول کاغذی در ایران بسیار قدیمی‌تر از این تاریخ می‌باشد. در اواخر قرن هفتم هجری قمری (اواخر قرن سیزدهم میلادی) که حکومت ایران در دست کی‌خاتوایلخان نوه هلاکوخان بود، خزانه دولت مغول تهی گشت، ایلخان مغول با وزیرش صدرجهان به فکر چاره بودند. از آنجایی که عزالدین مظفر از نزدیکان صدرجهان از وجود پول کاغذی به نام «چاو» در چین اطلاع داشت، لذا به راهنمایی وی، ایلخان مغول دستور داد که مردم باید کلیه طلاها و نقره‌ها را به چاوخانه تحویل دهند و در عوض پول کاغذی به نام چاو دریافت دارند. بدین ترتیب در سال ۶۹۳ هجری قمری پول کاغذی به نام چاو در تبریز در جریان قرار گرفت. اما این دستور موجب ناراحتی شدید مردم گردید و چنان عدم تعادل و آشوبی در اوضاع اقتصادی مملکت بوجود آورد که در همان ابتدای کار، ایلخان مغول فرمان دیگری دایر بر لغو رواج چاو صادر نمود و به این طریق اولین اسکناس ایران بدون اینکه جریان کامل پیدا کند، متوقف گردید. بعد از این تاریخ با توجه به تجربه تلخی که از انتشار اولین اسکناس در ایران به وجود آمده بود، برای مدتهای طولانی دیگر سخنی از پول کاغذی به میان نیامد.

در دوره‌ای از معاملات تجاری و در سال‌های قبل از ۱۲۶۶ هجری شمسی، بیجک که در میان صرافان و تجار رواج داشت، در حقیقت نقش یک نوع پول کاغذی را در ایران بازی می‌کرد. بیجک عبارت از سندی بود که صراف ضمن آن وصول مبلغی را اعلام داشته و به وعده کوتاه یا اکثراً عندالمطالبه تعهد پرداخت می‌نمود و معمولاً در مقابل بروات تسلیمی تجار صادر می‌شد و برحسب میزان معروفیت و اعتبار صراف، در بازار رواج می‌یافت. بیجک ابتدا به مبلغ مشخص و معینی صادر نمی‌گردید و هر یک نام متفاوتی داشتند، اما پس از مدتی، بعضی از مؤسسات در شیراز و اصفهان بیجک‌هایی با ارزش مساوی در جریان گذاردند که نسبتاً رواج یافت، اما به دلیل امتیاز انحصاری بانک شاهنشاهی در چاپ و نشر اسکناس متوقف گردید.

نخستین پول رسمی کاغذی در ایران در تاریخ ۱۲۶۷ هجری شمسی در زمان ناصرالدین شاه قاجار بود و وی امتیاز تأسیس بانک شاهنشاهی و نیز نشر انحصاری اسکناس در ایران به مدت شصت سال به یک تبعه انگلیس به نام بارون جولیسوس

دورویتر اعطا کرد. در امتیازنامه بانک، درباره نشر اسکناس چنین آمده است: «بانک شاهنشاهی چون بانکی است دولتی حق مانع‌الغیر نشر بلیط‌های بانک بی‌اسم خواهد داشت که به محض رؤیت قابل‌الأدا خواهد بود». بانک شاهنشاهی از همان نخستین سال فعالیتش یعنی سال ۱۲۶۸ هجری شمسی، قطعات ۱، ۲، ۳، ۵، ۱۰، ۲۰، ۵۰، ۱۰۰، ۵۰۰ و ۱۰۰۰ تومانی را به جریان گذاشت و مجموع اسکناس‌های در گردش به پنجاه هزار لییره انگلیس (تقریباً معادل یکصد و پنجاه هزار تومان) بالغ گردید. در سال‌های بعد، مقدار اسکناس افزایش یافت و در سال ۱۳۰۸ هجری شمسی به حداکثر آن یعنی ۳۰۲۱۸۸۳ لییره (تقریباً معادل ۱۷۵۰۰۰۰۰ تومان) رسید. نکته حائز اهمیت این است که وجوه اسکناس‌های بانک شاهنشاهی فقط در شعبه‌های محل صدور آن (که روی آن ذکر گردیده بود)، قابل پرداخت بود. اگر چنانچه یکی از شعب بانک قادر به تبدیل اسکناس‌های منتشره به قران نبود، طبق امتیازنامه از نشر اسکناس‌های بانک در تمام مملکت جلوگیری می‌گردید.

در دوران رواج اسکناس، بانک شاهنشاهی چندین بار در رابطه با تبدیل آن به قران با مشکلاتی مواجه گردید. از آن جمله در سال ۱۲۹۳ یعنی در زمان جنگ جهانی اول، وقتی که مردم برای تبدیل اسکناس‌ها به قران به بانک هجوم آوردند، بانک به اندازه کافی قران برای پاسخگویی به مراجعین نداشت و لذا طبق امتیازنامه، اجازه نشر اسکناس به خطر افتاد. در چنین شرایطی مجلس شورای ملی با توجه به بحرانی بودن اوضاع مملکت و با وساطت دولت انگلیس، قانونی مبنی بر رواج اجباری اسکناس‌های بانک شاهنشاهی به مدت شصت‌روز تصویب نمود.

بانک ملی و انحصار نشر اسکناس:

پس از تأسیس بانک ملی ایران و با توجه به علاقه توده مردم مبنی بر انتقال حق انحصاری اسکناس از بانک شاهنشاهی به بانک ملی، دولت وقت برای بازخرید حق انتشار اسکناس، با بانک شاهنشاهی وارد مذاکره گردید و نتیجه آن تصویب ضمیمه پنجم امتیازنامه توسط مجلس و مبادله آن بین دولت و بانک مزبور بود. بر اساس بخشی از مواد ۱ و ۲ قانون مذکور، بانک شاهنشاهی از حق انحصاری نشر اسکناس در ایران صرف‌نظر کرد و متعهد گردید که تحت نظارت مأمور عالی رتبه دولت، تا آخر خردادماه ۱۳۱۰ وجه اسکناس‌های خود را به مراجعین و در صورت عدم مراجعه دارندگان، به دولت ایران بپردازد.

پس از آنکه اسکناس‌های بانک شاهنشاهی از جریان خارج شد، به موجب شرایط مواد ۲، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۰ و ۱۱ قانون «اصلاح قانون واحد و مقیاس پول» مصوب ۱۳۱۰ هجری شمسی، انحصار چاپ و انتشار مبلغ ۳۴۰۰۰۰۰۰۰ ریال اسکناس در ایران به قطعات ۵، ۱۰، ۲۰، ۵۰، ۱۰۰ و ۵۰۰ ریالی به مدت ده سال به بانک ملی ایران واگذار گردید و مقرر شد که پس از انقضای ده سال در صورتیکه این حق ملغی نشود، ده سال دیگر به خودی خود تجدید شده و به همین ترتیب برای دوره‌های ده ساله بعد عمل شود. بدین ترتیب، پس از قریب نیم قرن که انحصار انتشار اسکناس در اختیار بیگانگان قرار داشت، در اختیار یک بانک ایرانی قرار گرفت. حق انحصاری چاپ و نشر اسکناس توسط بانک ملی که از اسفندماه ۱۳۱۰ در اختیار این بانک قرار

گرفته بود، تا تأسیس بانک مرکزی در خردادماه ۱۳۳۹ ادامه داشت. در این سال با تصویب قانون بانکی و پولی کشور، بانک مرکزی ایران تشکیل گردید و کلیه امور مربوطه به چاپ و نشر و پشتوانه اسکناس به این بانک محول شد.

روش های تعریف و اندازه گیری پول:

(۱) روش معاملاتی:

این روش مرسوم ترین و قدیمی ترین روش برای تعریف پول است؛ در این روش برای اندازه گیری پول بر وظیفه پول به عنوان یک واسطه مبادله تأکید می کند. زیرا بهترین وظیفه پول در هر جامعه همان وظیفه واسطه مبادله است. به طوری که اگر پول بر پایه وظیفه آن به عنوان واسطه مبادله تعریف شود، کل ذخایر پول یک جامعه شامل چیزهایی می شود که به عنوان وسیله پرداخت پذیرفته می شود. این تعریف پول فقط سکه و اسکناس نمی باشد و سپرده های دیداری در بانک های تجاری را شامل می شود و به عبارتی کل عرضه پول را تشکیل می دهد.

$$M_1 = \text{اسکناس و مسکوک نزد افراد} + \text{سپرده های دیداری}$$

بنابراین در این روش اگر کل عرضه پول افزایش یابد در این صورت جامعه نیز انتظار افزایش مخارج خود را خواهد داشت و بالطبع این افزایش مخارج موجب افزایش سطح قیمت ها، اشتغال و درآمدهای ملی را موجب خواهد شد و برعکس

(۲) روش نقدینگی:

این روش که برای اولین بار توسط فردی به نام میلتون فریدمن و شاگردانش (دانشگاه شیکاگو) مطرح شد و با لحاظ نمودن وظایف بیشتری برای پول تعریف دیگری ارائه کردند. استدلال آنها بر این بود که چون در اقتصاد پولی جریان های درآمد و مخارج به طور کامل با هم رخ نمی دهند لذا پول برای ایفای وظیفه مبادله خود بایستی حتی الامکان و به طور موقت بتوانند ذخیره ارزش نیز داشته باشند؛ به هر حال پول می تواند نقش خود را به عنوان ذخیره ارزش یا نگهداری به آن به شکل سکه یا سپرده های دیداری و یا دیگر اشکال دارایی که قابلیت نقد شدن دارند انجام دهند. لذا پول در این روش از نظر کیفی تفاوتی با سایر دارایی ها ندارد زیرا نقدینگی یک خاصیت همه دارایی ها است؛ به طوری که دارایی ها را می توان از نظر نقدینگی به صورت زنجیره ای مرتب کرد که در این زنجیره پول با دارایی های مالی نظیر سهام، اوراق قرضه و یا دارایی های حقیقی مانند اتومبیل یا خانه قرار دارد، شبه پول را نیز وارد جریان تعریف پول کرده اند یعنی:

$$M_2 = M_1 + \text{شبه پول}$$

به عبارت بسیار خلاصه در روش نقدینگی برای اندازه‌گیری پول انواع آرایش دارایی‌ها اعم از پول، دارایی مالی و دارایی‌های غیرمالی در نظر گرفته می‌شود. البته هر یک از دارایی‌های مورد اشاره از نظر نقدینگی می‌توانند درجات متفاوتی را داشته باشند و به عبارتی دارایی‌های مالی با ریسک‌پذیری متفاوتی برای افراد ارزش دارند و مردم نیز براساس ریسک‌پذیری بیشتر مسلماً انتظار نرخ بازده بهتری را نیز دارند.

۳) روش گورلی - شو:

این روش را که توسط پرفسور گورلی و پرفسور شو مطرح شد سکه و اسکناس در جریان و نیز سپرده‌های جاری تنها دو نمونه از تعهدات بسیار زیاد واسطه مالی است بر طبق این نظریه این دو فرد طیف وسیعی از دارایی‌های مالی وجود دارد که جانشین‌های نزدیکی برای پول هستند آنها تأکید دارند که یک رابطه جانشین نزدیکی بین سکه و اسکناس، سپرده جاری، سپرده مدت دار، سپرده پس‌انداز، سهام، اوراق قرضه دولتی و غیره. یعنی آنچه که به وسیله مردم به عنوان ذخیره ارزش نقد شونده تلقی می‌شود وجود دارد. روش این دو فرد در رابطه با تعریف پول از نظر هدف شبیه روش شیکاگو است طوری که در هر دو روش پول را به عنوان وسیله پرداخت معرفی می‌کند. لذا کلیه دارایی‌هایی که جانشین نزدیکی برای این هدف است پول می‌باشد اما با وجود این شباهت تفاوتی بین این دو روش هست و آن از نظر تجزیه و تحلیل است. برخلاف روش شیکاگو که فقط سپرده‌های مدت دار و پس‌انداز و به عنوان جانشین نزدیک وسیله پرداخت پول در نظر می‌گرفتند در روش این دو نفر دارایی‌های مالی زیادتر و اصولاً کلیه سپرده‌ها و تعهدات واسطه‌های مالی را نیز به عنوان پول جانشین نزدیک برای وسیله پرداخت در نظر می‌گیرد و آن را با M_3 نشان می‌دهد:

$$M_3 = M_2 + \text{سپرده مدت دار با ارقام بسیار زیاد}$$

در مجموع با اضافه کردن M_3 به چند ابزار مالی مانند اوراق تجاری، اوراق خزانه، اوراق قرضه پس‌انداز، اوراق قرضه کوتاه مدت، تعریف کامل‌تر پول شکل گرفت:

$$L = M_3 + \text{اوراق خزانه} + \text{تجاری اوراق قرضه کوتاه مدت} + \text{اوراق قرضه پس‌انداز}$$

مفاهیم و اصطلاحات اساسی:

حال که با مبانی، وظایف و سیر تحول پول آشنا شدیم، مناسب دیده شد تا در مورد برخی از مفاهیم و اصطلاحات اساسی این بخش توضیحات مختصری ارائه داده شود.

در اقتصاد و نظام بانکداری سپرده‌های مردم نزد بانک‌ها با اشکال مختلف قابل تقسیم‌بندی است:

الف- سپرده‌های دیداری^۴ (قابل انتقال با چک)

ب- سپرده‌های پس‌انداز^۵

ج- سپرده‌های مدت دار^۶

سپرده‌های دیداری فرق عمده ای با اسکناس و مسکوک ندارد اما سپرده‌های پس‌انداز و مدت دار از درجه نقدینگی پایین‌تری برخوردار بوده و در مقایسه با سپرده‌های دیداری به سهولت نمی‌توانند جانشین اسکناس و مسکوک شوند. از این رو سپرده‌های پس‌انداز و مدت دار را شبه پول می‌نامند.

ذیل روابط مربوط به موارد گفته شده فوق ارائه می‌گردد:

سپرده‌های دیداری مردم نزد بانک‌ها + اسکناس و مسکوک در دست افراد = حجم پول در گردش

اسکناس و مسکوک نزد بانک‌ها - کل اسکناس و مسکوک منتشر شده = اسکناس و مسکوک در دست افراد

سپرده‌های مدت دار مردم نزد بانک‌ها + سپرده‌های پس‌انداز مردم نزد بانک‌ها = شبه پول

میزان شبه پول + حجم پول در گردش = نقدینگی بخش خصوصی

البته نقدینگی بخش خصوصی را نباید با نقدینگی بانک‌ها اشتباه گرفت. نقدینگی بانک‌ها، ذخیره‌هایی است که هر بانک بصورت نقد نگه می‌دارد تا بتواند پاسخگوی درخواست اسکناس از سوی صاحبان سپرده باشد. به عبارت دیگر بدین معنی است که هر بانک و یا نظام بانکی چه نسبتی از سپرده‌ها را باید به صورت نقد نگاه دارند. لذا بانک‌ها علاوه بر ذخیره قانونی نزد بانک مرکزی، ذخیره در گردش و یا انواع دارایی‌های نقد نزد یکدیگر نگاه می‌دارند. اما نقدینگی بخش خصوصی معادل مجموع پول و شبه پول است. این مقوله از مهمترین عواملی است که مورد توجه مقامات پولی مملکت است. زیرا افزایش و کاهش آن همراه با سرعت گردش پول از جمله عواملی هستند که در سطح عمومی قیمت‌ها و در نتیجه در تغییرات ارزش پول تأثیر مستقیم دارند. لذا علاوه بر روابط فوق یکی از روابط مهم و کاربردی مقوله «سرعت گردش پول» می‌باشد که عبارت است از تعداد دفعاتی که یک واحد پول در طی سال دست‌به‌دست می‌شود و به صورت ذیل محاسبه می‌شود.

$$\text{سرعت گردش پول} = \frac{\text{تولید ناخالص ملی}}{\text{نقدینگی بخش خصوصی}}$$

عوامل مؤثر در سرعت گردش پول:

(۱) تواتر معاملات: هرچند تعداد دفعات دریافت‌ها و پرداخت‌ها زیادتر شود، سرعت گردش پول بیشتر است.

-
- 4) Sight Deposit
 - 5) Saving Deposit
 - 6) Time Deposit

۲) حجم داد و ستد: اگر تجارت داخلی و بین‌المللی یک کشور افزایش یابد لاجرم مقدار معاملات نیز بالا خواهد رفت و در نتیجه سرعت گردش پول افزایش خواهد یافت.

۳) شرایط اقتصادی: در دوران رونق، سرعت گردش پول افزایش و در دوران رکود و کساد سرعت گردش پول کاهش می‌یابد.

۴) ارزش پول: در شرایط تورمی ارزش پول تنزل می‌یابد در نتیجه مردم مایل نیستند پول را نزد خودشان نگه دارند و ترجیح می‌دهند که به محض دریافت پول آنرا به مصرف برسانند و لذا در این وضعیت سرعت گردش پول افزایش می‌یابد و برعکس در شرایط رکودی با افزایش ارزش پول و حفظ و ذخیره پول توسط مردم و بالطبع کاهش حجم معاملات سرعت گردش پول کاهش می‌یابد.

۵) شرایط اعتبار و وام‌دهی: سرعت گردش پول همراه با تسهیل شرایط اعطای وام و اعتبار بیشتر می‌شود و با تحدید و کنترل آن کاهش می‌یابد.

ارزش پول:

موضوع ارزش پول را در قالب دو مقوله پشتوانه پولی و اندازه‌گیری تغییرات ارزش پول مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم:

الف) پشتوانه پول:

بحث پشتوانه پول از اوایل قرن ۱۹ میلادی و به دنبال جنگ‌های ناپلئونی در انگلیس و فرانسه مطرح گردید. بدین نحو که به دنبال وقوع جنگ‌های ناپلئونی موجب گردید دولت انگلیس برای تأمین مخارج سنگین جنگ مقادیر زیادی اسکناس منتشر کنند که همین امر موجب کاهش ارزش پول و بالطبع افزایش تورم انگلیس گردید و همین مسأله در پارلمان بریتانیا و انگلیس مطرح و به دنبال آن عقاید مختلفی توسط اقتصاددانان آن زمان مطرح گردید که در قالب دو مکتب یا اصل پولی و بانکی عقاید خود را بیان نمودند که البته در عمل مکتب و اصل سومی مطرح گردید که از نظر کاربردی مقبولیت بیشتری داشت که بدان مکتب پورسانتاژ گفته می‌شود.

۱- مکتب یا اصل پولی: طبق نظر طرفداران این مکتب بانک ناشر اسکناس باید صد درصد ارزش اسکناس منتشر شده را طلا داشته باشد تا بتواند از حفظ ارزش پول پشتیبانی کند. به عبارت دیگر ارزش پول بستگی به حفظ صد درصد پشتوانه طلا دارد. براساس عقاید اقتصاددانان اصل پولی (مثلاً ریکاردو)، بانک ناشر اسکناس حق ندارد بیشتر از موجودی طلای خود را اسکناس منتشر کند حتی اگر شرایط و اوضاع اقتصادی برای تسهیل امر تجارت نیاز به پول بیشتری داشته باشد و یکی از طرفداران اصلی این مکتب دیوید ریکاردو، اقتصاددان مشهور انگلیسی است.

۲- مکتب بانکداری یا اصل بانکی: طبق این مکتب حجم اسکناس در گردش باید متناسب با نیاز اقتصادی جامعه باشد و هرگاه اقتصاد جامعه اسکناس بیشتری را طلب کند بانک ناشر اسکناس باید اقدام به نشر اسکناس بنماید. به عبارت دیگر آنها معتقد

بودند که ایجاد و نگهداری پشتوانه فلزی گرانبها (طلا و جواهرات) امر چندان اجتناب ناپذیری نیست بلکه لازم است هرگاه که اقتصاد جامعه اقتضا می‌کند دولت به انتشار اسکناس دست بزند. خواه برای اسکناس منتشره پشتوانه لازم موجود باشد یا نباشد. از نظر اقتصاددانان طرفدار این مکتب می‌توان به جان استوارت میل اقتصاددان شهیر انگلیسی اشاره نمود.

۳- مکتب پورسانتاژ: با توجه به دو مکتب فوق که نظرات و یا مکاتبی کاملاً افراطی به شمار می‌آمدند آنچه در عمل اتفاق افتاد ظهور مکتب بینابینی بود که در نیمه دوم قرن نوزدهم ظهور کرد و اختلافات مربوط به دو اصل پولی و بانکی را حل و فصل نمود. بدین صورت که بانک ناشر اسکناس مطابق قانون باید درصدی از ارزش اسکناس منتشره را به صورت موجودی طلا و سایر ذخایر قابل اعتماد داشته باشد؛ به عبارت دیگر برای اسکناس منتشره حتی المقدور پشتوانه نگهداری شود ولی در مواقع ضروری و با رعایت احتیاط، اسکناس بدون پشتوانه را نیز بتوان منتشر کرد.

ب) اندازه‌گیری تغییرات ارزش پول:

همانطوری که قبلاً گفته شده یکی از وظایف اصلی و اساسی پول، اندازه‌گیری ارزش اقتصادی است. حال این سؤال مطرح است که تغییرات ارزش خود پول با چه چیزی و چگونه قابل اندازه‌گیری است. اصولاً پول دارای دو نوع ارزش داخلی و خارجی (بین‌المللی) است:

ارزش داخلی: عبارت است از قدرت خرید پول؛ یعنی ارزش پول و قدرت خرید پول کلمات مترادفی هستند. لذا قدرت خرید پول یعنی قدرت پول برای خرید کالاها و خدمات اقتصادی. بنابراین چنانچه با یک واحد پول بتوان در طی مدت مدیدی مقدار معینی کالا و خدمات خریداری نمود، می‌گوییم ارزش پول حفظ شده است (با این اوصاف می‌توان نتیجه گرفت که ارزش واحد پول (ارزش پول) با سطح عمومی قیمت‌ها نسبت عکس دارد. به عبارت دیگر افزایش سطح عمومی قیمت کالاها و خدمات مبین کاهش ارزش واحد پول می‌باشد.

در اقتصاد کلان بیان گردید که سطح عمومی قیمت‌ها با شاخص قیمت‌ها قابل اندازه‌گیری می‌باشد. لذا به کمک شاخص قیمت‌های هر کشور و تغییرات، ارزش واحد پول آن کشور را می‌توان اندازه‌گیری نمود. باید توجه داشت که در حال حاضر پولی که ارزش آن برای مدت مدیدی تقریباً ثابت بماند، بدان پول معتبر^۷ یا پول خوب گفته می‌شود. به طوری که ثبات ارزش واحد پول در طول زمان صفت مشخصه پول معتبر است. اما پولی که دارای ثبات ارزش نباشد و ارزش آن مرتب در جهت کاهش تغییر کند به پول قلابی یا پول بد مرسوم است.

7) Sound Money

بررسی نظریات مربوط به عرضه و تقاضای پول:

الف) تقاضای پول:

مطالعه عرضه و تقاضای پول همواره فکر اقتصاددانان را به خود مشغول می نموده است. به خصوص از زمان کشف معادن طلا و نقره در قاره آمریکا در قرن هفدهم و هجدهم مورد بهره برداری قرار گرفت همین ثروتهای کلان نصیب کشورهای استعماری آن زمان مانند اسپانیا، پرتغال، انگلیس و فرانسه شد باعث گردید عرضه پول وارد مرحله جدیدی شود. از طرف دیگر بروز جنگها و انقلابها نیز موجب افزایش تقاضای پول گردید. همین موضوع را نیز در بین اقتصاددانان در سطح والایی مطرح نمود و باعث گردید اقتصاددانان نظریه های مختلفی را مطرح تا موضوع تقاضای پول به شکل عملی تر و مقبولتر به صورتی که علم اقتصاد از آن انتظار دارد مطرح گردد. که از جمله آنها می توان به نظریه های ذیل اشاره نمود:

۱- نظریه مقداری پول: این نظریه توسط اقتصاددانان انگلیسی در قرن نوزدهم مطرح گردید و این شخص کسی نبود جز دیوید ریکاردو. او برای نخستین بار رابطه مستقیم بین مقدار پول در گردش و سطح عمومی قیمتتها را به عنوان یک قانون قابل استناد مطرح کرد. ریکاردو رابطه بین مقدار پول و سطح قیمتتها را در رابطه مبادلات زیر خلاصه نمود: $M=P \cdot T$

که در این رابطه M ، مقدار پول در گردش و P ، سطح عمومی قیمتتها و T ، حجم معاملات می باشد. به طوری که در این رابطه T ثابت فرض شده است. لذا P به دنبال تغییر M در همان جهت تغییر می یابد. به عبارتی اگر حجم پول در گردش (M) افزایش یابد موجب می شود سطح عمومی قیمتتها سیر صعودی به خود بگیرد.

جان استوارد میل، فیلسوف و اقتصاددان انگلیسی سی سال پس از این نظریه ریکاردو آن را تغییر و اصلاح کرد. به طوری که او عامل سرعت گردش پول را نیز وارد نظریه نمود و آن را با V نشان می داد.

از نظر استوارت میل این رابطه را مطرح نمود: $MV=P \cdot T$

با توجه به این نظریه جدید دیگر (M) به تنهایی عامل تغییر دهنده P نبود بلکه عامل دیگری به نام سرعت گردش پول نیز در تغییر سطح عمومی قیمتتها مؤثر بود. یعنی حتی ممکن بود با عدم افزایش یا کاهش M به دلیل افزایش مؤثر در (V) سطح عمومی قیمتتها را افزایش دهد.

۲- نظریه درآمدی: بررسی ارقام مربوط به حوادث اقتصادی بین دو جنگ جهانی مؤید این موضوع است که نظریه مقداری پول جهت تعیین و توجیه این وقایع کافی نیست. برای نخستین بار اقتصاددان معروف اتریشی بنام فن وایزر که جزء اقتصاددانان طرفدار اصل مطلوبیت نهایی یا نهائون هست بیان نمود که ارزش هر چیزی بستگی دارد به اهمیتی که شخص برای آخرین واحد قائل است. لذا معتقد بود که هر قدر درآمد، کمتر باشد، شدت نیازمندی که به وسیله آخرین واحد پول رفع می شود بیشتر

خواهد بود؛ بنابراین وقتی درآمد فردی بالا رفت به جای آخرین واحد پولی که در اختیار دارد اهمیت کمتری قائل است و برعکس. ایشان قانون فوق را به صورت $R=P \cdot Q$ نشان داد که در آن R درآمد P قیمت و Q کل تولیدات (مقدار تولید) است. که البته معادله فوق را می‌توان به صورت $P=R/Q$ نشان داد به طوری که ملاحظه می‌شود سطح عمومی قیمت‌ها تابع مستقیمی از تغییرات درآمد در نظر گرفته شده و Q حجم تولیدات و معادلات ثابت فرض شده است.

۳- نظریه روانی پول: آلبرت آفتالیون اقتصاددان مشهور فرانسوی ضمن انتقاد از نظریه درآمد فن وایزر آن را تکمیل و تصحیح کرد. او نظریه خودش را در همان چهارچوب $P \cdot Q=R$ ارائه نمود. ولی عوامل دیگری را در نظریه فوق وارد نمود که از جمله آنها می‌توان به «درجه رضایت فردی افراد از خرج کردن پول، پیش بینی شرایط اقتصادی و عوامل اجتماعی و سیاسی» اشاره کرد.

۴- نظریه مکتب کمبریج (نظریه توازن نقدینگی): نظریه پولی کمبریج مانند نظریه نهائیون روی درآمد و رفتار و انگیزه‌های افراد تأکید می‌کند. از نظر این گروه عواملی که در نگهداری پول از سوی اشخاص مؤثر است عبارتند از: تعادل بین مطلوبیت نهایی پول و مطلوبیت سایر اقلام ثروت، هزینه فرصت نگهداری پول، محدودیت بودجه و قیمت‌ها و حجم داد و ستد.

با توجه به عوامل فوق رهبران مکتب کمبریج مانند مارشال و کینز اعتقاد دارند که تقاضای پول توسط افراد نه تنها میزان داد و ستد و غیره بلکه سطح درآمد نیز در تقاضا برای پول مؤثر است.

۵- نظریه کینز (نظریه رجحان نقدینگی): وقتی که دو فرض اساسی کلاسیک‌ها (یعنی ثبات فعالیت‌های اقتصادی و سرعت گردش پول) با بروز بحران مالی و اقتصادی دهه ۱۹۳۰ مورد سوال قرار گرفت، تلاش‌هایی در جهت ارائه نظریاتی برای بهبود وضعیت اقتصادی صورت گرفت که در این راستا بعد از بحران سال ۱۹۲۹ و ۱۹۳۰ فردی به نام جان مینارد کینز در کتاب معروف خودش بنام نظریه عمومی اشتغال بهره و پول، نظریه جدیدی را مطرح کند که طبق آن آثار هرگونه تغییر در حجم پول غالباً در تغییرات سطح تولید و اشتغال منعکس می‌گردد تا تغییرات در سطح قیمت‌ها.

از طرف دیگر کینز برخلاف نظر کلاسیک‌ها که تقاضا برای پول صرفاً برای مبادله بود معتقد بود که علاوه بر تقاضای معاملاتی دو جزء دیگر نیز برای تقاضا پول قائل بود که عبارت بودند از ۱- تقاضای احتیاطی برای پول ۲- تقاضای سفته بازی (واسطه گری) که به تفضیل در این زمینه در درس اقتصاد کلان بدان موضوعات پرداخته شده است که مطالعه آن با فرض داشتن اطلاعات کامل بر عهده دانشجویان می‌باشد.

۶- نظریه جدید مقداری پول میلتن فریدمن: پس از جنگ جهانی دوم گروهی از اقتصاددانان و در راس آن فریدمن تلاش کردند نظریه مقداری پول کلاسیک‌ها را احیا کنند. همانطوری که قبلاً گفته شده بود در نظریه کلاسیکی مقداری پول اشتغال و بالطبع هر گونه تغییر در حجم پول در سطح تقاضای کل از طریق آن در سطح عمومی قیمت‌ها تأثیر مستقیم دارد در حالی که طبق نظریه کینز اقتصاد معمولاً در شرایط اشتغال ناقص قرار دارد و هرگونه تغییر در عرضه پول در تقاضای کل و از آن طریق به طور

غیرمستقیم در سطح فعالیت‌های اقتصادی تأثیر دارد. فریدمن با تلفیق این دو نظریه معتقد بود که هر گونه تغییر در حجم پول نه تنها در تقاضای کل اثر مستقیم و غیرمستقیم دارد بلکه هرگونه تغییر در تقاضای کل نیز دارای اثر مضاعف در تولید و روند قیمتها است. وی یکسری نظریه در رابطه با نظریه خودش مطرح نموده که به آن اشاره می‌شود:

- (۱) نظریه مقداری پول از دید فریدمن نظریه ای برای تقاضای پول هست نه مربوط به میزان تولید و سطح عمومی قیمتها
- (۲) تقاضای پول هم به عنوان دارایی و هم به عنوان عاملی برای معاملات توسط فریدمن مطرح شد که تقاضای پول به عنوان دارایی در حقیقت پول به عنوان یک کالا که به ثروت و دارایی محسوب می‌شود.
- (۳) از دیدگاه فریدمن ۳ عامل مهم بر تقاضای پول تأثیر می‌گذارد: الف) ترکیب ثروت نگهداری شده ب) قیمت نسبی انواع ثروت ج) سلیقه و ترجیحات دارندگان داراییها (لازم به ذکر است فریدمن علاوه بر نقش قیمت و درآمد در تعیین تقاضای پول به موضوع هزینه نگهداری پول نیز اهمیت فراوانی قایل شد. بطوریکه از دیدگاه ایشان هزینه نگهداری پول تحت تأثیر ۲ عامل مهم می‌باشد که در تقاضای پول نیز تأثیر گذار است: الف) نرخ بهره ب) پیش بینی سطح عموم قیمت ها. لذا از نظر فریدمن تقاضای پول با هزینه نگهداری پول ارتباط معکوس دارد).
- (۴) علاوه بر موارد فوق فریدمن روی عامل دیگری نیز تأکید دارد و آن درآمد واقعی است؛ به طوری که از دید او افزایش درآمد واقعی فرد موجب افزایش تقاضای پول خواهد شد.

فریدمن تابع تقاضای حقیقی پول را به صورت زیر ارائه نمود:

$$M_d/p = F(R_m, R_b, R_s, P, Y, W)$$

که در آن R_m نرخ بانکی، R_b نرخ اوراق قرضه، R_s نرخ بازدهی سهام، P نرخ تورم، Y درآمد ملی و W ثروت می‌باشد. از نظر فریدمن تغییرات تقاضای پول با تغییرات R_s , R_m , P رابطه معکوس دارد ولی با درآمد ملی و ثروت ملی رابطه مستقیم دارد.

ب) نظریه عرضه پول:

اصولاً تحولات نظریه عرضه پول را باید بازتاب مستقیم تغییرات و تکامل ماهیت پول در طول زمان به شمار آورد. در ادواری که به صورت کالاهایی مثل طلا و نقره بود ارزش ذاتی آن معادل ارزش اسمی آن و عرضه پول تابعی از قیمت هزینه تولید آن بود. با پیشرفت نظام بانکداری و انتشار اسکناس و مسکوک بانک‌های منتشرکننده اسکناس جهت حفظ سلامتی و پاسخگویی به تقاضاهای احتمالی همواره معادل درصدی از حجم اسکناس منتشره را به صورت فلزات قیمتی و به عنوان پشتوانه در ذخیره داشتند. در این شرایط عرضه پول در جریان عبارت بود از: $M = C + R/K$ که در آن M : عرضه پول، C : فلزات قیمتی در جریان، R : فلزات قیمتی نزد بانک‌ها و K : نسبت ذخائر بانکی به اسکناس در جریان می‌باشد.

اما با توجه به اشکالاتی که در این زمینه در جهت صدور بی رویه اسکناس و عدم وجود ذخائر کافی طلا و نقره جهت پاسخگویی در مقاطعی بحرانهایی را به وجود آورد. ولی با تمرکز تدریجی امتیاز صدور اسکناس در دست مقامات بانکی روند تکاملی پول وارد مرحله جدیدی شد و بدین ترتیب اسکناس‌های منتشر شده به تدریج جایگزین فلزات قیمتی گردید و بانک‌های منتشرکننده اسکناس نیز به تدریج به سپرده بانک‌ها تبدیل شد در چنین شرایطی عرضه پول به صورت $M' = C' + R' / K'$ می باشد که در آن M' : عرضه پول در جریان و C' : اسکناس در جریان و R' : اسکناس نزد بانک‌ها و K' : نسبت ذخایر بانکی به سپرده‌های دیداری است.

برای درک بهتر عرضه پول لازم دیده شود و مفهوم پایه پولی و ضریب فرایند پولی گفته شود.

پایه پولی:

پایه پولی به حاصل جمع پول رایج یعنی اسکناس و مسکوک در دست اشخاص بعلاوه سپرده‌های اشخاص نزد بانک‌های تجاری و سپرده‌های آزاد و قانونی بانک‌های تجاری نزد بانک مرکزی گفته می‌شود. بانک مرکزی می‌تواند با تغییرات پایه پولی (نسبت ذخیره قانونی) بر قدرت وام‌دهی بانک‌ها تأثیر گذاشته و عرضه پول را تغییر دهد.

ترازنامه فرضی بانک مرکزی کشور X

دارایی‌ها	بدهی‌ها
ارز و طلای موجود در بانک مرکزی (داراییهای خارجی)	اسکناس و مسکوک نزد افراد
بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی	اسکناس و مسکوک در نزد بانک‌ها
بدهی‌های دولت به بانک مرکزی	ذخایر قانونی بانک‌ها در نزد بانک مرکزی
سایر دارایی‌ها	ذخایر آزاد بانک‌ها در نزد بانک مرکزی
جمع دارایی‌ها	جمع بدهی‌ها

بنابراین پایه پولی عبارت است از حاصل جمع خالص دارایی‌های خارجی و داخلی بانک مرکزی. به عبارت دیگر پایه پولی را می‌توان وسیله پرداختی دانست که بانک مرکزی با استفاده از آن دارایی‌های خارجی (ارز، طلا، غیره) و داخلی (مطالبات از بخش دولتی و از شبکه بانکی) خودش را خریداری می‌کند. و یا به عبارت بسیار مختصر، پایه پولی برابر است با جمع دارایی‌های بانک مرکزی یا جمع بدهی‌های بانک مرکزی.

ضریب فزاینده (تکثری) پولی :

به طور ساده عبارت است از عکس نرخ ذخیره قانونی ($m=1/R$). اما تعریف کاملی که می‌توان از ضریب فزاینده پولی ارائه داد که در آن S یعنی نسبت اسکناس مسکوک نزد افراد به سپرده دیداری و R عبارت است از نرخ ذخیره قانونی نسبت به سپرده‌های دیداری و P نسبت اسکناس و مسکوک نزد بانک‌ها به سپرده‌های دیداری است ($m=1+S/R+S+P$).

$M=m \cdot B$ در آن M حجم پول، m ضریب فزاینده پولی و B پایه پولی است. توضیحات بیشتر در مورد سیاست‌های پولی و ابزارهای اعمال آن در بخش آخر آمده است.

پولشویی:

واژه پولشویی به‌تازگی وارد مفاهیم اقتصادی و مشمول جرایم گردیده است. گفته می‌شود این اصطلاح از زمان مالکیت مافیا بر دستگاه‌های لباسشویی سکه‌ای در آمریکا گرفته شده است؛ در دهه ۱۹۲۰ گانگسترها مبلغ هنگفتی به صورت نقد از راه اخاذی، فحشا، قمار، قاچاق، مشروبات الکلی و... به دست می‌آوردند و ناچار بودند منبعی برای وجوه غیرقانونی خود معرفی نمایند. یکی از راه‌های رسیدن به این هدف خرید واحدهای تجاری قانونی و تلفیق عایدات غیرقانونی خود با عایدات قانونی و مشروع بود که آنها از این مرکز تجاری بدست می‌آوردند. دستگاه‌های رختشویی سکه‌ای به این دلیل انتخاب شدند که از طریق این دستگاه‌ها روزانه وجوه نقد زیادی کسب می‌شد و حساسیتی هم بر نمی‌انگیخت. در قضیه واتر گیت در سال ۱۹۷۳ در آمریکا، برای نخستین بار اصطلاح پولشویی وارد مطبوعات شد و در سال ۱۹۸۲ به متون قضایی حقوقی آمریکا راه یافت.

پولشویی فعالیتی غیرقانونی است که طی انجام آن عواید و درآمدهای ناشی از اعمال خلاف قانون به پول‌های تمیز تبدیل گردیده و در بدنه اقتصاد جایگزین می‌شوند. در قوانین ایران نیز پولشویی شامل موارد زیر می‌شود:

۱. تحصیل، تملک و نگهداری یا استفاده از عواید حاصل از فعالیت‌های غیرقانونی است با علم به اینکه بطور مستقیم یا غیرمستقیم در نتیجه ارتکاب جرم به دست آمده باشد.
۲. تبدیل، مبادله یا انتقال عوایدی به منظور پنهان کردن منشأ غیرقانونی با علم به اینکه به طور مستقیم یا غیرمستقیم ناشی از ارتکاب جرم بوده یا کمک به مرتکب به نحوی که وی مشمول آثار و تبعات قانونی ارتکاب آن جرم نگردد.
۳. اخفا یا پنهان کردن ماهیت واقعی منشأ و منبع و محل و نقل و انتقال و جابجایی یا مالکیت عوایدی که بطور مستقیم یا غیرمستقیم در نتیجه جرم تحصیل شده باشد.

توجه: پولشویی معادل فارسی Money Laundering و پول کثیف معادل فارسی Dirty Money می‌باشد.

انواع پول کثیف:

چنانچه ناشی از قاچاق و فرار مالیاتی باشد «پول سیاه» و چنانچه منشأ درآمد رشوه و فساد مالی باشد «پول خاکستری» و چنانچه در حیطه مواد مخدر و فحشا باشد «پول کثیف» نامیده می‌شود.

دو ویژگی عمده پولشویی:

الف) پولشویی جرمی سازمان یافته است. ویژگی اینگونه جرایم حداقل سه نفر بودن اعضای آن و استمرار عملیات مجرمانه در طول زمان و جلب منفعت مالی به عنوان هدف اصلی است.

ب) فراملی بودن دیگر ویژگی پولشویی است که ارتباط فیمابین کشورها به صورت گسترده را اجتناب ناپذیر می‌کند. این هر دو خصوصه امکان مبارزه با آن و تعقیب مجرمین را برای دولت ها بسیار سخت و بعضاً ناممکن ساخته و تلاش های سازمان های بین‌المللی و منطقه ای در تحدید این امر موفقیت چندانی نداشته اند.

پولشویی چیست و به چه منظوری انجام می‌گیرد؟

معمولاً پولشویی را به معنای قانونی کردن درآمدهای غیرقانونی، مشروع کردن پول های نامشروع یا تطهیر پول های حرام تعریف نموده‌اند؛ اما واقعیت این است که قانونی شدن یا مشروع بودن هر درآمدی از نظر اقتصادی نه تنها نباید ضرری به اقتصاد یک کشور بزند بلکه باید به عنوان عنصر مؤثر در رشد و توسعه اقتصادی ایفای نقش کند. در عملیات پولشویی به عنوان یک عملیات مجرمانه مالی، درآمدهایی که حاصل فعالیت‌های غیرقانونی است به گونه‌ای با درآمدهای حاصل از فعالیت‌های غیرقانونی در می‌آمیزد که تفکیک آنها از یکدیگر ممکن نیست و می‌توان از این درآمدهای غیرقانونی با حداقل ریسک برای فعالیت دیگری در آینده استفاده کرد.

پولشویی در کجا انجام می‌گیرد؟

محیطی که دارای شرایط زیر باشد مستعد پولشویی است:

- ✓ کریدور فعالیت‌های مجرمانه و غیرقانونی باشد.
- ✓ بخش‌های رسمی به خصوص بازار مالی از کارایی لازم برخوردار نباشد.
- ✓ قوانین ضدپولشویی چندان فعال نباشد.
- ✓ ریسک عملیات پولشویی چندان قابل توجه نباشد.
- ✓ بازارهای مالی، حاشیه‌ای و توسعه‌نیافته باشد اما با بازارهای مالی مدرن در ارتباط باشد.
- ✓ روش‌های پولشویی برای نهادهای بازدارنده ناشناخته باشد.
- ✓ براحتی بتوان درآمد بدست آمده را برای فعالیت‌های مجرمانه دیگر جابجا کرد.

مراحل و فرآیند پولشویی:

۱) مرحله جایگذاری یا مکان‌یابی و استقرار^۸: عبارت است از تزریق پول آلوده به سیستم مالی رسمی و تبدیل وجوه نقد به ابزارهای پولی مانند چک مسافرتی و حواله‌های پولی و... یعنی وجوه کلان از طریق سپرده‌گذاری در مؤسسات مالی رسمی و غیررسمی یا ارسال پول به خارج از مرز با خرید کالاهای ارزشمند به وجوه خرد تبدیل می‌شود.

۲) مرحله پنهان‌سازی یا لایه‌چینی^۹: عبارت است از جداسازی پول آلوده از منشأ خود به منظور مخفی کردن رد (اثر)، جلوگیری از تعقیب و امکان بازگردان مجدد آن به چرخه جرم بدون امکان یافتن محل جغرافیایی و منشأ آن یکی از روش‌های این کار انتقال موجودی از حساب‌های اولیه به سایر حساب‌ها در همان مؤسسه یا مؤسسات دیگر است.

۳) بازگرداندن مرحله ادغام و یکپارچه‌سازی^{۱۰}: عبارت است از ایجاد پوشش ظاهری مشروع در قالب ایجاد مؤسسه عادی اقتصادی یا خریدهای کلان و بازگرداندن دوباره منابع اولیه به فعالیت در موارد غیرقانونی است.

قالب‌های شکل‌گیری پولشویی:

پولشویی در چهار قالب قابل شکل‌گیری است:

پولشویی درونی: بدین مفهوم است که پول آلوده در یک کشور حاصل می‌شود و پولشویی نیز در همان‌جا شکل می‌گیرد.

پولشویی صادر شونده: به این معنی است که پول آلوده در یک کشور بدست می‌آید و پولشویی خارج از کشور محقق می‌شود.

پولشویی وارد شونده: پول آلوده در سایر نقاط جهان حاصل می‌شود لیکن پولشویی در داخل کشور شکل می‌گیرد.

پولشویی بیرونی: پول آلوده از سایر کشورها حاصل و پولشویی نیز در خارج از کشور محقق می‌شود.

راه و روش‌های اصلی پولشویی:

یک راه بسیار ساده برای حل این موضوع این است که معامله به صورت نقد به انجام برسد و در جایی به ثبت نرسد. به این صورت پیگیری آن کار ساده‌ای نیست. در بسیاری از کشورها برای جلوگیری از این امر، همراه داشتن پول نقد بیش از یک سقفی (معمولاً ۱۰ هزار دلار) جرم محسوب می‌شود. چیزی که مسلم است این است که افرادی که مبادرت به این اعمال می‌کنند، خلافکار هستند اما احمق نیستند؛ بنابراین طبیعی است که بی‌جهت دنبال دردسر نمی‌گردند و بی‌جهت به خودشان دردسر نمی‌دهند تا با پول نقد معامله کنند. مثلاً ساده‌ترین راه آن این است که دو نفر در یک کازینو با هم قمار بازی کنند و یک نفر تا می‌تواند به دیگری ببازد یا فردی کالای بی‌ارزشی را برای حراج ارائه کند و فرد دیگری برای آن چندین برابر ارزش واقعی‌اش پول بپردازد. یا فردی ملکی را از فرد دیگری می‌خرد و در قرار داد ذکر می‌کنند که هرکس قرارداد را فسخ کند موظف است فلان مبلغ را به عنوان خسارت بپردازد و... اما راه‌های دیگری نیز وجود دارد:

8) Placement Stage

9) Layering Stage

10) Intergration Stage

انتقال مالکیت، خرید و فروش سهام، انتقال درآمد و پول به خارج، تبدیل درآمد به پول خارجی، چند مسیری کردن عملیات بانکی، استفاده از بنگاه‌های صوری خیریه‌ای، مشارکت صنعتی همکاری با مأموران خائن، خرید و فروش چندباره مستغلات و زمین شهری، پنهان کاری و جاسازی پول و درآمد، خرید طلا و جواهرات و سایر موارد مشابه.

آثار منفی پولشویی در اقتصاد:

- (۱) تضعیف بخش خصوصی: پولشویان با هدف پنهان کردن عواید حاصل از فعالیت‌های غیرقانونی خود با استفاده از شرکت‌های پیشرو، عواید مزبور را با وجوه قانونی مخلوط می‌کنند.
- (۲) تضعیف یکپارچگی و تمامیت بازارهای مالی: مؤسسات مالی متکی به عواید حاصل از فعالیت‌های مجرمانه در مدیریت مناسب دارایی‌ها در انجام به موقع تعهدات و عملیات خود را با مشکلات و چالش‌های زیادی مواجهند.
- (۳) کاهش کنترل دولت بر سیاست‌های اقتصادی: در بعضی از کشورهای در حال توسعه این عواید غیرقانونی ممکن است میزان بودجه دولت را تحت‌الشعاع قرار دهد و در نتیجه کنترل دولت بر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی را کاهش دهد.
- (۴) اخلال و بی‌ثباتی در اقتصاد: اشخاصی که اقدام به پولشویی می‌کنند بدنبال سود حاصل از سرمایه‌گذاری وجوه غیرقانونی خود در فعالیت‌های اقتصادی نیستند بلکه هدف آنها نگهداری اصل وجوه است که این موضوع خسارت شدیدی به اقتصاد می‌زند.
- (۵) کاهش بهره‌وری در بخش واقعی اقتصاد
- (۶) افزایش ریسک خصوصی سازی
- (۷) تخریب بخش خارجی اقتصاد
- (۸) بی‌ثباتی در روند نرخ‌های ارز و بهره
- (۹) توزیع نابرابر درآمد
- (۱۰) فرار سرمایه به صورت غیرقانونی از کشور در واقع افزایش پولشویی و جرم و جنایت سبب کاهش تقاضای پول و کاهش معینی در نرخ سالانه تولید ناخالص ملی می‌شود
- (۱۱) اثرات منفی بر جمع‌آوری مالیات و تشویق فرار مالیاتی و
- (۱۲) افزایش تورم.

اقدامات لازم برای جلوگیری از پولشویی:

- ✓ صندوق‌های قرض‌الحسنه و مؤسسات اعتباری باید بلااستثنا زیر نظر بانک مرکزی قرار گیرند.
- ✓ به موازات، مبادی ورود کالا به کشور می‌بایست تحت نظارت کامل گمرک باشند. ولی در ایران ما هنوز ۶۰ اسکله در دریا و ۸ مبادی در فرودگاه‌ها داریم که خارج از نظارت گمرک فعالیت می‌کنند که باید نسبت به این موضوع تجدیدنظر کنیم.
- ✓ باید دادستانی و دادسرا و دادگاه ویژه مبارزه با فساد و پولشویی تشکیل شود و نیروهای انتظامی و امنیتی ویژه ملزم به همکاری کافی و بی‌چون و چرا باشند.

✓ این دستگاه های قضایی یقیناً بر اساس گزارش‌ها و شکایت‌های دستگاه‌های اجرایی انجام وظیفه می‌کنند. اما نهاد شکایت‌کننده دستگاه اجرایی باید مشخص و معین باشد. شکایت‌ها و گزارش‌های نام و نشاندار افراد و شخصیت های حقوقی نیز قابل رسیدگی خواهد بود.

✓ شورای مبارزه با پولشویی باید مرکب از قضات، جرم‌شناسان، استادان جامعه‌شناسی، اقتصاد، حسابرسان امور مالی و مدیران برجسته باشد تا در تدوین آیین‌نامه‌ها همکاری زمینه‌ای، فرهنگی، سیاسی، علمی با دستگاه دادستانی و دادسرا و دادگاه مستقل را فراهم آورد و از همه مهمتر با موانع فردی و اجتماعی و سیاسی مبارزه با فساد از در مبارزات علمی و مردمی برآید.

روش‌های مبارزه با پولشویی:

- ✓ تغییر قوانین و مقرراتی که به پولشویی مجال فعالیت می‌دهند.
- ✓ تدوین سیاست‌های ضدپولشویی با استفاده از گزارشات آماری دقیق و تصویب قوانین ضدپولشویی.
- ✓ اجرای این سیاست ها با استفاده از فرمول بندی قوانینی که بانک‌های مرکزی تجاری و ارزی توسط آنها اداره می‌شود و بسط آنها به کلیه بانک‌ها به منظور دور نگه داشتن آنها از پولشویی،
- ✓ کنترل نظارت دولت بر ارزهای خارجی با قرارگرفتن دولت در رأس بازارهای مالی و کنترل نقل و انتقالات ارزهای خارجی،
- ✓ اعمال نظارت بر مؤسسات مالی و بانکی،
- ✓ اصلاح ساختار مالیاتی کشورها به منظور جلوگیری از فرار مالیاتی و ایجاد پول های کثیف.

قانون گرشام:

در سال ۱۵۵۸ میلادی توماس گرشام که مشاور مالی ملکه انگلیس بود به این نکته پی برده است که وقتی دو پول با هم در جریان باشند، پولی که توسط عموم مردم بر پول دیگر رجحان داده می شود بتدریج از جریان خارج می شود. گرشام این قانون را چنین بیان نمود: «پول بد پول خوب را از گردش خارج می کند».

آنچه از قانون گرشام استنباط می شود این است که در حالت سیستم دو پایه، طلا و نقره نه تنها دارای یک نسبت رسمی تبدیل بعنوان واحدهای پولی می باشند بلکه دارای یک نسبت غیر رسمی تبدیل به هم، بعنوان کالا نیز هستند. وقتی که این دو نسبت یکی باشند، هیچ مشکلی بوجود نمی آید اما وقتی که این نسبتها برابر نباشند مسائلی مطرح می شود. برای مثال فرض کنید که نسبت نقره به طلا را در بازار غیر رسمی (آزاد) ۱۵ به یک باشد و دولت نیز بطور رسمی نسبت نقره به طلا را ۱۵ به یک در نظر گرفته و تثبیت نماید. حال اگر در چنین شرایطی نقره در بازار فراوانتر شده و نسبت نقره به طلا در بازار غیر رسمی (آزاد) به ۱۶ به یک تغییر یابد در چنین شرایطی شما می توانید با خرید سکه های طلا بوسیله سکه های نقره و با نسبت ۱۵ به یک از دولت و آنگاه ذوب سکه های طلا و بالطبع خرید ۱۶ اونس شمش نقره به ازای یک اونس شمش طلا در بازار غیر رسمی، یک اونس نقره سود ببرید. این روند بالطبع موجب تقاضای زیاد جهت سکه های طلا و کمیابی آن در بازار

خواهد شد. بعبارت دیگر پول بد (همان نقره که قیمت رسمی آن بیش از قیمت کالایی آن می باشد)، پول خوب (همان طلا که قیمت رسمی آن کمتر از قیمت کالایی آن است) را از جریان خارج می کند.

اصل گرشام نه تنها در سیستم دو فلزی بلکه در صورت رواج اسکناس و مسکوک و در مورد ارزها و حتی در مورد یک نوع اسکناس نیز صادق است. مثلاً اگر ما در جیب خود دو اسکناس نو و کهنه یکصد ریالی داشته باشیم طبیعی که اول اسکناس کهنه و پاره را خرج می کنیم و سپس اسکناس نو و دست نخورده را به مصرف می رسانیم.

بخش دوم: ارز و مباحث مربوط به آن

تعریف ارز:

ارز یعنی ارزش، بها و نرخ سندهای تجاری که ارزش آن ها به پول های بیگانه معین شده باشد. ارز در اصطلاح به پول های رایج خارجی اطلاق می شود. به دیگر سخن در یک کشور از پول سایر کشورها یا عنوان ارز یاد می شود. ارز یعنی پول خارجی و اضافه نمودن و اژه خارجی، پس از و اژه ارز لزومی نداشته و کافی است بگوییم ارز و مفهوم خارجی در معنای ارز مستتر می باشد.

چون اسکناس و سکه بخشی از پول هر کشور را تشکیل می دهند، لذا ارز فقط به اسکناس و مسکوک خارجی محدود نشده و چک بانکی، حواله، چک مسافرتی، سفته، برات را هم شامل می شود.

پس به پول خارجی، ارز و نحوه تبدیل آن به پول خارجی دیگر معامله ارزی می گویند. در سیستم بانکی ایران کلیه ارزها قابل معامله نمی باشد. بر این اساس (طبق بند الف و ز ماده ۷ قانون پولی و بانکی کشور مصوب تیر ۱۳۵۱) ارزها به دو دسته قابل تقسیم می باشند:

۱- ارز قابل معامله

۲- ارز غیرقابل معامله

ارز قابل معامله به ارزی گفته می شود که از نظر بانک مرکزی ایران، شعب ارزی بانکها مجاز به خرید و فروش آن می باشد. به ارزهایی که در شعب ارزی بانکهای ایران قابل خرید و فروش نباشند، ارز غیرقابل معامله گفته می شود.

با توجه به مطالب گفته شده در مورد ارز، در معاملات ارزی دو پول دخالت دارند که به نرخ مبادله آن ها نرخ ارز گفته می شود، بر این اساس نرخ ارز تنها یک عدد می باشد. نرخ ارز عددی است که قیمت واحد پولی کشوری را بر حسب واحدهای پول کشور دیگر در زمان مشخصی نشان می دهد، به کمک نرخ ارز پول کشورها قابل تبدیل به یکدیگر می باشند.

توجه: در نرخ ارز، پول دو کشور مداخله می نمایند. به یکی از دو پول مذکور ارز پایه^{۱۱} و به دیگری پول متغیر^{۱۲} گفته می شود. بنابراین ارز پایه یعنی واحد پولی خارجی ثابت باقی می ماند و تغییرات نرخ ارز از طریق پول ملی متغیر نشان داده می شود.

11) Base Currency

12) Variable or Offered Currency

انواع اشکال نمایش نرخ ارز:

نرخ ارز به طور کلی به صورت چهار شکل قابل مشاهده است:

۱. روش مستقیم^{۱۳}

در این روش اعلام نرخ ارز که بیشتر بانکها از آن پیروی می کنند، واحد ارزها ثابت و پول محلی تغییر می کند. در این روش ارزها را باید به مثابه واحد کالاها تلقی نمود که ارز مبین قیمت آنها می باشد. زیرا قیمت عبارت است از مقدار پولی که با یک واحد کالا یا خدمت قابل تعویض می باشد.

۲. روش غیر مستقیم^{۱۴}

در روش غیر مستقیم اعلام نرخ ارز که بانکهای کشورهای نظیر هندوستان و انگلستان از آن پیروی می کنند، قیمت واحد پول کشورها بر حسب پول سایر کشورها (ارز) بیان می شود. عبارتی روپیه هند یا پوند انگلستان پول پایه و ارز پول متغیر خواهد بود.

۳. روش دلار پایه^{۱۵}

این روش اعلام نرخ ارز در واقع همان روش غیرمستقیم اعلام نرخ ارز است با این تفاوت که ارز پایه دلار آمریکا است.

۴. روش متقاطع^{۱۶}

در این روش نرخ ارز، ارزش یک واحد بر حسب ارز دیگر اعلام می شود؛ عبارت دیگر ارز پایه ثابت نمی باشد. این روش اعلام نرخ ارز بیشتر توسط دلان^{۱۷} ارز کاربرد داشته و بدان عمل می نمایند.

اعلام نرخ ارز بوسیله بانک مرکزی ایران:

نرخ ارز توسط بانک مرکزی به روش مستقیم اعلام می شود. در حال حاضر اداره بین المللی بانک مرکزی ایران حدود ساعت ۱۰ صبح در روزهای کاری بانکی جدول نرخ ارز را منتشر می نماید.

اداره بانک مرکزی ایران نرخ مرجع ارز ۲۱ ارز عمده را به روش مستقیم اعلام می کند. نرخ مرجع ارز، در واقع میانگین نرخ خرید و فروش ارز می باشد. بانکهای کشور مانند بانک ملی، صادرات ایران و با توجه به نرخ مرجع اقدام به تهیه و انتشار جدول نرخ ارز حاوی نرخهای خرید و فروش می نمایند. تفاوت بین نرخ خرید و فروش ارز، کارمزد بانک را تشکیل می دهد. این کارمزد در مورد

13) Direct Quotation

14) Indirect Quotation

15) USD Base currency

16) Cross Quotation

17) Dealers

دلار آمریکا حداقل و در مورد ارزهایی که تقاضا برای آنها کمتر است، بیشتر است. در سایت بانک مرکزی^{۱۸} نرخ ارزهای عمده (مثلاً دلار آمریکا، یورو، یکصد ین ژاپن، پوند استرلینگ و فرانک سوئیس و...) قابل مشاهده است.

بازار ارز^{۱۹}:

بازار ارز یا به اختصار بازار فارکس، بازاری است که در آن عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان به خرید و فروش ارز می‌پردازند. بازار ارز را نباید در حکم مکان یا محلی تلقی کنیم؛ بلکه آن را باید در حکم مکانیزی دانست که خریداران و فروشندگان ارز برای انجام معامله ارزی به یکدیگر نزدیک می‌کند.

بازار ارز نیز همانند هر بازاری از عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان تشکیل شده است؛ اما از دلالتان به عنوان یک گروه یاد شده است. دلالتان ارز اغلب در حالی عرضه‌کننده ارزی هستند که متقاضی همان ارز با نرخی دیگر می‌باشند.

عرضه‌کنندگان ارز عبارتند از: صادرکنندگان کالاها، شرکت‌های حمل و نقل دریایی، هوایی، زمینی، سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌ها، شرکت‌های خارجی، دانشجویان، تجار، توریست‌ها و...

در مقابل تقاضاکنندگان ارز عبارتند از: واردکنندگان کالا، شرکت‌های حمل و نقل، بیماران، تجار، توریست‌ها و... دلالتان ارز نقش مهمی در بازار ارز دارند. کار دلالتان ارز آن است که خریدار و فروشنده ارز را به هم نزدیک نمایند. چون سرمایه دلال محدود است به حساب خود وارد معامله ارزی نمی‌شود و فقط برای مشتریان اقدام به انجام معامله می‌نمایند.

وظیفه و کار اصلی بازار ارز، تبدیل ارزی انتقال قدرت خرید از کشوری به کشور دیگر می‌باشد. بعلاوه بازار ارز اعتبارات کوتاه‌مدت برای تأمین مالی تجارت خارجی را تأمین می‌نماید. بازار ارز امکانات لازم برای اجتناب از خطرات ارزی و تسهیل امر تجارت را در اختیار تجار می‌گذارد.

بطور کلی بانک‌ها، شرکت‌ها، نمایندگی‌ها، دلالتان، تجار و برخی از اشخاص مانند سوداگران بازار ارز را تشکیل می‌دهند که بوسیله تلفن، سوئیفت، تلگراف، تلکس و یا پست دائماً با یکدیگر در تماس هستند. بدین ترتیب بازار ارز یک بازار جهانی است و به مکان مشخصی اطلاق نمی‌گردد. عینیت این بازار در سیستم تجهیزات ارتباطی قابل مشاهده می‌باشد. وقتی که از بازار ارز بخصوص صحبت می‌شود (مانند بازار دلار) منظور کلیه مکان‌هایی خواهد بود که در آنجا دلار مبادله می‌شود. بدین ترتیب بازار لندن، نیویورک، توکیو، دوبی، تهران، مسکو و خلاصه کلیه مکان‌هایی که دلار خریداری یا فروخته می‌شود را در بر می‌گیرد.

18) www. cbi. ir

19) Foreign Exchange Market

طرق انجام معاملات در بازار ارز:

معاملات در بازار ارز به دو صورت انجام می‌شود:

۱) نقد^{۲۰}: در معاملات نقدی، ارز به هنگام انجام معامله حداکثر تا ۴۸ ساعت بعد از تاریخ انعقاد قرارداد بین بانک و مشتری قابل تحویل است. چنانچه مشتری در معاملات نقدی توریست باشد، تحویل و تحول به هنگام انجام معامله صورت می‌گیرد. اما زمانی که بانک بخواهد ارزی را نقداً خریداری نماید، قاعدتاً بانک فروشنده بعد از تاریخ انعقاد قرارداد ۲ روز کاری برای تحویل ارز به بانک خریدار مهلت خواهد داشت. در معاملات سلف بر عکس معاملات نقدی ارز در سررسید قابل تحویل و تحول می‌باشد.

۲) سلف^{۲۱}: معاملات سلف ارز به معاملات سلف ثابت^{۲۲} و سلف اختیاری^{۲۳} قابل تفکیک می‌باشد. در معاملات سلف ثابت تاریخ یا زمان سررسید برای تحویل و تحول ارز مورد معامله، دقیقاً مشخص می‌باشد. در معاملات سلف اختیاری مشتری که با بانک قرارداد سلف ارزی منعقد کرده است این فرصت را دارد که تا تاریخ سررسید طبق نرخ ارز توافق شده به انجام معامله با بانک اقدام نماید. چنانچه مشتری تا سررسید نسبت به تحویل و تحول ارز با بانک اقدام ننماید، نرخ ارز توافق شده معتبر نخواهد بود و بانک با نرخ جدید با مشتری وارد معامله خواهد شد.

عملیات در بازار ارز:

الف) آربیتراژ ارز^{۲۴}

هرگاه کسی مالی را از بازاری بخرد و فوراً آن را در بازار دیگری به منظور استفاده از تفاوت قیمت بفروشد، به آن آربیتراژ گویند. آربیتراژ ارز یعنی خرید ارز از آنجایی که ارزانتر است و فروش ارز در همان زمان در جایی که گرانتر است. عاملان ارزی با عمل آربیتراژ، نرخ ارز را در مکان‌های مختلف یکسان می‌نمایند. در واقع با عمل آربیتراژ می‌توان از بازار جهانی ارز صحبت نمود. آربیتراژ ارز زمانی سودآور خواهد بود که تفاوت مکانی نرخ ارز از هزینه نقل و انتقال ارز بیشتر باشد. بدیهی است تا زمانی که تفاوت نرخ ارز از هزینه مورد اشاره بیشتر باشد، عمل آربیتراژ ارز سودآور بوده و تداوم خواهد یافت.

ب) آربیتراژ بهره

منظور از آربیتراژ بهره انتفاع از بهره بالاتر است. از اینرو تفاوت بین نرخ‌های بهره دو بازار پولی موجب انجام معامله تحت عنوان آربیتراژ بهره می‌گردد؛ بطوری که در این عملیات انتقال وجوه نقد از یک مرکز پولی و یک پول (مثلاً بانک‌های انگلستان و پوند)

20) Spot

21) Forward

22) Fixed Forward

23) Option Forward

24) Arbitrage

به مرکز پولی و پول دیگر (بانک‌های آمریکایی و دلار) برای کسب نرخ بهره بالاتر می‌باشد و این امر تا زمانی که نرخ بهره در دو بازار برابر باشد ادامه پیدا می‌کند.

ج) آربیتراژ بهره با پوشش

همان آربیتراژ بهره است با این تفاوت که در آربیتراژ با پوشش، بهره افرادی که به دنبال انتفاع از نرخ بهره هستند ممکن است در مقابل به دلیل تغییر برابری پولهای خارجی (مثلاً پوند به دلار) متضرر شوند؛ لذا این افراد سعی می‌کنند در کنار انجام عملیات آربیتراژ بهره و برای جبران ضرر های احتمالی اقدام به خرید سلف ارز از بازار نمایند تا احیاناً در صورت تغییر برابری (مثلاً پوند به دلار) جلوی ضررهای احتمالی را بگیرند.

د) هجینگ ارزی^{۲۵}

هجینگ از نظر لغوی یعنی همان فروش تأمینی است، عبارت دیگر روشی که باعث می‌شود خطرات احتمالی در تغییر برآوردی قیمت‌ها به حداقل ممکن کاهش یابند، به آن هجینگ گویند. هجینگ ارزی بیشتر توسط صادرکنندگان صورت می‌گیرد؛ بطوری که عاملان ارز، در بازار سلف ارز با نرخ ارز اقدام به معامله نمایند؛ در واقع در حال حاضر چون ارزها در بازار ارز از ثبات نرخ برابری ارز برخوردار نمی‌باشند و کسانی که در آینده دریافت یا پرداخت ارزی دارند با خطر تغییر برابری ارزها مواجه هستند، لذا عاملان ارزی و بیشتر واردکنندگان و صادرکنندگان با عمل هجینگ، خود را در مقابل نوسانات آتی نرخ‌های ارزی بیمه می‌کنند.

ه) سوداگری ارزی^{۲۶}

سوداگری ارزی در حقیقت همان هجینگ ارزی است با این تفاوت که سوداگر به قصد انتفاع اقدام به معامله ارزی در بازار سلف ارز می‌نماید. سوداگری ارزی بیشتر در بازار سلف ارز صورت می‌گیرد. بطور کلی در حالی که هجینگ‌کننده با قصد پوشش از نوسانات نرخ ارز اقدام به معامله ارزی می‌نماید. سوداگر ارز، خطرات نوسانات آتی نرخ ارز را می‌پذیرد تا سودی نصیب خود کند. باید به این نکته توجه داشت که هر چند سوداگری ارز علی‌الوصول دریافت می‌شود و در بازار سلف ارز صورت می‌گیرد، اما در برخی مواقع سوداگران ارز در بازار نقدی اقدام به معامله می‌نمایند.

و) سوآپ^{۲۷}

سوآپ عبارت است از خرید نقدی ارز و فروش همان ارز در بازار سلف ارز و برعکس. عبارت دیگر انجام دو معامله ارزی در یک زمان اما با سررسیدهای مختلف؛ عبارت دیگر همان خرید نقدی ارز و فروش و عده‌دار همان ارز و یا خرید و عده‌دار ارز و فروش نقدی همان ارز. با سوآپ خطر تغییرات نرخ ارز از بین می‌رود؛ بعبارتی سوآپ ارز موجب بیمه معاملات ارزی می‌شود.

25) Hedging

26) Speculation

27) Swap

اصولاً سواپ ارز بین بانک‌های مرکزی کشورها طبق قراردادهای قبلی انجام می‌شود. بدین ترتیب معاملات سواپ بانک‌های مرکزی این امکان را می‌دهد تا نسبت به حفظ نرخ برابری ارز اقدام کنند.

تحلیل بازار فارکس:

به مبادله ارزهای مختلف در بازار ارز، فارکس گفته می‌شود که یکی از بزرگترین و کاملترین و پویاترین بازارها در بین بازارهای مالی است. از نظر اهمیت می‌توان گفت حدود ۳ برابر معاملات در بازار سهام یا بورس کالا است و از نظر تاریخی، شروع بازار فارکس به سال ۱۹۷۱ برمی‌گردد؛ که در آن مقطع پایه پولی از طلا به SDR تغییر شکل یافت و در واقع به جای پول و طلا ترکیبی از ارزهای مهم دنیا به عنوان سبد ارزی صندوق بین‌المللی پول تعیین شد.

فرآیند کار فارکس در طی هفته از دوشنبه تا شنبه و در ۲۴ ساعت شبانه روز قابل دستیابی است؛ بطوری که به ترتیبی که اشاره می‌شود بازارهای مهم جهان در سراسر جهان از نیوزلند شروع سپس استرالیا، ژاپن، هنگ‌کنگ، سنگاپور، بحرین، فرانکفورت، زوریخ، پاریس، لندن، نیویورک، شیکاگو، لس‌آنجلس ختم می‌شود.

در بازار فارکس ارزها به صورت جفتی یا دو به دو معامله می‌شوند، بطوری که از طریق بدهکار کردن حساب‌های بانکی به سادگی امکان انجام معامله و جود دارد و همانطور که مطرح شد با توجه به این که بازار فارکس مکان فیزیکی مشخصی ندارد لذا از طریق تلفن یا شبکه الکترونیکی سوئیفت، می‌توان وارد بازار فارکس شد. در بازار فارکس عوامل مختلفی حضور دارند؛ از مهمترین آنها می‌توان به بانک‌ها، همچنین شرکت‌های چندملیتی، بیمه، صندوق‌های بازنشستگی، شرکت‌های صادرات و واردات و نیز سفته‌بازان و کارگزاران و بالأخره سایر اعضای حقیقی می‌توانند در این بازار حضور و لذا اقدام به معامله کنند. در بازار فارکس بیش از ۸۵٪ از معاملات بر روی ارزهای اصلی مانند دلار آمریکا، ین ژاپن، یورو اروپا، پوند انگلیس، فرانک سوئیس، دلار کانادا و استرالیا انجام می‌شود.

نحوه ورود به بازار فارکس را می‌توان به این شکل مطرح کرد که چون بازار فارکس یک بازار بین بانکی است. لذا اهمیت این نهاد پولی بسیار مهم و ضروری است؛ اما در کنار بانک‌ها حضور کارگزاران و سفته‌بازان برای عملی شدن هر معامله ارزی نیز حائز اهمیت است. چرا که کارگزاران این امکان را فراهم می‌آورد که اشخاص اقدام به معامله ارزی بنمایند که البته برای عملی شدن این معامله کارگزاران از طریق سیستم‌های نرم‌افزاری خاص که در اختیار دارند می‌توانند رمزی را جهت ورود مشتریان به بازار فارکس ارائه نمایند. با این اوصاف حضور و وجود کارگزاران برای عملی شدن هر معامله لازم و ضروری است. بدین شکل که برای عملی شدن معامله ارزی، مشتری بایستی با یک کارگزار بازار فارکس، وارد معامله شود و قرارداد منعقد کند و مبلغی را بعنوان سپرده در بانکی که کارگزار تعیین می‌کند، سپرده‌گذاری کند و در حقیقت این سپرده به عنوان پشتوانه انجام معامله خواهد بود (البته این حساب به نام خود مشتری خواهد بود) و بدین صورت است که مشتری با تأییدیه که کارگزار از طریق ارائه رمز نرم‌افزار

و یژه انجام خواهد داد، مشتری می‌تواند اقدام به مبادلات ارزی نماید. البته باید خاطر نشان کرد سفارش مشتری شامل چهار جزء است: نوع ارز، تعیین قیمت، خرید یا فروش و ساینز معامله. واسطه این ۴ جزء (کارگزار) اقدام به اخذ کمسیون می‌نماید.

مزایای بازار فارکس:

۱. شبانه روزی بودن
۲. نقد بودن: یعنی مشتری می‌تواند در هر لحظه‌ای که می‌خواهد با توجه به موقعیت جفت‌های ارزی اقدام به شکار جفت‌های ارزی سودآور نماید.
۳. مدیریت ریسک: این بازار از نظر مبحث ریسک حساس‌تر و با اهمیت‌تر از سایر بازارها است، بطوری که اگر دقت و تدابیر کاملی اندیشیده نشود می‌تواند ضررهای جبران ناپذیری را به بار آورد؛ لذا پیش‌بینی ریسک و بررسی وضعیت بازار می‌تواند تا حدود زیادی جلوی ضررها را بگیرد.
۴. بحث کارآیی: با توجه به این که تمام اطلاعات و داده‌های مورد نیاز از طریق اینترنت (به صورت جداول مربوط به داده‌های معاملات ارزی در گذشته) وجود دارد لذا این اطلاعات کامل موجب می‌شود مشتریان و کارگزاران پوزیشن‌های مختلفی که جالب و سودآور هست انتخاب شود.
۵. دوطرفه بودن: بازار فارکس جزو نادر بازارهایی است که فرد می‌تواند در ۲ طرف بازار اقدام به معامله نماید به عبارتی دیگر کارگزار یا مشتری هم در حالت صعودی و نزولی قیمت‌ها می‌تواند به معامله ارزی بپردازد.
۶. درگیر نبودن تمام سرمایه: باید خاطر نشان کرد که ضرورتی ندارد سرمایه‌گذار منابع مالی خود را یکجا در یک معامله به کار گیرد لذا می‌توان برای شروع معامله فقط از ۱۰ یا ۱۵٪ سرمایه خود استفاده کرد و در شرایطی که معامله سودآور باشد مقدار بیشتری از اعتبار خود را جهت انجام معامله به کار گرفت.
۷. امکان کنترل ضرر و سود: با توجه به این که معاملات ارزی به صورت الکترونیکی انجام می‌شود، شخص قادر است هر لحظه که بخواهد معامله را خاتمه دهد و در صورتی که به هدف خود از میزان سود دست یابد و یا در صورت شروع ضرر احتمالی پوزیشن ارزی ایجاد شده را ببندد.
۸. مارجین (سود ناویژه): معمولاً تجارت ارزهای خارجی همواره با یک درصد مارجین (تفاوت) در دسترس است؛ بدین معنا که تاجر یا سرمایه‌گذار می‌تواند پوزیشن به ارزش یک میلیون دلار را فقط با داشتن تنها ۱۰۰۰ دلار در حسابش کنترل کند

که البته به این موضوع اعتبار مضاعف^{۲۸} نیز گفته می شود؛ به طوری که سرمایه گذار با هماهنگی و همکاری کارگذار اقدام به افتتاح حساب و سپرده گذاری می کند در صورت اعتماد و پذیرش فرد توسط کارگزار تا ۱۰۰ برابر موجودی خود و با پوزیشن های مختلفی می تواند به معامله ارزی بپردازد.

در بازار فارکس ۹۹٪ تلاش می کنند تا ۱٪ سود ببرند و به همین منظور هست که سرمایه گذار بایستی با تحلیل های تکنیکی و ساختاری بتواند در این بازار حساس و بسیار پرخطر موفق عمل نماید.

انواع تحلیل ها در بازار فارکس:

۱- تکنیکال (فنی): نمودارها و چارت ها و جداول

تحلیل تکنیکال عبارتست از بررسی و تحلیل حرکات و مسیر نرخ در گذشته برای پیش بینی جهت حرکت در آینده (نزدیک). تکنیکالیست ها را گاهی چارتیست نیز می نامند زیرا آنها فقط به چارت ها توجه کرده و برای پیش بینی فقط از آنها کمک می گیرند و به سایر روش های تحلیل اعتماد ندارند. تحلیل تکنیکال برای تمام بازارهایی که قیمت در آنها تحت تأثیر عرضه و تقاضا تعیین می شود کاربرد دارد. تحلیل تکنیکی دقیقاً شبیه پیش بینی هواشناسی است. همان طور که هواشناس از روند گذشته و جاری هوا برای پیش بینی آن در آینده استفاده می کند، سرمایه گذار نیز از تحلیل تکنیکی و روند گذشته و جاری قیمت سهام برای پیش بینی قیمت های آتی بهره می برد.

۲- فاندامنتال (ساختاری): عوامل و شرایط اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و سیاسی و ...

تحلیل فاندامنتال بررسی و مطالعه تمام عواملی می باشد که بطور مستقیم یا غیرمستقیم بر میزان عرضه و تقاضا اثر می گذارند. تفاوت اصلی تحلیل تکنیکال با تحلیل فاندامنتال در نوع نگرش و تفسیر به نوسانات بازار می باشد. تحلیلگر تکنیکال معلول گرا و تحلیلگر فاندامنتال علت گرا می باشد. بعبارتی تحلیل تکنیکال مبتنی بر قیمت و حجم معاملات است و دلایل تغییر قیمت را نادیده می گیرد. در حالی که در تحلیل فاندامنتال همه عواملی که منجر به تغییر عرضه و تقاضا می شوند مورد مطالعه قرار گرفته تا ارزش جاری و آینده ارزها در برابر یک دیگر بدست آید. تعیین قیمت در بازار به انتظارات معامله گران از آینده قیمت بستگی دارد. به طور کلی عوامل اقتصادی، سیاسی و مالی، ترس و نگرانی، بحران ها، امید و آرزو مسایلی هستند که انتظارات معامله گران بازار را تغییر می دهند که این امر موجب عدم تعادل بین عرضه و تقاضا و در نتیجه تغییر قیمت ها تا رسیدن به تعادل می گردد. هدف معامله گر فاندامنتال تشخیص همین عدم تعادل ها و معامله در جهت رسیدن قیمت به نقطه تعادل (و متعاقباً کسب سود) می باشد.

28) Leverage

چند مفهوم مهم بازار فارکس:

Leverage (ضریب اهرمی): به حداکثر ضریب اعتباری که بروکر برای انجام معامله در اختیار شما قرار می دهد، لوریج یا ضریب اهرمی گفته می شود و معمولاً بین ۱۰۰ تا ۵۰۰ است.

Pip (واحد نوسانات قیمت): کوچکترین واحد ارزی را pip گویند. مثلاً اگر قیمت خرید و فروش دلار آمریکا با یورو ۱/۲۵۶۱ باشد و بعد از یک لحظه این عدد به ۱/۲۵۶۴ برسد به ۳ واحد تغییر ۳ واحد پیپ (pip) گفته می شود؛ البته به پیپ، point هم گفته می شود؛ بعبارتی پوینت (point) هرده هزارم برابری نرخ ارز می باشد. پیپ یا پوینت می توانند ناشی از تفاوت های نرخ خرید و نرخ فروش ارزها باشد.

Spread: به تفاوت بین نرخ خرید و فروش ارز، اسپرید گفته می شود. عوامل مؤثر در ایجاد اسپرید می تواند موارد مختلفی باشد از جمله:

۱. مقادیر ارزی که بانکها برای خرید یا فروش در نزد خود نگهداری می کنند که می توانند به عنوان درآمد برای بانک لحاظ شود.
۲. هزینه
۳. کارمزد
۴. حق بیمه کل ساختمان بانک و سایر حق بیمه ها.

انواع و سایل نقل و انتقال ارزی:

۱. اسکناس و مسکوک یا تراول چک ها
۲. چک ارزی
۳. حواله ارزی
۴. بروات ارزی
۵. اعتبار نامه مسافرتی

۱. اسکناس و مسکوک یا تراول چکها: وقتی که اسکناس و مسکوک وسیله نقل و انتقال مالکیت مبلغ شخصی از شخصی به شخص دیگر باشد انتقال با قبض و اقباض صورت می گیرد. خرید و فروش ارز به صورت اسکناس و مسکوک بیشتر به صورت نقدی و در بازار های نقدی ارزی و در حجم محدود صورت می گیرد.

۲. چک ارزی: یکی دیگر از وسایل انتقال وجوه ارزی از کشوری به کشور دیگر است. وقتی شخص مایل باشد مبلغ معینی را به ذی‌نفع مستقیماً و بدون دخالت و واسطه پرداخت نماید از چک ارزی استفاده می‌کند. معمولاً در انتقالات تجاری نیز چک ارزی در حجم محدود و برای مصارف شخصی مورد استفاده قرار می‌گیرد. باید یادآور شد در زمان ارائه چک ارزی به بانک مقصد (پرداخت کننده) این بانک فوراً مبلغ مذکور در چک را به شخص ارائه دهنده چک پرداخت نمی‌کند به طوری که این بانک پس از طی مراحل مربوط به صدور اعلامیه به بانک صادرکننده چک و اطمینان از صحت برگ چک و مبلغ آن و پس از کارمزد اقدام به واریز وجه چک به دارنده آن می‌نماید.

۳. حواله های ارزی: حواله ارزی دستور پرداخت ارزی است که یک بانک بنا به تقاضای مشتری و پس از وصول وجه آن عهده یکی از بانکهای خارج از کشور به اشکال مختلف از جمله کتبی، تلگرافی، تلکس و یا سوئیفتی اقدام به صدور و از آن بانک می‌خواهد (البته با پرداخت مبلغ معینی) ارز را به ذی‌نفع پرداخت کند.

الف) نقل و انتقال کتبی: انتقال کتبی در حقیقت نوعی از روشهای نقل و انتقال ارز هست که از آن به انتقال با پست نیز یاد می‌شود. باید یادآور شد که در سه روش بعدی موضوع امضاء وسایل نقل و انتقال ارز مطرح نبود اما در روش کتبی که به وسیله پست توسط بانک صادرکننده به بانک پرداخت کننده وجه حواله ارسال می‌شود، امضاء آن پیام و حواله ضروری است. مزیت این روش در این است که در این نوع حواله ارزی خود فرد پرداخت کننده از بانک اقدام به امضاء حواله می‌نماید. ضمناً این روش از نظر سرعت و سایر موارد مشابه انتقال تلگرافی یا تلکسی است.

ب) تلگرافی: حالت تلگراف که بیشتر در مقاطع زمانی گذشته متداول بود. توسط شرکت مخابراتی صورت می‌گرفت این روش نسبت به بقیه اشکال انتقال ارز از سرعت کمتری برخوردار بود.

ج) تلکسی: انتقال ارز از طریق تلکس معمولاً بین دو بانک صورت می‌گرفت. از نظر سرعت نسبت به تلگراف بهتر و لی نسبت به سوئیفتی از سرعت پایینی برخوردار بود.

د) سوئیفتی^{۲۹}: سوئیفت (جامعه جهانی ارتباطات مالی و پولی بین بانکی) در حقیقت یک شبکه مالی بین المللی بین بانکی است که پیامهای مالی را از طریق ابزارهای الکترونیکی جابه‌جا می‌کند. به طوری که این روش از نقل و انتقال ارزی از همه اشکال نقل و انتقال ارز به صورت حواله ارزی هم سریعتر، دقیقتر و مطمئنتر می‌باشد و از طرف دیگر در طول سال و در ۲۴ ساعت شبانه روز بدون تعطیلی اقدام به ارائه خدمات مالی بین المللی بین بانکی های کشورهای عضو این شبکه می‌نماید. شایان ذکر است که بگوئیم سوئیفت فقط یک سخت افزار نیست بلکه یک فرآیند نرم افزاری است که به طور منظم در سطح جهانی اقدام به ارائه خدمات می‌نماید. در حال حاضر ۶۵۰۰ عضو از خدمات مالی بین بانکی و جهانی سوئیفت در بیش از ۱۷۸ کشور دنیا و با ارسال حدود چهار میلیون پیام در طول روز از این شبکه استفاده می‌کنند. در ادامه این بخش توضیحات بیشتری در مورد سوئیفت داده خواهد شد.

29) Society Worldwide Interbank Financial Telecommunication (SWIFT)

۴. بروات ارزی: اصولاً برات نوشته ای است که به موجب آن شخصی که برات کش یا برات دهنده است معمولاً به یکی از بدهکاران خود دستور می دهد تا مبلغ معینی را در سررسید معین در وجه شخص ثالثی که دارنده برات نامیده می شود (یا به حواله کرد او) پرداخت نماید. معمولاً از بروات در فعالیتهای مربوط به تجارت جهانی و صادرات و واردات استفاده می شود. به عبارت مختصر برات یک سند تجاری عادی است که در بازرگانی داخلی و خارجی کاربرد دارد و دو نوع دارد؛ برات ساده و برات اسنادی؛ بروات ساده در حقیقت به برواتی گفته می شود که اسناد حمل و نقل ضمیمه آن نباشد اما بروات اسنادی، اسناد حمل و نقل کالا ضمیمه آن می باشد. با توجه به مقدمه فوق بروات ارزی در حقیقت همان تعریف مربوط به بروات است اما تفاوت بروات ارزی با بروات غیرارزی در این است که در بروات ارزی مبلغ ارز پرداختی درج می شود و اصولاً بروات ارزی را می توان به دو دسته تقسیم کرد: ۱. بروات بانکی ۲. بروات تجاری

در بروات بانکی صادرکننده کالا برواتی را بر عهده بانک مشتری واردکننده می کشد تا مبلغ مندرج در بروات را در موعد مقرر یا سررسید معین در وجه شخص ثالث کار سازی نماید لذا وقتی بروات گیر، بروات را می پذیرد و آن را پشت نویسی می نماید تا وجه مندرج در بروات را در موعد مقرر بپردازد در این حالت بروات پذیرش بانکی شده است. لیکن در بروات تجاری صادر کننده یا فروشنده کالا برواتی را بر عهده وارد کننده کالا یا خریدار کالا می کشد تا مبلغ معین را در موعد مقرر یا سر رسید معین در وجه شخص ثالث پرداخت نماید.

نکته دیگر شایان ذکر این است که بروات ارزی نه تنها بین دو کشور و مبادلات اقتصادی آن است، بلکه می تواند در مبادلات اقتصادی بین سه کشور نیز مورد استفاده قرار گیرد.

۵. اعتبارنامه های مسافرتی: در حقیقت نوعی حواله ارزی است که بانک بنا به تقاضای مشتری و پس از و صول وجه آن عهده تعداد معینی از بانکها صادر می نماید تا مبالغ ارزی مندرج در اعتبارنامه را به صورت یکجا و یا به تدریج تا در سررسید مشخص به صاحب اعتبارنامه مبلغ ارز مندرج در اعتبارنامه، به هنگام ارائه به بانک پرداخت نماید. معمولاً اعتبارنامه های مسافرتی بیشتر توسط جهانگردان و تجاری که دائماً در حال مسافرت بوده و از شهری به شهر دیگر و از کشوری به کشور دیگر مسافرت می نمایند، مورد استفاده قرار می گیرد و این یک وسیله مطمئن برای انتقال ارز می باشد. در اعتبارنامه مسافرتی با حضور فرد دارنده اعتبارنامه و پس از این که بانک از صحت دارنده اعتبارنامه مطمئن شد می تواند در قالب جدولی که در اعتبار نامه هست یک جا یا به دفعات مبالغی را به دارنده اعتبارنامه مسافرتی پرداخت نماید و پس از اتمام اعتبار ارزی اعتبارنامه در آخرین مراجعه دارنده آن، اعتبارنامه باطل و لاشه آن به بانک صادر کننده فرستاده می شود.

انواع تعیین نرخ ارز:

در نظام های اقتصادی مختلف دنیا از نظر نظام ارزی ما بطور کلی دو نوع نظام ارزی را شاهد هستیم:

۱. نظام ارزی با نرخ شناور ارز:

در بیشتر کشورهایی که با نظام بازار آزاد یا سرمایه داری اداره می شود، وجود دارد. به طور کلی دولت و بانک مرکزی در بازار ارز مداخله نمی کند و در حقیقت بازار ارز این دسته کشورها یک مجموعه ی بازار جهانی ارز را تشکیل می دهد.

۲. نظام ارزی با نرخ ثابت:

در مقابل کشورهایی که دارای نظام با برنامه ریزی متمرکز هستند و به عبارتی نظام سوسیالیستی یا کمونیستی که دولت تمام منابع را در اختیار دارد، امور ارزی نیز دولت و بانک مرکزی این کشورها کنترل بازار ارز را در اختیار دارند. و به این نوع نظام ارزی با نرخ ثابت ارز گفته می شود.

نظام ثابت ارز به دو شکل مختلف وجود دارد:

الف) نرخ ارز ثابت و پول کشور غیر قابل تبدیل: به طوری که در این حالت کنترل های دولتی بسیار شدید بوده و به نوعی انحصار کامل در بازار ارز وجود دارد نرخ ارز توسط دولت تعیین شده و به بازار تحمیل می شود. در این نوع نرخ ارز، فقط دولت خریدار و فروشنده ارز و تعیین کننده نرخ ارز می باشد.

ب) نرخ ارز ثابت و پول کشور قابل تبدیل: در این حالت دولت در بازار ارز تلاش می کند با مداخله خود نرخ ارز را در محدوده مشخص ثابت نماید اما در عین حال قابل تبدیل می باشد و ورود و خروج ارز آزاد است و به عبارتی بازار آزاد فعال اما با نظارت و دخالت دولت نوسانات نرخ ارز در یک محدوده مجاز صورت می گیرد.

ذخایر ارزی بانک مرکزی ایران که می توانند از آن در جهت مصارف مختلف استفاده کنند:

۱. برداشت از ذخایر ارزی موجود در بانک مرکزی

۲. فروش طلا

۳. منابع ارزی ایران به صورت سهام در صندوق بین المللی پول

۴. استقراض از بازار جهانی

۵. دریافت کمکهای بلاعوض از خارج

انواع نرخ ارز در رابطه با تغییرات بازار:

۱. نرخ ارز اسمی:

همان نرخ هایی که در بازار جهت خرید و فروش ارز بر حسب نرخ اعلام شده در تاریخ معین می باشد. به طوری که نرخ ارز انواع نرخهای دو به دو ارز روزانه توسط بانک مرکزی برای اطلاع عموم توسط بانکها، صرافی ها نمایش داده می شود که البته معمولاً بر نرخ ارز ۵ ارز عمده در بازارهای مختلف به نمایش گذاشته می شود.

۲. نرخ ارز واقعی:

در حقیقت یک نرخ ارز تعدیل شده است. به عبارتی برای این که بتوان تغییرات اقتصادی یک کشور را با کشوری که ارز آن مورد سنجش قرار می گیرد، بررسی نماییم از نرخ ارز واقعی استفاده می کنیم. به عبارت دیگر در نرخ ارز واقعی قیمت های نسبی دو کشور مورد توجه قرار می گیرد.

$$\text{شاخص نرخ ارز در یک کشور} = \frac{\text{شاخص نرخ ارز در یک کشور}}{\text{شاخص نرخ ارز در یک کشور دیگر}}$$

با توجه به این که اکثر تحلیلگران و اقتصاددانان جهت تحلیل مسائل ارزی نیاز به نرخ ارز واقعی دارند، لذا این نرخ ارز واقعی چندان در محافل عمومی به نمایش گذاشته نمی شود و صرفاً برای تحلیل موضوعات مورد استفاده قرار می گیرد به طوری که با استخراج نرخ های واقعی می توان قدرت رقابتی یک کشور را در عرصه حیاتی مورد استخراج قرار داد و همانطور که در رابطه فوق مشاهده گردید برای بدست آوردن نرخ ارز واقعی لازم هست شاخص قیمت ها را در کشورهای مورد نظر داشته باشیم تا از این طریق بتوان اقدام به بررسی و تحلیل و وضعیت اقتصادی کشور در رابطه با تجارت جهانی پرداخت.

۳. نرخ ارز مؤثر:

نرخ ارز مؤثر در حقیقت میانگین و زنی نرخ ارزهای واقعی است. با توجه به این که در هر کشوری برخی از انواع مهم ارز در مبادلات اقتصادی نقش کلیدی را ایفا می کند لذا بر اساس اهمیت و جایگاه هریک از ارزها و سهم آنها در مبادلات اقتصادی، و زن یا ضریب اهمیتی را برای هریک از آنها به نسبت تأثیرگذاری آن ارز در تجارت خارجی داده می شود. مثلاً در کشور ما که بخش قابل توجهی از مبادلاتمان و بالطبع درآمدمان از نفت است و در بازار های جهانی این نفت و گاز را به قیمت و بر پایه دلار می فروشیم، لذا و زن و ضریب اهمیت دلار در تجارت خارجی ما به مراتب از سایر ارزها بیشتر است؛ لذا برای محاسبه ی نرخ ارز مؤثر یک سبد ارزی موزون و دخیل شده را تشکیل می دهیم و این سبد ارزی موزون شده به هریک از ارزهای تأثیرگذار و دخیل در مبادلات اقتصادی و زن می دهیم تا بدست آمدن نرخ ارز مؤثر بتوان واقعیات تجارت خارجی خود را بر اساس قدرت رقابتی کالاها و خدمات خود در بازار جهانی بسنجیم.

برای محاسبه ی نرخ ارز مؤثر، ابتدا باید شاخص های نرخ ارز اسمی را بدست آورده و سپس شاخص های نرخ های مذکور را با توجه به سهم آنها در تجارت خارجیمان، موزون نماییم؛ مثلاً در کشور ما دلار آمریکا با توجه به فروش نفت بر حسب دلار از زن بسیار بالایی برخوردار است و بعد از آن یورو به دلیل ارتباط با کشورهای اروپایی می تواند از ضریب اهمیت قابل توجهی برخوردار باشد و همینطور سایر کشورها مانند چین امارت، ترکیه، سوریه و . . .

تأثیر تثبیت نرخ ارز بر تشدید مشکلات:

کشور ما مهد تمدن‌های دیرینه‌ای است که ظهور و توسعه و تعالی آنها بر پایه استعدادها و پیش‌زمینه‌های موجود در این سرزمین اتفاق افتاده است. شرایط آب و هوایی مساعد و متنوع، منابع سرشار طبیعی، منابع انسانی مستعد، مردمی باهوش و سخت‌کوش و موقعیتی بسیار مناسب در تلاقی تمدن‌های قدیم و جدید و شاهراه‌های تجاری از جمله عواملی هستند که زمینه را برای توسعه موزون و همه‌جانبه در این کشور فراهم آورده است. علیرغم تمامی این موهبت‌ها ملاحظه می‌کنیم که در میان ملل و جوامع توسعه یافته دنیا و حتی منطقه جایگاه مناسب و شایسته خود را به دست نیاورده ایم. در چشم انداز بیست ساله کشور رسیدن به این جایگاه به عنوان هدف تعیین و ترسیم شده است. اقتصاد ما از کارآمدی و بهره‌وری مناسبی برخوردار نیست و هر سال بر وابستگی آن به درآمدهای نفتی افزوده می‌شود، هزینه‌های سرسام آور جاری در بودجه عمومی سالانه کشور، حجم بزرگ دولت و دولتی بودن اقتصاد، انحصارات، کسری بودجه، منفی بودن تراز پرداخت‌های بازرگانی خارجی بدون نفت، قاچاق، تورم، رکود فعالیت‌های تولیدی، تعطیل شدن بسیاری از کارخانجات و کارگاه‌های تولیدی و افزایش شمار بیکاران، پایین بودن درآمد سرانه و قدرت خرید مردم، افزایش شکاف‌های اجتماعی و فواصل طبقاتی از جمله مشکلات و معضلاتی هستند که به دلیل فضای نامساعد کسب‌وکار و وجود موانع جدی در مسیر تولید و اقتصاد تولیدمحور بروز کرده‌اند. در چنین شرایطی سرمایه‌گذاری در بخش تولید حتی برای دولت پر هزینه و کم اثر است، و بخش عظیمی از سرمایه‌گذاری‌ها بدون این که به بار بنشینند هدر می‌رود و زمینه برای فرار سرمایه و فرار مغزها آماده می‌شود.

دولت ما برای کاهش فشار بر زندگی اقشار ضعیف جامعه به جای اقدام اصولی در زمینه رفع موانع تولید و توسعه اقتصادی که به توسعه اشتغال مولد و رونق و عدالت اجتماعی منتهی خواهد شد، با افزایش بیش از حد شمار کارکنان دولت، دادن یارانه و کمک‌های مستقیم عملاً به افزایش حجم نقدینگی در فعالیت‌های غیرمولد دامن می‌زنند. در حالی که با در فشار قراردادن فعالیت‌های تولیدی بر دامنه و ابعاد مشکلات مورد اشاره می‌افزایند. در میان موانع تولید از جمله سه قفله شدن پرداخت تسهیلات به واحدهای تولیدی، بالابودن نرخ سود تسهیلات، فشارهای مالیاتی، قوانین و مقررات دست و پاگیر، بوروکراسی اداری، انحصارات و فضای غیررقابتی داخلی، عدم عضویت در WTO و فضای غیررقابتی در مقیاس جهانی و... عامل مهمی مانند سیاست تثبیت نرخ ارز، نقش مخربی در تشدید تمامی مشکلات مورد اشاره دارد؛ در عین حال از این سیاست در لفافه‌ای کاذب به عنوان وسیله‌ای برای رفاه و آسایش مردم نام برده می‌شود.

در این بحث پاره‌ای از تأثیرات مخرب تثبیت نرخ ارز بر اقتصاد کشور را بررسی و توجه مسئولین اقتصادی کشور را به تجدید نظر در این سیاست مغایر با مصالح عمومی کشور جلب می‌کنیم.

۱- تأثیر در موازنه پرداخت‌های بازرگانی:

طی سال های گذشته شاهد رشد منفی تر از پرداخت های خارجی بدون نفت از حدود ۳۰ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۸۲ تا ۵۵ هزار میلیارد ریال در سال ۸۷ بوده ایم که زنگ های خطر را نه تنها برای آگاهان اقتصادی بلکه برای کل جامعه به صدا درآورده اند. اتکاء بیش از پیش ما به درآمدهای حاصل از فروش نفت مغایر اهداف و برنامه های کشور و رهبر معظم انقلاب است که در پیام های خود همواره بر آن تأکید داشته اند. در میان عواملی چون محروم ماندن واحدهای تولیدی از نقدینگی مورد نیاز، بالا بودن نرخ سود تسهیلات، فشارهای مالیاتی، قوانین و مقررات مزاحم تولید و... که قیمت تمام شده کالاهای تولیدی را در مقایسه با اقلام مشابه خارجی بالا می برند و قدرت رقابت تولیدکنندگان ما را نه تنها در بازارهای جهانی بلکه در بازار داخل نیز از بین می برند، سیاست تثبیت نرخ ارز اثرات مهلکی بر تولید ملی و موازنه پرداخت های بازرگانی خارجی کشور دارد.

حتی در شرایط برابری دیگر عوامل (که بر شمردیم)، به دلیل اختلاف رشد نرخ تورم ۲ رقمی در کشور و مقایسه آن با رقم بسیار ناچیز نرخ رکود جهانی (حدود ۳ درصد) قیمت تمام شده کالاهای تولیدی داخل هر سال حدود ۲۰ درصد بالا می رود؛ حال آن که کالاهای مشابه خارجی فقط ۳ درصد افزایش قیمت خواهد داشت. حاصل این امر افزایش تقاضا برای کالاهای وارداتی ارزان قیمت و کاهش مستمر رقابت پذیری بنگاه های تولیدی داخلی و محصولات آنها در بازار هستیم. بویژه صادرکنندگان و تولیدکنندگان کالاهای صادراتی از این سیاست دچار ضرر و زیان خواهند شد و نتیجه آن که هر سال از میزان صادرات کالاهای غیرنفتی کاسته می شود و بر میزان واردات کالاهای ارزان قیمت خارجی افزوده می شود. هر چند برخی مسئولین و تحلیلگران اقتصادی با ساده انگاری تثبیت نرخ ارز و بازکردن مرزهای اقتصادی به روی واردات کالاهای خارجی را نوعی حمایت از مصرف کننده تلقی می کنند، اما قطع یقین، این است که این سیاست (مستقیم و غیرمستقیم) در نهایت به زیان مصرف کننده نیز تمام می شود؛ زیرا:

۱-۱) با در تنگنا قرار گرفتن تولید و تولیدکننده داخلی واحدهای تولیدی یکی پس از دیگری با رکود، کاهش تولید و در نهایت تعطیلی مواجه می شوند و سرمایه گذاری انجام شده در این بخش که رقم بسیار چشمگیر در اقتصاد کشور است بی مصرف و بلااستفاده می ماند و بخش عظیمی از نیروهای مولد در ردیف مصرف کنندگان قرار خواهند گرفت.

۱-۲) بر شمار کارگران بیکار در جامعه افزوده خواهد شد. اگر بخشی از این خیل نیروی کار هم به دستگاه ها و سازمان های دولتی تحمیل شود، بار مالی دولت افزایش و توان پرداخت حقوقی کافی به آنان کاهش پیدا می کند. لذا این نیروی عظیم که عملاً به مصرف کننده تبدیل شده اند، در کنار سایر مصرف کنندگان قدرت خرید همان کالای بنجل و ارزان قیمت خارجی را هم نخواهد داشت.

۱-۳) با کاسته شدن تعداد و اندازه واحدهای تولیدی که مالیات دهندگان اصلی هستند و افزایش هزینه های جاری دولت، دولت ناچار می شود یا بر اتکای خود به درآمدهای حاصل از فروش نفت خام بیفزاید و یا فشار مالیاتی بر واحدهایی که هنوز سرپا مانده اند را افزایش دهد. این امر در هر دو حالت به زیان جامعه است. و باقیمانده تولیدکنندگان حتی بنگاه های دولتی را علیرغم حمایت های مالیاتی، یارانه ای و بودجه ای با شکست و تعطیلی سریع تر مواجه می کند، لذا فشارهای مورد بحث در بندهای ۱-۱ و ۱-۲ تشدید روز افزون پیدا خواهد کرد؛ ضمن این که هر نوع حمایت مالیاتی، یارانه ای و بودجه ای از واحدهای

تولیدی دولتی در واقع هزینه کردن از درآمدهای نفتی است و سرپا ماندن این واحدها را نباید به حساب تولید با توجیه اقتصادی گذاشت و کسری موازنه پرداخت های بازرگانی خارجی باز هم به زیان صادرات و اقتصاد کشور تمام خواهد شد.

۲- تأثیر در کاهش بهره‌وری:

تولید در فضای رقابتی، تمرینی است برای افزایش بهره‌وری، چنانچه فضای کسب و کار در کشور به گونه‌ای باشد که فشارهای جانبی تولیدکنندگان ما را تحت تأثیر عوامل بیرونی در شرایط غیررقابتی قرار ندهد، آنان به حکم انگیزه‌ای که برای کسب درآمد و سود بیشتر و بقاء در میدان رقابت دارند، ناچار هستند با ابداعات، اختراعات و نوآوری‌ها و دستیابی به فناوری‌های جدید بر کیفیت کالاهای تولیدی خود بیفزایند و قیمت آن را به صورتی روزافزون پایین بیاورند. در یک کلام بهره‌وری خود و عوامل تولید خود را دائماً ارتقا بخشند تا بخش وسیعتری از بازارهای داخلی و خارجی را به خود اختصاص بدهند. سیاست تثبیت نرخ ارز جزء عوامل بیرونی فضای کسب و کار است که درحیطه اختیارات تولیدکنندگان قرار ندارد و با افزایش فشار بر تولید بهره‌وری نیز به نحو بسیار نگران‌کننده‌ای پایین خواهد آمد. و جامعه شاد و با نشاط بالنده تولیدکننده به جامعه‌ای سست و بی‌حال، مصرفی و چشم انتظار یارانه و کمک‌های دولت تبدیل خواهد شد. که بیشترین بارها را بر دولت و اقتصاد ملی تحمیل خواهد کرد.

۳- تأثیر بر کسری بودجه:

ارز حاصل از فروش نفت برای تأمین هزینه های جاری کشور در بازار داخلی باید به ریال تبدیل شود. وقتی در شرایط تثبیت نرخ ارز قیمت ارز به مراتب از قیمت واقعی آن در بازار آزاد کمتر اعلام شود، دولت ناچار است، برای تأمین هزینه های جاری ارز بیشتری را به ریال تبدیل کند، یعنی نفت بیشتری به فروش برساند و اتکای بیشتری بر درآمدهای نفتی داشته باشد و گرنه قادر به تأمین کسری بودجه‌های سالانه خود نخواهد بود.

۴- تأثیر بر نرخ تورم:

با در پیش گرفتن سیاست تثبیت نرخ ارز در بدو امر منابع تولیدکنندگان (بویژه تولیدکنندگان کالاهای صادراتی که نیازمند خرید و ماشین آلات، مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای هستند) تأمین شده، نیازهای خود را با قیمت کمتری تهیه و تأمین می‌کنند، اما هنگامی که به مرحله فروش و صادرات می‌رسند، در شرایط پایین بودن نرخ ارز این کالاها نه در بازار داخل و نه در بازارهای جهانی قدرت رقابت با کالای خارجی را ندارند و اگر در مراحل اولیه عرضه کالا به بازارهای داخلی برای مدت زمانی کوتاه آثار آن را در کنترل نرخ تورم مشاهده می‌کنیم؛ در بلندمدت اثرگذاری خود در این پدیده را از دست می‌دهد؛ در شرایط صعود قیمت نفت در بازارهای جهانی تا ۱۴۰ دلار در هر بشکه، دلیل تورم در کشور ما افزایش جهانی قیمت‌ها و تورم وارداتی عنوان می‌شد، اما در شرایطی که قیمت نفت به نصف و حتی یک سوم این میزان هم رسید، علیرغم کاهش قیمت‌ها در سطح دنیا و کاهش تورم وارداتی نرخ تورم در کشور ما نه تنها پایین تر نیامد، افزایش هم داشت. بدتر از آن این که در شرایط رکود تورمی قرار گرفته ایم.

۵- تأثیر بر سرمایه گذاری:

در شرایطی که سیاست تثبیت نرخ ارز تولید در داخل کشور را از گردونه رقابت در بازارهای داخلی و خارجی خارج ساخته است، از سرمایه گذار داخلی رغبت و توان ادامه فعالیت گرفته می‌شود و طبیعتاً سرمایه‌گذار خارجی هم انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری و تولید کالا و خدمات از خود نشان نخواهد داد.

۶- تأثیر بر قاچاق:

یکی از پدیده‌های مضر اقتصادی پدیده قاچاق است که مولود شرایط تولید غیررقابتی در کشور است. زمانی که برائت عوامل مختلف از جمله تثبیت نرخ ارز و پایین نگاه داشتن تصنعی نرخ ارز قیمت کالاهای خارجی از قیمت تمام شده کالاهای داخلی ارزان‌تر باشد و دولت بخواهد تنها با ابزار تعرفه از تولید داخلی حمایت کند، راه برای ورود کالای قاچاق به کشور عملاً باز خواهد شد و مبارزه با این پدیده به شیوه‌های فیزیکی از جمله انسداد مرزها و توسل به قوه قهریه به نتایج ملموسی نخواهد رسید. فقر، بیکاری و دیگر عوامل نیز دست به دست هم داده، گسترش واردات به شیوه قاچاق را دامن می‌زنند.

سیاست غیر اصولی تثبیت نرخ ارز در تشدید همه این مشکلات اساسی نقش بارز و مشخصی دارد. عدم پرداختن بموقع به این نارسایی‌ها قطعاً تبعات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی سنگینی به دنبال خواهد داشت که ممکن است کشور را با بحران‌های عمیق مواجه سازد. در عین حال باید توجه داشت که اصلاح ناگهانی نرخ ارز نیز بدون مهیاسازی زمینه‌های لازم برای آن بی‌مشکل نیست. لذا بایستی با تدابیر مدبرانه و کارشناسانه نظیر اصلاح تدریجی نرخ ارز، افزایش تدریجی حقوق و دستمزد حقوق‌بگیران به تناسب افزایش نرخ ارز، رفع موانع تولید، اصلاح قوانین و مقررات مرتبط با تولید بویژه قوانین مالیاتی و تأمین اجتماعی، اجرای بدون انحراف و درست اصل ۴۴ و خصوصی سازی فعالیت‌های تولیدی، لغو انحصارات، اقدام در جهت پیوستن به WTO و بهبود فضای کسب و کار شرایط را برای پویایی اقتصاد و رقابت‌پذیری فراهم آوردیم.

تراز پرداخت های ارزی:

در حقیقت مجموع ارزش سالیانه کلیه مبادلات اقتصادی یک کشور را با بقیه جهان در یک دوره معین نشان می‌دهد؛ که معمولاً یک ساله است؛ به طوری که در جریان تراز پرداخت‌های ارزی دو مسیر وجود دارد. یکی جریان پرداخت به داخل کشور و دیگری پرداخت به خارج کشور می‌باشد. اما اگر بخواهیم یک تعریف کلی از تراز پرداخت ارائه دهیم در حقیقت تراز پرداخت‌ها صورتحساب نقل و انتقال مربوط به کالا و خدمات و درآمد میان یک اقتصاد و سایر کشورها از یک طرف و نیز کلیه تغییرات در موجودی طلای بانکی، حق برداشت مخصوص، یا بدهی از سوی دیگر و نیز نقل و انتقالاتی که به صورت بلاعوض انجام می‌گیرد را شامل می‌شود.

تراز پرداخت های ارزی از سه قسمت تشکیل می‌شود:

۱. تراز حساب جاری

۲. تراز حساب سرمایه

۳. تراز ذخایر

۱. تراز حساب جاری:

اصولاً حساب جاری شامل کلیه مبادلات کالا و خدمات و انتقالات بلاعوض است. اقلام عمده معاملات یک کشور مانند عمل حمل و نقل، مسافرت‌ها و سرمایه‌گذاری را نیز شامل می‌شود. لذا حساب‌های جاری بیان‌کننده انتقال منابع واقعی است که میان یک اقتصاد و جهان خارج را شامل می‌شود اما تراز حساب جاری در حقیقت انتقالی را نشان می‌دهد که بر اقلام منابع مالیاتی یک کشور افزوده یا کاسته می‌شود. برای تهیه تراز حساب جاری معمولاً از آمار تجارت خارجی استفاده می‌شود این آمار که توسط گمرک تهیه می‌شود، ارزش صادرات به قیمت FOB (تحویل در عرشه کشتی) و واردات به قیمت CIF (تحویل در مقصد به همراه بیمه و کرایه) می‌باشد. لذا صادرات و واردات هر کشور با قیمت‌هایی که در مرزهای گمرکی آن کشور دارا هستند در حساب جاری ثبت می‌شود.

۲. تراز حساب سرمایه:

معمولاً در تراز حساب سرمایه، کلیه نقل و انتقالات مربوط به دارایی‌ها و بدهی‌های مالی یک کشور در این حساب ثبت می‌شود که منظور از نقل و انتقالات دارایی‌ها و بدهی‌ها در حقیقت تغییر در مالکیت آنهاست؛ نقل و انتقال دارایی‌ها عموماً نشان‌دهنده مبادلات تجاری هستند. در طبقه‌بندی اقلام حساب سرمایه، بر اساس زمان می‌توان مبادلات کوتاه‌مدت و بلندمدت را از هم تفکیک کرد که در مبادلات مالی کوتاه‌مدت اقلامی مانند پول، اعتبارات بانکی، بروات و سفته‌های ارزی با سررسید کمتر از یک سال لحاظ کرد. اما در مبادلات بلندمدت با سررسید بیش از یک سال شامل مالکیت یک شرکت خارجی یا خرید اوراق قرضه بلند مدت، فروش سهام و... می‌باشد.

۳. تراز ذخایر:

اصولاً ذخایر در یک سرفصل جداگانه تهیه می‌شود و شامل طلای بانک‌ها، حق برداشت مخصوص (SDR) در صندوق بین‌المللی پول و استفاده از اعتبارات صندوق مذکور و سایر ادعاهای مالی مسئولین پولی کشور از خارج می‌باشد که معمولاً این ذخایر شامل طلای بانکی، حق برداشت مخصوص، وضعیت در صندوق بین‌المللی پول، دارایی‌های ارزی، سایر دارایی‌ها و استفاده از اعتبارات صندوق بین‌المللی پول است.

سوئیفت:

سوئیفت (جامعه جهانی ارتباطات مالی و پولی بین بانکی) در حقیقت یک شبکه مالی بین المللی بین بانکی است که پیام‌های مالی را از طریق ابزارهای الکترونیکی جابه‌جا می‌کند. سوئیفت فقط یک سخت افزار نیست بلکه یک فرآیند نرم افزاری است که به طور منظم در سطح جهانی اقدام به ارائه خدمات می‌نماید. سوئیفت دارای مزایای متعددی است که از جمله آنها عبارتند از:

۱- سرعت بالا:

با توجه به این که سیستم سوئیفت دستاوردهای الکترونیکی در رابطه با مسائل ارتباطات بهره می‌گیرد لذا ارسال هر پیام سوئیفتی در عرض چند ثانیه صورت می‌گیرد به نحوی که طول پیام و یا بعد مسافت آن‌چنان در ارسال پیام دخالت ندارد. مثلاً ارسال پیام به طول ۵۰۰ و ۱۰۰۰ کاراکتر از مبدأ اسپانیا به مقصد پرتغال یا ژاپن تقریباً در یک مدت زمانی یکسان صورت می‌گیرد؛ از این جهت سرعت سوئیفت نسبت به سایر اشکال انتقال ارز به روش حواله ارزی غیر قابل مقایسه است. مثلاً اگر ارسال پیامی از طریق تلکس که به مراتب سرعتش از تلگراف بیشتر است ۱۰ الی ۱۵ دقیقه طول بکشد همین پیام از طریق سوئیفت ظرف ۳ ثانیه قابل ارسال است.

۲ - قابلیت اطمینان:

یکی دیگر از ویژگی‌ها و مزایای سوئیفت است به طوری که این سیستم دارای ۹۹/۹۹٪ قابلیت اطمینان است یعنی در این سیستم امکان مخدوش یا کم شدن پیام مالی بسیار نادر است؛ به طوری که در سال ۱۹۷۷ حتی یک پیام مالی مخدوش یا گم شده مشاهده نگردید و همچنین طی ۳۰ سال فعالیت این سیستم در گذشته ۱۰۰٪ پیامهای ارسالی و دریافتی از مبدأ تا مقصد بدون هیچ گونه اشکال و دخل و تصرف مبادله شده است.

۳- ایمنی سیستم:

این سیستم چون اکثر پیامهای بانکی اش تعهد آور بوده و منشأ مالی دارد لذا امنیت انتقال این نوع پیامها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ به طوری که امروزه با بکارگیری از جدیدترین پدیده‌های الکترونیکی تلاش شده است این سیستم از لحاظ ایمنی در سطح بالایی قرار گیرد. در این راستا برنامه‌ریزی شده است تا صرفاً افراد مجاز توانایی ورود به سیستم را داشته باشند.

۴- استاندارد:

در حقیقت سیستم سوئیفت از یک استاندارد واحد در سطح جهانی برخوردار می‌باشد بطوری که پیامهای ارسالی از طریق این شبکه و در همه کشورهای یکنواخت و استاندارد هست. عبارتی یک زبان مشترک در بین نظامهای بانکداری کشورهای مختلف دنیا می‌باشد و همه کشورها مقید هستند بر اساس علائم و پیامهای تعریف شده سوئیفت، اقدام به ارسال پیامهای مالی نمایند.

۵- صرفه جویی در هزینه:

در حال حاضر هزینه ارسال هر پیام ۳۲۵ کاراکتری حدود ۳ سنت است و اگر پیامهای یک بانک افزایش یابد به نسبت افزایش پیامهای ارسالی و دریافتی، هزینه مالی پیامها به میزان قابل توجهی کاهش می یابد. همچنین از نظر کارمزد اجرا، پیام سوئیفت نصف کارمزد اجرای پیام تلکس را دارد.

۶ - قابلیت دست یابی:

شبکه جهانی سوئیفت در طول ۲۴ ساعت شبانه روز و در طول تمام ایام هفته فعال است.

سازمان سوئیفت:

سوئیفت یک مؤسسه تعاونی یا به عبارتی دیگر یک مؤسسه غیرانتفاعی است که به بانکهای عضو تعلق دارد و از سوی اعضا کنترل می شود و برای تأمین اهداف مشترک آنها طرح ریزی شده است، بالطبع از طرف اعضا با پرداخت حق عضویت و هزینه تعداد پیام ارسالی، تأمین مالی می شود و مدیریت آن را هم به عهده اعضا است. به استناد ماده ۱۴ اساسنامه سوئیفت، اعضای ۲۵ نفری هیئت مدیره سوئیفت را بانکهای عضو انتخاب می کنند و هر بانکی که بیش از ۱/۵ درصد از سهام سوئیفت را در اختیار داشته باشد، می تواند یک عضو هیئت مدیره را معرفی کند. میزان سهام اختصاصی هر عضو هر سه سال یک بار با توجه به میزان پیامهای ارسالی عضو از طریق شبکه تعیین می شود. اگر عضوی بیش از ۶ درصد سهام سوئیفت را در اختیار داشته باشد، می تواند حداکثر دو عضو هیئت مدیره معرفی کند و کشورهایی که کمتر از ۱/۵ درصد سهام را دارند، می توانند به طور مشترک به شرطی که تعداد سهام آنها بیش از ۱/۵ درصد شود، یک عضو هیئت مدیره معرفی کنند. سود عملیاتی این مؤسسه تعاونی بالطبع به اعضا تعلق دارد و می باید بین اعضا تقسیم شود، ولی سوئیفت این عمل را انجام نمی دهد و سود حاصله را برای سرمایه گذاری مجدد و کاهش هزینه پیام سوئیفتی در سال بعد استفاده می کند.

استفاده کنندگان از سوئیفت:

۱- اعضا: ادارات مرکزی بانکها به عنوان اعضا شناخته می شوند که سهامداران سوئیفت هستند. مثل اداره مرکزی بانک صادرات یا بانک ملی در تهران که یک عضو و سهام دار هستند.

۲- اعضای فرعی: شعب خارج از کشور اعضا یا شرکت های فرعی که بیش از ۹۰ درصد سهام آن متعلق به عضو باشد، به عنوان اعضای فرعی پذیرفته می شوند. مثلاً شعب خارج از کشور بانکهای ایرانی، که عضویت آنها بعد از پذیرفته شدن بانکهای ایرانی به عنوان عضو، تحت عنوان عضو فرعی پذیرفته شده اند.

۳- شرکت کنندگان: اعضای غیربانکی که در یکی از رشته های عملیات بانکی فعال هستند، مثل دلال های بورس که در رشته های مختلف از قبیل خرید و فروش ارز، سهام و امثالهم فعالیت دارند. اعضا و اعضای فرعی می توانند از کلیه امکانات سوئیفت بهره مند شوند، ولی شرکت کنندگان از امکانات محدود با توجه به رشته تخصصی خود می توانند استفاده کنند.

شرایط پذیرش عضویت یک کشور در سوئیفت:

قبل از این که پذیرش یک کشور در سوئیفت از سوی هیئت مدیره مورد بررسی قرار گیرد، می باید پذیرش سه شرط زیر توسط کشور متقاضی به سوئیفت اعلام شود:

۱- تأسیس سایت سوئیفت: می باید در صورت نیاز به راه اندازی سایت در کشور متقاضی، محلی به سوئیفت اجاره داده شود تا با هزینه خود یک سایت سوئیفت در آنجا راه اندازی کند.

۲- معافیت مالیاتی: ارایه گواهی مبنی بر معافیت از پرداخت مالیات، چون نرخ مالیاتی در کشورهای مختلف متفاوت است؛ در صورت رعایت آن، با همه اعضا رفتار یکسان می شود.

۳- خط انتقال دیتا: یک خط انتقال دیتای بین المللی به منظور انتقال پیامها از سایت سوئیفت به خارج از کشور حداقل برای اجاره پنج ساله به هزینه سوئیفت می باید در اختیارش قرار داد.

شبکه سوئیفت:

اگر تعداد پیامهای ارسالی یک کشور به حدی باشد که نیاز به راه اندازی سایت سوئیفت در کشور متقاضی عضویت باشد، سوئیفت یک سایت در آن کشور تأسیس می کند. در غیر این صورت پیامهای کشورهای متقاضی را به سایت سوئیفت کشور همسایه منتقل می کند. هر سایت سوئیفت زیر چتر یکی از دو مرکزی عملیاتی سوئیفت که در هلند و آمریکا مستقر هستند، قرار دارد. کشورها با توجه به وضعیت جغرافیایی خود زیر چتر حمایتی یکی از دو سایت آمریکا یا هلند قرار دارند. مراکز عملیاتی هلند و آمریکا پشتیبان هم نیز هستند. بعبارتی، اگر یکی از آنها از مدار به علت نقص فنی خارج شود، بلافاصله دیگری جایگزین می شود. استفاده کنندگان از سوئیفت مسئولیت دارند که پیامهای خود را به سایت سوئیفت رسانیده و تحویل دهند. از آنجا به بعد تا سایت سوئیفت کشور مقصد پیام، مسئولیت تحویل پیام به عهده سوئیفت است. انتقال پیام از سایت سوئیفت در کشور مبدأ از طریق خطوط انتقال دیتا و یا خطوط تلفن معمولی با نصب مودم (Modem) امکان پذیر است و اعضا موظفند یک خط پشتیبانی نیز به سوئیفت معرفی کنند که در مواقع اضطراری که خط اصلی از مدار خارج است، سوئیفت بتواند پیامها را تحویل دهد.

عضویت بانکهای ایرانی در سوئیفت:

سال ۱۳۶۴: کارشناسان بانک مرکزی بررسیهای اولیه را برای عضویت بانکهای ایرانی در سوئیفت انجام دادند. ارزیابی مطلوب و پیشنهاد عضویت بانکهای ایرانی داده شده، ولی با توجه به وقوع جنگ تحمیلی و اولویتهای اساسی تر به تعویق افتاد.

سال ۱۳۶۹: بانک مرکزی هیئتی را مأمور هماهنگی با بانکهای تجاری به منظور عضویت در سوئیفت کرد.

سال ۱۳۷۰: پس از هماهنگیهای لازم با بانکهای تجاری تقاضای عضویت سیستم بانکی ایران توسط بانک مرکزی به سوئیفت ارایه شد.

سال ۱۳۷۱: پس از ارایه سه پیش شرط عضویت به سوئیفت، بانک مرکزی به همراه پنج بانک تجاری صادرات، ملی، تجارت، ملت و سپه در آذرماه پذیرفته شد.

سال ۱۳۷۲: پس از راه اندازی سایت، خرید تجهیزات نرم افزاری و سخت افزاری و نصب آنها در چهاردهم آذرماه به شبکه سوئیفت ملحق شدیم.

سال ۱۳۶۷: قبول عضویت و الحاق بانک توسعه صادرات.

سال ۱۳۷۷: قبول عضویت بانک صنعت و معدن و تقاضای عضویت بانک رفاه کارگران.

سال ۱۳۷۸: الحاق بانک صنعت و معدن و رفاه کارگران.

در حال حاضر متأسفانه سیستم بانکی کشور به رغم رشدی که در استفاده از سیستم پیام‌رسانی سوئیفت در سال‌های اخیر داشته است، استفاده بهینه از سوئیفت به عمل نمی‌آورد و تعداد پیام‌های ارسالی ایران از طریق این شبکه و بهره‌وری از مزایای جانبی آن در حد مطلوب نیست. مسلماً ایران می‌تواند با استفاده بهینه از سوئیفت، پیام‌های بیشتری از طریق سوئیفت ارسال کند و سهام بیشتری به خود اختصاص دهد، ضمن این‌که ریسک، هزینه ارسال پیام و کارمزد کارگزاران در زمان استفاده از سوئیفت به مراتب از تلکس کمتر است و یکی از راه‌های استفاده بهینه از سوئیفت، اتصال هر چه زودتر شعب ارزی بانک‌ها در تهران و شهرستان‌ها به سوئیفت و برنامه‌ریزی به سمت اتوماسیون شبکه عملیاتی بین‌المللی بانک‌ها با استفاده از سوئیفت است.

حق برداشت مخصوص:

کمبود نقدینگی بین‌المللی بویژه بعد جنگ جهانی دوم یکی از معضلات تجارت بین‌المللی شده بود. بنابراین حق برداشت مخصوص در واقع یک نوع دارایی یا ذخیره پولی بین‌المللی است که توسط صندوق ایجاد شده و پشتوانه آن موافقت کشورهای شرکت‌کننده در طرح مذکور است. همچنین حق برداشت مخصوص به عنوان واحد محاسبه در صندوق به کار برده می‌شود و کلیه معاملات و دفاتر صندوق بر اساس آن محاسبه و نگهداری می‌گردد.

در سال ۱۹۷۴ تصمیم گرفته شد که ارزش حق برداشت مخصوص در رابطه با ارزهای ۱۶ کشور (روش سبد ارزی) محاسبه شود و در این حالت ارزش هر واحد حق برداشت مخصوص معادل ۱۲۰۶۳۵ دلار آمریکا منظور گردید که در حقیقت همان ارزش دلار طلای ۱۹۴۴ در سال ۱۹۷۴ بوده است. ۱۶ کشوری که ارزهای آنها در سبد ارزی مزبور منظور گردیده بود عبارت از کشورهای بود که صادرات آنها سال‌های ۱۹۷۲-۱۹۶۸ بیش از یک درصد از تجارت جهانی کالا و خدمات را تشکیل می‌داد و ضرایب داده شده به سهم هر ارز در حق برداشت مخصوص نیز بر اساس حجم تجارت طی ۵ سال و موجودی پول هر کشور در سایر کشورهای عضو انتخاب گردید.

کاربرد حق برداشت مخصوص:

کمبود ذخایر مالی تعداد زیادی از کشورهای در حال توسعه بویژه در سال‌های اخیر باعث محدودیت شدید در ظرفیت واردات و تقلیل در افزایش روند تجارت و پرداخت‌های آنان گردیده و اثرات منفی بر روی سطح سرمایه‌گذاری‌ها و تولید آنها گذارده است. آنچه که کشورهای در حال توسعه جهان از طریق صادرات بدست می‌آورند صرف باز پرداخت اصل و فرع وام‌های آنان می‌گردد.

حق برداشت مخصوص می‌تواند سهم زیادی در تسریع بهبود اقتصادی و موفقیت سیاست‌های تعدیل و تسهیل موانع موجود در پرداخت‌های کشورهای در حال توسعه و ارتقای تجارت بین‌المللی و تنوع در بافت ذخایر و بهبود موازنه بین نقدینگی مشروط و غیرمشروط داشته باشد.

یکی از خصوصیات حق برداشت مخصوص این خواهد بود که از اهمیت استقراض از منابع دیگر در نظام مالی بین‌المللی کاسته و بنابراین آسیب‌پذیری این نظام را کاهش می‌دهد.

یورو:

میلتون فریدمن، اقتصاددان آمریکایی و بنیانگذار مکتب پولی شیکاگو معتقد است، یورو دوام چندانی نخواهد داشت و پیش بینی می‌کند عمر یورو کوتاه باشد وی دلیل اصلی این امر را ملی‌گرایی دانسته و می‌گوید برای مثال پاریس یا برلین یا وین دوست ندارند توسط بروکسل (مرکز اتحادیه اروپا)، اداره شوند. در مقابل فرد برجستون، رئیس مؤسسه اقتصاد بین‌المللی واشنگتن معتقد است ظرف مدت کوتاهی یورو به دومین پول قدرتمند جهان تبدیل خواهد شد. وی دلیل اصلی آن را وسعت اقتصادی اروپا در مقایسه با اقتصاد آمریکا و ژاپن دانسته است.

یورو (EURO) با علامت اختصاری € برابر با یکصد سنت است. یورو واحد پول اتحادیه اروپا است که از اول ژانویه ۱۹۹۹ میلادی به جریان افتاد، بدون این که اسکناس یا سکه ای با نام یورو چاپ یا ضرب شده باشد. در حال حاضر ۱۲ کشور عضو اتحادیه اروپا یعنی کشورهای آلمان، فرانسه، هلند، بلژیک، لوکزامبورگ، ایتالیا، اتریش، ایرلند، فنلاند و یونان قیمت کالاها و خدمات خود را بر واحد پولی کشورشان بر حسب واحد پولی اروپا، یعنی یورو نیز اعلام می‌شود و بدون نیاز به بکارگیری نرخ ارز، با بقیه نقاط کشورهای مذکور قابل مقایسه است.

طبق موافقت ماستریخت از تاریخ ۲۰۰۲/۱/۱ میلادی اسکناس و سکه یورو چاپ و به صورت فیزیکی به جریان گذاشته شد و اسکناس و سکه های موجود در این ۱۲ کشور از جریان خارج و به یورو تبدیل شد و در ۱۲ کشور مذکور یورو جریان قانونی دارد. اسکناس یورو به صورت ۵، ۱۰، ۲۰، ۵۰، ۱۰۰، ۲۰۰، ۵۰۰ یورو چاپ و ۸ نوع سکه مختلف از دو یورو تا یکصد یورو ضرب شدند.

اتحادیه اقتصادی و پولی (EMU) به مفهوم سیاست پولی واحد در این بازار واحد می‌باشد و بنابراین مکمل بازار واحد به شمار می‌آید. اتحادیه پولی توسط بانک مرکزی اروپا^{۳۰} مدیریت خواهد شد. بانک مرکزی اروپا که در سال ۱۹۹۹ آغاز به کار کرد مهمترین هدفش حفظ ثبات قیمت در کشورهای عضو است. دول اتحادیه اروپا برخی کنترل‌ها بر روی اقتصاد خود را به اتحادیه اقتصادی و پولی اروپا تفویض می‌نمایند و بانک مرکزی اروپا مسئول کل سیاست‌های پولی منطقه یورو خواهد بود.

30(ECB)

مزایای یورو:

حذف کارمزد بانکی در تبدیل ارزهای سرزمین یورو (EUROLAND) خواهد بود که در آن صورت خدمات بانکی ارزان تر تمام خواهد شد، مسافران با یورو بدون پرداخت کارمزد تبدیل ارز می توانند خرید کنند، یورو توانایی بیشتری در مقابل سفته بازی دارد و اینکه به رشد و اشتغال بیشتر در سرزمین یورو کمک خواهد کرد.

بخش سوم: مباحث مربوط به بانکداری

بانک:

بانک واسطه مالی است که وجوه مشتریان را جمع آوری و آن ها را جهت اعطای وام و اعتبار به کار می گیرد.

بانک تجاری:

واسطه مالی است که هدف آن تحصیل سود و منفعت برای سهامداران است و بیشترین حوزه فعالیت آن جمع آوری سپرده‌های مشتریان تجاری و سایر افراد این سپرده‌ها به تجار و سایر صاحبان صنایع به صورت وام و اعتبار می‌باشد. علت نامیده شدن به نام تجاری:

الف) برای تجار وام و اعتبار اعطا می‌کند. ب) همانند تجار جهت سهامداران دنبال کسب منفعت است.

وظیفه کلی بانک‌های تجاری:

۱. جمع‌آوری وجوه و سپرده‌های مشتریان و پرداخت مبالغ مربوط بصورت عندالمطالبه یا در سررسید معین (در حوزه سپرده‌ها)
۲. اعطای اعتبار و وام به تجار و صاحبان صنایع و مشتریان
۳. انجام معاملات مربوط به ارز، اوراق بهادار و سایر اسناد تجاری مانند سفته و برات
۴. نمایندگی مالی دولت و شهرداری‌ها
۵. تنزیل بروات تجاری
۶. تضمین و ارائه ضمانت‌نامه‌ها
۷. صدور چک‌های مسافرتی و کارت‌های اعتباری
۸. تأمین منابع مالی تجارت خارجی
۹. حراست وجوه و سایر اشیاء مشتریان
۱۰. وصول مطالبات مشتریان و پرداخت چک‌های آنها

وظایف عملیات بانک‌های تجاری:

۱. وظایف اصلی:
۱-۱) تجهیز منابع:

- ۱-۱-۱) سپرده‌های دیداری
- ۱-۱-۲) سپرده‌های پس‌انداز (قرض‌الحسنه)
- ۱-۱-۳) سپرده‌های پس‌انداز مدت‌دار (سرمایه‌گذاری)

۱-۲) مصارف:

- ۱-۲-۱) اعطای اعتبار اضافه برداشت
- ۱-۲-۲) اعطای اعتبار با تضمین
- ۱-۲-۳) تنزیل بروات تجاری
- ۱-۲-۴) اعطای وام

۲. وظایف فرعی:

۲-۱) خدمات نمایندگی:

- ۲-۱-۱) جمع‌آوری درآمد مشتریان (سود سهام بازنشستگان)
- ۲-۱-۲) پرداخت بدهی‌های مشتریان
- ۲-۱-۳) خرید و فروش اوراق بهادار برای مشتریان

۲-۲) خدمات عام‌المنفعه

- ۲-۲-۱) حفظ و حراست از وجوه مشتریان (ارائه صندوق مهر، مهر و موم کردن اموال در پاکت سربسته)
- ۲-۲-۲) انتشار چک‌های مسافرتی و کارت‌های اعتباری
- ۲-۲-۳) نقل و انتقال وجوه مشتریان به صورت تلگراف، کتبی، سوئیفت، فاکس

۱-۱-۱) سپرده‌های دیداری: به وجوهی اطلاق می‌شود که مشتریان در اختیار بانک‌های تجاری به صورت امانت می‌سپارند و بانک موظف است به صورت عندالمطالبه نسبت به پرداخت آنها اقدام کند و معمولاً از طریق دسته چک قابل نقل و انتقال می‌باشد. بخش قابل توجهی از سپرده‌های موجود در بانک‌ها به صورت سپرده‌های دیداری است و در عین حال جزء ارزان‌ترین نوع سپرده‌ها برای بانک محسوب می‌شود. برای این نوع سپرده‌ها بهره‌ای تعلق نمی‌گیرد.

۱-۱-۲) سپرده‌های قرض‌الحسنه: این نوع سپرده‌ها بیشتر با نیت خیرخواهانه توسط مشتریان و یا به قصد بهره‌مندی از جوایز متعلقه بانک‌ها صورت می‌گیرد. به این نوع سپرده‌ها نیز بهره‌ای تعلق نمی‌گیرد. البته گردش سپرده‌های پس‌انداز قرض‌الحسنه نسبت به سپرده‌های دیداری از چرخش پایین‌تری برخوردار است.

۳-۱-۱) سپرده‌های سرمایه‌داری: این نوع سپرده‌ها در حقیقت براساس قرارداد کتبی است که بین بانک و مشتری منعقد می‌شود و بانک‌ها موظف هستند بر طبق سررسید سپرده‌های موردنظر، مبالغ موردنظر را همراه با بهره متعلقه به مشتری پرداخت نمایند. به این نوع سپرده‌ها بهره براساس تاریخ سررسید پرداخت می‌شود.

۱-۲-۱) اعطای اعتبار اضافه برداشت: بانک به مشتریان اجازه می‌دهد تا حساب جاری خویش را تا سقف معین بدهکار نماید؛ البته بانک از مانده بدهکار حساب مشتری بهره دریافت می‌کند؛ در واقع در یک نوع اعتبار کوتاه مدت و موقتی است که بانک برای جلب مشتری و تجار اقدام به ارائه آن می‌نماید.

۱-۲-۲) اعطای اعتبار با تضمین: بانک با اخذ تضمین مادی به صورت اوراق بهادار یا سایر اسناد با سررسید معین به صاحبان صنایع و تجار وام اعطا می‌کند؛ به این نوع اعتبار بهره تعلق می‌گیرد.

۱-۲-۳) تنزیل بروات تجاری: یعنی خرید نقدی طلب مدت‌دار به مبلغی کمتر؛ به عبارتی دیگر در تنزیل بروات تجاری، بانک سند طلب مدت‌دار تجار را به مبلغ کمتر از مبلغ مندرج در سند خریداری و وجه نقدی به مشتری پرداخت می‌کند.

۱-۲-۴) اعطای وام: یعنی در این حالت مشتری برای اخذ وام از طریق ارتباط با بانک موردنظر و دریافت شرایط اخذ وام و تسهیلات مانند مبلغ وام دوره پرداخت محل مصرف وام، وثیقه و... و قبول این شرایط توسط بانک و مشتری، مراحل اعطای وام عملی می‌شود.

مدیریت منابع و مصارف بانک‌های تجاری

۱. بدهی‌ها ۲. دارایی‌ها

۱. بدهی‌ها: الف) سپرده‌های مشتریان ب) استقراض از بانک‌های دیگر ج) استقراض از بانک مرکزی د) سرمایه ه) سود توزیع نشده و) بروات پذیرهنویسی شده ز) پرداخت وصولی ح) بروات پرداختی ط) سود و زیان ی) وجوه اداره شده

۲. دارایی‌ها: الف) وام‌های اعطایی به مشتریان ب) بروات ج) تنزیل د) سرمایه‌گذاری‌ها ح) ساختمان، اثاثیه و لوازم و) سایر دارایی‌ها (پرداخت حق بیمه، مطالبات مشکوک‌الوصول)

اصول و خط‌مشی بانک‌های تجاری:

۱. اصل نقدینگی: طبق این اصل بانکدار باید توجه خاصی به توزیع منابع مالی بین اشکال مختلف مصارف آن منابع مبذول دارد تا هر لحظه که خواست بتواند به سرعت ارقام مختلف دارایی‌ها را به وجه نقد تبدیل نماید تا پاسخگوی سپرده‌گذاران و سایر طلبکاران بانک باشد. رعایت این اصل قابلیت مدیران بانک در ارضای تقاضای سپرده‌گذاران و سایر طلبکاران به وجه نقد است.

۲. اصل منفعت: با توجه به این که هدف بانک تجاری تحصیل حداکثر منفعت است، لذا بانکدار باید به نحوی پرتفوی بانک را نگه‌دارد که درآمد حاصل از ارقام مختلف وام و سرمایه‌گذاری که قسمت اعظم دارایی بانک را تشکیل می‌دهند بتواند ضمن پوشش هزینه‌های بانک منفعتی نیز نصیب سهامداران نماید. البته بانکدار بایستی تعادل لازم بین این دو اصل را فراهم نماید یعنی در عین حالی که بانکدار بتواند نیاز سپرده‌گذاران و سایر طلبکاران به وجه نقد را تأمین نماید برای صاحبان سهام نیز منفعت خوبی تحصیل نماید.

۳. اصل امنیت: اصل سومی که بایستی هم زمان و همراه با دو اصل قبلی بدان توجه اساسی نمود اصل امنیت است. این اصل به بانکدار در خصوص اتخاذ تصمیم برای اعطای وام و اعتبار همیشه این هشدار را می‌دهد که نباید فقط به فکر تحصیل حداکثر منفعت باشد بلکه در خصوص اعطاء وام و سرمایه‌گذاری اصل امنیت را باید رعایت نماید. در واقع اصل امنیت موضوع برگشت اصل و بهره وام است.

بنابراین در مجموع بانکدار بایستی به هنگام تصمیم‌گیری جهت سرمایه‌گذاری و مصرف منابع مالی بانک بطور هم زمان سه اصل فوق را رعایت نماید.

بانکداری اسلامی:

بانکداری اسلامی نخستین هدف نظام اقتصادی اسلامی را که عدالت اجتماعی است، تأمین می‌کند. چرا که لزوم استقرار نظام اقتصاد اسلامی به عنوان یکی از ضرورت‌های اساسی کشورهای اسلامی به شمار می‌رود تا بتوان در این راستا ضمن ریشه‌کن کردن مسأله ربا از سیستم بانکی، به مسأله قسط و عدل نیز توجه کرد.

هدف از تأسیس بانکداری اسلامی:

هدف از تأسیس این بانک‌ها، تسریع توسعه اقتصادی و پیشرفت اجتماعی کشورهای اسلامی بر پایه شرع مقدس بود. بر اساس آخرین آمار در سال ۲۰۰۴، دارایی بانک‌های اسلامی با نرخ رشد سالانه ۲۳/۵ درصد، از مرز ۲۶۰ میلیارد دلار گذشت؛ این امر

حاکمی از این مطلب است که قوانین اسلامی مانعی در راه توسعه بانک‌های اسلامی نیست و هدف از اجرای این قوانین اجرای معاملات به صورت مشروع و سالم است.

فلسفه بانکداری اسلامی:

شریعت اسلامی تنها ربا (بهره) را حرام اعلام کرده، اما سایر درآمدهای سرمایه را ممنوع نکرده است. بعبارت دیگر هرگونه پیش‌شرط، برای انتفاع از اصل سرمایه و بدهی ممنوع اعلام شده است. بر اساس اصول اسلامی شیوه اجرایی و بکارگیری سرمایه در یک پروژه و موارد ایجاد شغل از اهمیت ویژه برخوردار است.

با الهام از آیه ۲۵۷ سوره بقره، ممنوعیت کار و درآمد بدون ریسک موجب می‌شود که دارایی‌های واقعی در فعالیت‌های مالی با ارزش افزوده همراه باشد. بانکداری اسلامی بر تقسیم ریسک داد و ستد فیزیکی کالا، درگیری مستقیم با تجارت و کار، اجاره و قراردادهای ساختمانی با استفاده از عقود مختلف شرعی استوار است؛ همچنین بانکداری اسلامی با مدیریت دارایی به منظور افزایش درآمد عمومی همراه است. تقسیم ریسک و مدیریت آن برای دستیابی به حاکمیت مشارکت و همکاری در انجام پروژه‌ها یکی از اهداف بانکداری اسلامی است.

اصول بانکداری اسلامی:

بانکداری اسلامی همان اهداف بانکداری متداول دنیا را دنبال می‌کند با این تفاوت که ادعا می‌شود عملیات بانکداری در این بانک‌ها بر اساس فقه معاملات اسلامی صورت می‌گیرد. مهمترین اصل در بانکداری اسلامی تقسیم سود و زیان حاصل از معامله و پرهیز از پرداخت ربا یا همان بهره پول است. طبق شریعت (قوانین اسلامی) هر سودی در معاملات خرید و فروش پول با پول نوعی ربا محسوب شده و این نوع بهره در شریعت مجاز نمی‌باشد. بهره می‌بایست تنها از طریق بازرگانی مشروع و گردش پول در سرمایه‌گذاری و معاملات کسب گردد.

سرمایه‌گذاری در شرکت‌های مربوط به مشروبات الکلی و قمارخانه و دخانیات و فحشا اکیداً مجاز نمی‌باشد. مدل تأمین مالی اسلامی بر اساس تقسیم ریسک انجام می‌پذیرد. مشتری و بانک در ریسک هر گونه سرمایه‌گذاری بر اساس شرایط فوق مورد موافقت شریک شرکت و یا بانک سرمایه‌گذار بوده و در واقع سرمایه‌گذار در سود و زیان سرمایه و مشارکت سهام بوده و هرگونه سودی می‌بایست بین مشتری و بانک تقسیم گردد.

آمار تعداد بانک‌های اسلامی:

تعداد بانک‌های اسلامی دنیا که طی سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۴ از ۱۷۶ به ۲۶۷ بانک رسیده است. هم‌اکنون گفته می‌شود ۳۰۰ بانک و مؤسسه اقتصادی اسلامی در سراسر جهان وجود دارد که دارایی آنها به ۳۰۰ میلیارد دلار می‌رسد و پیش‌بینی شده این مقدار تا سال ۲۰۱۳ به یک تریلیون خواهد رسید.

بانک توسعه اسلامی از اولین بانک‌های اسلامی است که در دسامبر ۱۹۷۳ به عنوان یک مؤسسه مالی بین‌المللی تأسیس شد و کار خود را از ۲۰ اکتبر سال ۱۹۷۵ میلادی به طور رسمی آغاز کرد. این در حالی است که نرخ رشد بانک‌های اسلامی پس از حمایت یازدهم سپتامبر ایالات متحده افزایش چشمگیری داشته است؛ چرا که پیش از آن بانک‌ها دارای ۴۰ تا ۷۰ میلیون دلار سرمایه بودند که اکنون این مقدار به ۱ میلیارد دلار و حتی بیشتر افزایش یافته است. سود در نظام بانکداری اسلامی ۵۰ درصد در سال ۲۰۰۳ افزایش یافته و بازگشت ارزش خالص آن نیز بیش از ۱۵ درصد افزایش داشته است.

صندوق سرمایه‌گذاری اسلامی:

صندوق سرمایه‌گذاری اسلامی یکی از بخش‌هایی است که در نظام مالی اسلامی به سرعت رشد کرده است. در سراسر دنیا تقریباً ۱۰۰ صندوق سرمایه‌گذاری اسلامی وجود دارد. جمع کل دارایی‌های مدیریت شده در این صندوق‌ها نزدیک به ۵ میلیارد دلار است که سالانه ۱۲ تا ۱۵ درصد نیز رشد می‌کند. نظر به علاقه روز افزون به بانکداری اسلامی تعداد صندوق‌های سرمایه‌گذاری روز به روز بیشتر می‌شود. در کشورهای غربی نیز بانکداری اسلامی علاقه‌مندان زیادی پیدا کرده است با وجود این موفقیت‌ها، برخی از نیازهای سرمایه‌گذاران در این بازارها برآورده نشده و تعدادی از این صندوق‌ها بسته شده است. اغلب این صندوق‌ها دارایی‌های شخصی، دارایی مؤسسات تعاونی و سرمایه‌گذاری‌های کوچک را مورد هدف قرار داده‌اند که بین ۵۰ هزار دلار تا ۱ میلیون دلار را شامل می‌شود.

بازارهای هدف برای صندوق‌های سرمایه‌گذاری اسلامی متفاوت هستند. برخی از آنها سرمایه‌های بازارهای محلی کشور مالزی و برخی دیگر سرمایه‌های کشورهای حاشیه خلیج فارس را هدف قرار داده‌اند. برخی دیگر به سرمایه‌های خاورمیانه چشم دوخته‌اند. در عین حال برخی از آنها برای عدم توفیق در دستیابی به بازارهای محلی و موفق نشدن در جذب سرمایه‌های جوامع اسلامی مورد شماتت قرار گرفته‌اند.

بانکداری اسلامی و ملاک‌های آن:

تجارت در شریعت (خرید و فروش در اسلام) می‌بایست از سه ملاک برخوردار باشد:

الف) هیچ گونه بهره (نزول) به آن تعلق نمی‌گیرد.

ب) معادلات نمی‌توانند در زمینه‌هایی مانند قماربازی و مشروب‌خواری و خوک و یا فحشا انجام شود.

ج) معاملات نمی‌تواند به عنوان یک قرارداد قماری قلمداد گردد و یا قراردادی که سطح ریسک آن بالا باشد و این معاملات و خرید و فروش می‌توانند در مورد مسلمان و یا غیرمسلمان بکار گرفته شود.

عقود مختلف در بانکداری اسلامی:

عمومی‌ترین موارد مورد استفاده بانکداری اسلامی شامل مضاربه (تقسیم سود)، ودیعه (به امانت‌گذاران)، مشارکت (سرمایه‌گذاری مشترک)، مباحه (قرارداد مبتنی بر قیمت تمام شده) و اجاره به شرط تملیک و لیزینگ است.

۱- **ودیعه:** در عقد ودیعه، بانک به عنوان یک محافظ و معتمد برای سپرده‌گذاری در نظر گرفته می‌شود. در بانکداری اسلامی هر شخص می‌تواند پول خود را به صورت ودیعه به امانت نزد بانک بسپارد و هرگاه که خواست می‌تواند آن را بدون کم و کاست دریافت کند. به این سپرده، سودی تعلق نمی‌گیرد و در مقابل بانک با صلاحدید خود صاحب سپرده بر اساس میزان استفاده از سپرده هدیه‌ای تقدیم می‌کند؛ البته پرداخت این هدیه از سوی بانک نیز هیچگاه تضمین نمی‌شود اما بانک تلاش می‌کند برای پاداش دادن به سپرده‌گذار بر اساس طول یک دوره سپرده‌گذاری، هدیه‌ای به وی بدهد.

۲- **مباحه:** مباحه از نظر لغوی به معنی توافق دوطرفه برای سود یک معامله است. مباحه قراردادی است که بر اساس آن فروشنده هزینه و سود مورد انتظار خود را بیان می‌کند. بانکداری اسلامی این نوع قرارداد را به عنوان یکی از تکنیک‌های کاری خود پذیرفته است و به عنوان یک تکنیک مالی مشتری از بانک درخواست می‌کند که یک کالای مشخص را برای وی خریداری کند و بانک با اعلام میزان سود علاوه بر هزینه خرید به مشتری این کار را انجام می‌دهد.

۳- **مضاربه:** نمونه‌ای از شراکت در استفاده از منابع مالی است که یک طرف مسئول تأمین سرمایه و یک طرف وظیفه انجام کار، تخصص و مدیریت را بر عهده می‌گیرد. هرگونه منفعت بدست آمده، بر اساس یک توافق قبلی بین طرفین تقسیم می‌شود. در صورتی که هرگونه زیان تنها متوجه تأمین‌کننده سرمایه است. در این حالت بابت زیان شرکت و عامل اجرای پروژه خسارتی پرداخت نمی‌شود. در این عقد به وام‌دهنده رب‌المال و به وام‌گیرنده مضاربه می‌گویند. در بانکداری اسلامی تمامی سرمایه توسط بانک پرداخت می‌شود و اجرای تجارت و مدیریت آن بر عهده طرف مقابل است. در مضاربه هیچگونه زبانی تقسیم نمی‌شود. بانک در واقع صاحب دارایی است و عامل اجرایی به عنوان کارگر یا کارگزار وی محسوب می‌شود. تقسیم سود بیشتر همانند عقد مشارکت تقسیم می‌شود. در مضاربه صاحب سرمایه حق مداخله در مدیریت و تجارت را ندارد. این مسئولیت مهم بر عهده عامل این پروژه است. مهمترین ویژگی مضاربه امکان توافق بر سر تقسیم سود به هر نسبت بین طرفین است. مضاربه می‌تواند به صورت انفرادی یا گروهی انجام شود.

۴- اجاره: معنی تکنیکی اجاره فروش یک حق عمری و رقبی معین در مقابل دریافت پاداشی معین است. عموماً برای اجیرکردن و به خدمت گرفتن مورد استفاده قرار می‌گیرد. اجاره همچنین برای در اختیار قرار گرفتن یک زمین در مقابل پرداخت اجاره بهای ثابت به صورت نقدی به کار گرفته می‌شود. بانک بر اساس قراردادی ساختمان و لوازم و امکاناتی مشابه را در ازای یک اجاره بهای توافقی به مشتری اجاره می‌دهد. اجاره‌بها ثابت بوده آنچنان که بانک مبلغ سرمایه‌گذاری اصلی به علاوه سود آن را کسب خواهد کرد.

۵- لیزینگ: لیزینگ یکی از شیوه‌های قانونمند کسب درآمد بر اساس قوانین اسلامی است. در این شیوه یک دارایی واقعی مانند دستگاه، اتومبیل، کشتی و یا یک خانه می‌تواند از سوی موجر به مستأجر برای دوره معین در قبال مبلغ معین اجاره داده شود. هزینه و منفعت در این معامله به صور روشن و آشکار در قالب قرارداد اجاره قید می‌شود.

بر اساس قرار داد اجاره یا لیزینگ یک بانک اسلامی یک دارایی را بر اساس مشخصات و خواسته های مشتری خریداری میکند و آن را با توافق طرفین ضمن تعیین مدت اجاره و میزان اجاره به مشتری اجاره می‌دهد. مشخصات و طبیعت دارایی مورد اجاره نیز به هنگام تعیین اجاره و زمان اجاره مورد نظر قرار می‌گیرد. در طول مدت لیزینگ مالکیت دارایی در اختیار اجاره‌دهنده (بانک) است. بانک این حق را دارد که این مالکیت را به اجاره کننده (مستأجر) انتقال دهد. در پایان مدت اجاره دارایی مجدداً به بانک تحویل داده می‌شود.

۶- اجاره به شرط تملیک: توافق خرید اجاره یکی از این نمونه‌هاست. بر اساس این توافق که به اجاره به شرط تملیک یا فروش اقساطی و یا «اجاره والاقتناء» نیز معروف است، مورد اجاره در پایان دوره لیزینگ به تملک مستأجر در می‌آید و مبالغ پرداختی اقساط به جای اجاره (سود سرمایه) و همچنین اصل سرمایه محسوب شده و در پایان مالکیت اجاره‌دهنده (بانک) سلب می‌شود. از این روش عمدتاً برای خرید منزل و اتومبیل استفاده می‌شود.

۷- قرض الحسنه: یک وام بافضلیت است. وام قرض الحسنه با شرط اینکه در پایان دوره به هیچ عنوان مبلغی به آن اضافه نشود پرداخت می‌شود. این وام بدون بهره برای اهداف خیریه یا برطرف کردن نیازهای سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت اعطا می‌شود. قرض‌گیرنده موظف است که تنها اصل مبلغ وام را بازگرداند. این وام فقط مخصوص افراد نیازمند است و پاداش پرداخت این وام، نزد خداوند است. بانک‌های اسلامی در ارائه این وام به روش‌های مختلفی عمل می‌کنند. برخی از این بانک‌ها وام قرض الحسنه را صرفاً برای سرمایه‌گذاری در خود بانک به متقاضیان ارائه می‌دهد. برخی دیگر به همه مشتریان این وام را پرداخت می‌کنند.

تعریف بانکداری الکترونیک:

بانکداری الکترونیک را می‌توان استفاده از تکنولوژی پیشرفته شبکه‌ها و مخابرات جهت انتقال منبع (پول) در سیستم بانکداری معرفی کرد.

ویژگی‌های بانکداری الکترونیک:

از ویژگی‌های بانکداری الکترونیک آن است که لازم نیست تا مشتریان برای دریافت و پرداخت وجه خود صف طویلی در شعبه تشکیل دهند (کاهش بوروکراسی بانکی). هدف بانکداری الکترونیک به حداقل رساندن حضور مردم در بانک است.

مزایای بانکداری الکترونیک:

مزایای بانکداری الکترونیک را می‌توان از دو جنبه مشتریان و مؤسسات مالی مورد توجه قرار داد. از دید مشتریان می‌توان به صرفه‌جویی در هزینه‌ها، صرفه‌جویی در زمان و دسترسی به کانال‌های متعدد برای انجام عملیات بانکی نام برد. از دید مؤسسات می‌توان به ویژگی‌هایی چون ایجاد و افزایش شهرت بانک‌ها در ارائه نوآوری، حفظ مشتریان علی‌رغم تغییرات مکانی بانک‌ها، ایجاد فرصت برای جستجوی مشتریان جدید در بازارهای هدف، گسترش محدوده جغرافیایی فعالیت و برقراری شرایط رقابت کامل را نام برد.

براساس تحقیقات مؤسسه Data Monitor مهمترین مزایای بانکداری الکترونیک عبارتند از: تمرکز بر کانال‌های توزیع جدید، ارائه خدمات اصلاح شده به مشتریان و استفاده از راهبردهای تجارت الکترونیک. البته مزایای بانکداری الکترونیک از دیدگاه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت نیز قابل بررسی است. رقابت یکسان، نگهداری و جذب مشتری از جمله مزایای بانکداری الکترونیک در کوتاه‌مدت (کمتر از یک سال) هستند. در میان‌مدت (کمتر از ۱۸ ماه) مزایای بانکداری الکترونیک عبارتند از: یکپارچه‌سازی کانال‌های مختلف، مدیریت اطلاعات، گستردگی طیف مشتریان، هدایت مشتریان به سوی کانال‌های مناسب با ویژگی‌های مطلوب و کاهش هزینه‌ها، کاهش هزینه پردازش معاملات ارائه خدمات به مشتریان بازار هدف و ایجاد درآمد نیز از جمله مزایای بلندمدت بانکداری الکترونیک هستند.

سیستم‌های بانکداری الکترونیک:

بانکداری الکترونیک شامل سیستم‌هایی است که مشتریان مؤسسات مالی را قادر می‌سازد تا در سه سطح اطلاع‌رسانی، ارتباط و تراکنش از خدمات و سرویس بانکی استفاده کنند.

الف) اطلاع رسانی: این سطح ابتدایی‌ترین سطح بانکداری اینترنتی است؛ بانک اطلاعات مربوط به خدمات و عملیات بانکی خود را از طریق شبکه عمومی یا خصوصی معرفی می‌کند.

ب) ارتباطات: این سطح از بانکداری اینترنتی امکان انجام مبادلات بین سیستم بانکی و مشتری را فراهم می‌آورد؛ ریسک این سطح در بانکداری الکترونیک بیشتر از شیوه سنتی است و بنابراین برای جلوگیری و آگاه ساختن مدیریت بانک از هرگونه تلاش غیرمجاز برای دسترسی به شبکه اینترنتی بانک و سیستم‌های رایانه‌ای به کنترل مناسبی نیاز است.

ج) تراکنش: این سیستم متناسب با نوع اطلاعات و ارتباطات خود از بالاترین سطح ریسک برخوردار است و باید سیستم امنیتی قوی بر آن حاکم باشد. در سطح مشتری در یک ارتباط متقابل قادر است تا عملیاتی چون پرداخت صورتحساب صدور چک انتقال وجه و افتتاح حساب را انجام دهد.

شاخه‌های بانکداری الکترونیک:

انواع مختلف بانکداری الکترونیک عبارتند از:

بانکداری اینترنتی، بانکداری مبتنی بر تلفن همراه و فناوری‌های مرتبط با آن، بانکداری تلفنی، بانکداری مبتنی بر نمابر، بانکداری مبتنی بر دستگاه‌های خودپرداز، بانکداری مبتنی بر پایانه‌های فروش، بانکداری مبتنی بر شعبه‌های الکترونیکی.

کانال‌های بانکداری الکترونیک:

برای ارائه خدمات بانکداری الکترونیک کانال‌های متعددی وجود دارد که برخی از آنها عبارتند از:

رایانه شخصی، کیوسک، شبکه‌های مدیریت یافته، تلفن ثابت و همراه، دستگاه‌های خود پرداز، پایانه‌های فروش. در روش اینترنت با رایانه‌های شخصی بانک از طریق ایجاد یک پایگاه اینترنتی و معرفی آن به مشتریان با آنها ارتباط متقابل برقرار کرده و ارائه خدمت می‌کند. در روش شبکه‌های مدیریت یافته بانک‌ها برای ارتباط با مشتریان خود از شبکه‌هایی که ایجاد شده استفاده می‌کنند. در روش بانکداری تلفنی، تلفن اعم از تلفن ثابت و همراه وسیله ارتباطی بانک با مشتریان خود بوده و از این طریق خدمات بانکی عرضه می‌شود. با استفاده از ماشین‌های خودپرداز و پایانه‌های فروش نیز بانک‌ها می‌توانند خدمات متنوعی از قبیل انتقال وجه، پرداخت صورتحساب و قبوض و غیره را به مشتریان ارائه دهند.

تاریخچه بانکداری الکترونیک در ایران:

سابقه فعالیت‌های بانکداری الکترونیک در ایران به سال ۱۳۵۰ بر می‌گردد. در آن موقع بانک تهران با در اختیار گرفتن بین ۷ تا ۱۰ دستگاه خودپرداز در شعبه‌های خود نخستین تجربه پرداخت اتوماتیک پول را تنها در همان شعبه نصب شده بر عهده داشتند. اواخر دهه ۱۳۶۰ بانک‌های کشور با توجه به کاربرد کامپیوتر شخصی و احساس نیاز به اتوماسیون عملیات بانکی به رایانه‌ای کردن عملیات بانکی پرداختند. طرح جامع اتوماسیون بانکی پس از مطالعه و بررسی‌های گوناگون در قالب پیشنهادی برای تحولی جامع در برنامه‌ریزی فعالیت‌های انفورماتیکی بانک‌ها به مسئولان شبکه بانکی ارائه شد که با مصوبه مجمع عمومی بانک‌ها در سال ۷۲ طرح جامع اتوماسیون سیستم بانکی شکل رسمی به خود گرفت. طی سال‌های ۷۲ و ۷۳ جرقه‌های ایجاد سویچ ملی جهت بانکداری الکترونیکی زده شد و در همان راستا شبکه ارتباطی بین بانک ملی و فروشگاه‌های شهروند ایجاد شد. در بهار ۱۳۸۱ مجموعه مقررات حاکم بر مرکز شبکه تبادل اطلاعات بین بانکی موسوم به شتاب به تصویب رسید. بدین‌سان اداره شتاب بانک مرکزی در ۱۳۸۱/۴/۱ تأسیس و با هدف فراهم کردن زیرساخت بانکداری الکترونیکی آغاز به کار کرد.

شتاب:

شتاب با ایجاد ارتباط بین دستگاه‌های خودپرداز سه بانک رسماً متولد شد با بانک‌های کشاورزی، توسعه صادرات و صادرات. در حال حاضر بیشتر بانک‌های ایران به طور مستقیم طرح‌های بانکداری الکترونیکی خود را پیش برده و می‌برند. بانک ملی با طرح سیبا، بانک تجارت با طرح سحر، بانک صادرات با طرح سپهر، بانک رفاه با طرح جاری همراه، بانک کشاورزی با طرح مهر، بانک ملت با طرح جام و بانک‌های خصوصی با طرح بانکداری ۲۴ ساعته و به صورت مجزا و منفرد، بانکداری الکترونیکی را در حوزه تحت پوشش خود تجربه کرده و می‌کنند.

عملیات بانکداری الکترونیک در ایران:

روابط عمومی: روابط عمومی کارکنان با مشتریان یکی از ابزارهای مناسب جهت تحقق بانکداری الکترونیکی است تا جایی که اگر کارکنان بتوانند فقط ۲۰ درصد از نیازهای مشتریان خود را برآورده نمایند سرمایه بانک دو برابر خواهد شد. در دین مبین اسلام این مطلب به طور زیبایی بیان شده که بهترین عبادت را خدمت به مردم دانسته و هیچ عبادتی را برتر از خدمت به خلق نمی‌داند وائمه معصومین (ع) می‌فرمایند: مردم همواره ولی نعمت ما هستند به طور قطع این نوع تفکر موجب شکوفایی جامعه خواهد شد.

تغییر نگرش بعضی از مدیران: قبل از اجرای هرگونه عملیاتی در مورد بانکداری الکترونیکی بایستی نوع نگرش مدیران را تغییر داد؛ چرا که موفقیت هر سازمان، مؤسسه، شرکت، وزارتخانه و هر کشور مرهون تلاش‌های مدیران موفق آن می‌باشد. پس قبل از

مهیا نمودن فناوری و ابزارآلات بانکداری الکترونیکی بایستی نوع نگرش مدیران اقتدارگرا را تغییر داد که یکی از عوامل مثبت این امر به حذف انتصابات صنفی، قومی و قبیله ای منجر خواهد شد. اگر تغییر در نگرش و تفکر مدیران حاصل نگردد سیستم بانکی هرگز به اهداف از پیش تعیین شده خود نخواهد رسید.

استفاده از ابزارهای الکترونیکی پیشرفته: برای الکترونیکی شدن بانکداری حرکت های خوبی صورت گرفته که این حرکت ها شامل سیستم هایی مانند: کارت اعتباری، حساب های الکترونیکی، حساب ها و معاملات ارزی بین المللی، معاملات سلف و معاملات سوآپ و انجام عملیات سوئیفت، اعتبارات اسنادی بین المللی به روش پرداخت یوزانس داخلی، عادی، فاینانس، ری فاینانس می باشد.

کارت هوشمند Pos: در این سیستم مشتری می تواند مبالغی در حساب سپرده کوتاه مدت، قرض الحسنه یا هر دو حساب داشته باشد. مشتری با واریز وجه در حساب کوتاه مدت خود سود دریافت می کند و در حساب قرض الحسنه نیز از امتیاز قرعه کشی بانک برخوردار می شود با انتخاب هریک از موارد فوق پس از واریز وجه در یکی از شعبه های بانک ملی، سپه، ملت، تجارت، صادرات حداقل پس از یک هفته کارتی به نام مشتری با رمز محرمانه برای وی ارسال می شود. تفاوت این کارت با عابربانک در این است که در کارت هوشمند فقط می توان طی ساعات کار بانک وجه دریافت و پرداخت کرد ولی با عابربانک مشتری می تواند در هنگام تعطیلی بانک نیز دریافت و پرداخت وجه را انجام دهد.

کارت بانک سپه (عابربانک): در این سیستم مشتری به یکی از شعبه های بانک سپه مراجعه کرده و کارت را دریافت و پس از تکمیل فرم دریافتنی و ارائه آن به شعبه وجهی را برای افتتاح حساب تخصیص می دهد در این حساب فقط حساب سپرده سرمایه گذاری کوتاه مدت افتتاح می شود.

سیستم ATM در بانک ها: این سیستم مورد استفاده در بانک ها کاملاً مانند عملیات عابربانک سپه عمل می کند با این تفاوت که در حال حاضر برخی از بانک ها مثل بانک ملی، کشاورزی و صادرات و ملت برای دارنده حساب، دست چک سیبا، سپهر، جام و چک طلایی صادر می کند.

سیبا، سپهر چک، جام و حساب جاری مهر: هر فرد حقیقی یا حقوقی می تواند با افتتاح حساب از خدمات سیبا، سپهر کارت، سپهر چک، طرح جام و جاری مهر بانک کشاورزی استفاده کند در این حساب ها افراد می توانند حساب مشترک داشته باشند، به شرطی که هر یک حق برداشت داشته باشند و برای هر یک کارت جداگانه ای صادر شود. شایان ذکر است که افتتاح حساب برای اتباع بیگانه با ارائه پروانه اقامت معتبر صورت می گیرد.

تلفن بانک: تمامی بانک ها جهت ارائه خدمات بهتر به مشتریان خود اقدامات مهمی را از طریق تلفن بانک انجام داده اند. مشتری پس از افتتاح حساب می تواند از مسئولان شعبه کد یا رمز ورود به تلفن بانک را تقاضا کنند پس از ارائه رمز از طرف مسئولان

شعبه دارنده حساب می‌تواند در هر زمان از ساعات روز از طریق تلفن گویا آخرین مانده حساب و گردش عملیات بدهکار و بستانکار خود را از طریق نامبر یا تلفن دریافت کند گروهی معتقدند که تلفن بانک موجودی یک روز قبل را به مشتریان خود ارائه نمی‌دهد در صورت صحت موضوع، مسئولان وقت باید تلاش کنند تا معضل عنوان شده را در اسرع وقت رفع نمایند.

یکسان سازی نرخ های بانکی: تعیین نرخ های متفاوت در سیستم بانکی عاملی کاهنده برای اجرای عملیات بانکی مناسب است جهان الکترونیکی همواره در حال تحول سریع کالا، خدمات و تکنولوژی است تا بتواند نیازهای انسان را برآورده نماید. یکی از این نیازها کاهش هزینه است.

بانکداری الکترونیک؛ تیغ دولبه فرصت و تهدید: استقرار بانکداری الکترونیک یکی از مسایل مهمی است که امروز از ضروریات صنعت نوین بانکداری به حساب می‌آید. گسترش این روند برای بانک‌ها هم یک تهدید است و هم یک فرصت. بانک‌هایی که در ارائه همگانی اینگونه خدمات با شکست مواجه شوند در معرض خطر از دست دادن تعداد زیادی از مشتریان خود قرار خواهند گرفت و بانک‌هایی که با سرعت به سوی ارائه و ارتقای خدمات بر خط (ONLINE) می‌روند فرصت آن را خواهند داشت که مشتریان بیشتری جذب کنند، مناطق جغرافیایی وسیع تری را تحت پوشش قرار دهند و ارتباط خود را در رابطه با مشتریان افزایش دهند.

در بانک‌های پیشرو در خدمات بانکداری الکترونیک کانال های مختلف بانکداری با هم تلفیق و سیستم های جزیره ای یکپارچه شوند. پس، مدیریت اطلاعات و مدیریت ارتباط با مشتریان بهبود می‌یابد و رضایت مشتریان، صرفه جویی در هزینه ها و تولید درآمد بیشتر برای بانک‌ها را به همراه خواهد داشت. اما قبل از اینکه اقدام به ایجاد و پیاده سازی سیستم بانکداری الکترونیک شود، باید امکان پذیر بودن استقرار آن در شبکه بانکی مورد ارزیابی قرار گیرد، یعنی اطمینان داشته باشیم که پروژه در محیط‌های فنی، اقتصادی و مالی و نیروی انسانی می‌تواند فعالیت کند. امکان پذیری فنی در رابطه با در دسترس بودن سخت‌افزارها، نرم افزارها و آگاهی از چگونگی توسعه سیستم بانکداری الکترونیک برای جوابگویی نیاز کاربران است. پیاده سازی بانکداری الکترونیک در کشورهایی مانند کشور ما مستلزم وجود زمینه فرهنگی و اقتصادی، سیاسی، تکنولوژی و حتی آموزش بعنوان پیش نیاز می‌باشد. در حالیکه ضرورتاً کلیه خدمات نیز باید متناسب با ساختار سنتی و مدرن جامعه قانونی شود تا سرمایه‌گذاری بر روی ایجاد این امکانات را توجیه نمایند و امکان موفقیت را افزایش دهند. به منظور بررسی این پیش نیازها امکان سنجی این بانکداری الکترونیک از لحاظ فنی، اقتصادی و نیروی انسانی با کمک نیروهای متخصص در حوزه های فناوری اطلاعات در کنار کارشناسان اقتصادی و بانکی اقتصادی ضروری می‌باشد. از سوی دیگر تردیدی نیست که یکی از ضروریات ورود به بازارهای جهانی و عضویت در سازمان هایی نظیر سازمان تجارت جهانی، داشتن نظام بانکی کارآمدی است که بتواند با دقت، سرعت و با تکنولوژی همسطح با بانک‌های پیشرفته دنیا به این بازارها وارد شود و زمینه تجارت کارآمد را برای تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان داخلی فراهم سازد. در کشورهای پیشرفته دنیا مذاکرات بین خریدار و فروشنده، سفارش خرید، تهیه بیمه نامه،

انتقال پول به صورت الکترونیک و حمل و نقل کالا بر اساس درخواست های الکترونیک است. در این راستا تهیه زیرساخت های فنی مورد نیاز بانکداری الکترونیک از ارکان اصلی و لازمه تحقیق این امر می باشد.

در استفاده از خدمات بانکداری الکترونیک به چه مواردی باید توجه کرد:

✓ پیش از انجام هرگونه تراکنش برخط یا ارسال اطلاعات شخصی مطمئن شوید که نقل و انتقال وجوه رمز نگاری شده است. مطمئن شوید که شما در وبسایت معتبری هستید؛ جاعلان الکترونیکی وبسایت هایی با نام هایی مشابه و ظاهری گول زننده برای دریافت اطلاعات شخصی افراد راه اندازی می کنند. در صورت امکان از گذرواژه های هوشمند که ترکیبی از حروف، اعداد و نشانه ها هستند برای بالا بردن امنیت کار استفاده نمائید و در بازه های زمانی مشخص، نسبت به تغییر این گذرواژه ها اقدام نمائید. گذرواژه یا شماره شناسایی خود را در اختیار هیچکس قرار ندهید و از انتخاب گذرواژه هایی هم چون شماره شناسنامه، اسم خود یا نزدیکانتان و غیره که به سادگی قابل حدس زدن می باشند خودداری کنید. اعلامیه ها و هشدارهای مربوط به کارتهای اعتباری و بدهی بانک خود را مرتب بررسی کنید و اطلاعات مربوط به تراکنش های بانکی خود را کنترل کنید. بر این اساس می توانید صورت های مالی خود را با اطلاعات ارائه شده از سوی بانک مقایسه کنید و تفاوت های احتمالی را مشخص سازید.

✓ خطاها و مشکلات احتمالی را گزارش دهید.

✓ از نرم افزارهای ضد ویروس به روز استفاده کنید. از فایل های اصلی اطلاعات رایانه خود نسخه پشتیبان تهیه نمایید پس از اتمام کار بانکی خود در اینترنت رایانه را به حال خود رها نکنید یا فقط به بستن صفحه مرورگر خود اکتفا نکنید حتما با استفاده از دکمه خروج از سیستم از سایت خارج شوید.

✓ هنگام کار در بانک اینترنتی خود از سایر مرورگرها استفاده نکنید هیچگاه اطلاعات شخصی خود را مانند کارت اعتباری یا شماره تأمین اجتماعی خود را بدون آگاهی از اینکه چه کسی آنها را دریافت می دارد، چرا آنها به این اطلاعات نیاز دارند و چه برنامه های برای استفاده از این اطلاعات دارند فاش نسازید.

✓ فایل هایی که توسط افراد یا سایت های ناشناس ارسال می شود را بر روی رایانه خود بارگذاری نکنید و بر روی لینک های ارسالی آنها کلیک ننمایید. گاهی وقت ها این کار باعث ورود ویروس ها و یا ویروس های شبه نرم افزار به رایانه شما می شود که باعث حذف یا تغییر اطلاعات رایانه شما می شود

آشنایی با بانک مرکزی ایران:

بانک مرکزی ایران ۱۸ مرداد ۱۳۳۹ تشکیل شد. مهمترین هدف بانک مرکزی حفظ ارزش پول داخلی یا کنترل تورم است. بطور کلی اصلی‌ترین وظایف بانک‌های مرکزی عبارت است از نشر اسکناس، بانکداری دولت، بانکداری بانک‌ها، مدیریت ذخایر خارجی کشور و اعمال سیاست پولی است. رسالت اصلی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران بر آن است که با اجرای برنامه‌های مختلف اعم از برنامه‌های تثبیت و توسعه اقتصادی پشتیبان دولت باشد.

ارکان بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به شرح زیر است:

مجمع عمومی، شورای پول و اعتبار، هیئت عامل، هیئت نظارت اندوخته اسکناس، هیئت نظار

مجمع عمومی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: اعضای این مجمع متشکل است از رئیس جمهوری (ریاست مجمع)، وزیر امور اقتصادی و دارایی، رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، وزیر بازرگانی و یک نفر از وزرا به انتخاب هیئت وزیران. وظایف مجمع عمومی نیز به عبارتند از: رسیدگی و تصویب ترازنامه بانک مرکزی، رسیدگی و اتخاذ تصمیم نهایی نسبت به گزارش‌های هیئت نظار، رسیدگی و اتخاذ تصمیم درباره پیشنهاد تقسیم سود ویژه بانک، انتخاب اعضای هیئت نظار به پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارایی و سایر وظایفی که طبق مقررات این قانون به عهده مجمع عمومی گذاشته شده است. توجه: رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به پیشنهاد رئیس جمهوری و بعد از تأیید مجمع عمومی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با حکم رئیس جمهور منصوب می‌شود.

شورای پول و اعتبار: اعضای این شورا عبارتند از وزیر امور اقتصادی و دارایی یا معاون وی، رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور یا معاون وی، دو تن از وزرا به انتخاب هیئت وزیران، وزیر بازرگانی، دو نفر کارشناس و متخصص پولی و بانکی به پیشنهاد رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و تأیید ریاست جمهوری، دادستان کل کشور یا معاون وی، رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن، رئیس اتاق تعاون، نمایندگان کمیسیون‌های «امور اقتصادی» و «برنامه و بودجه و محاسبات» مجلس شورای اسلامی (هر کدام یک نفر) به عنوان ناظر با انتخاب مجلس، ریاست شورا بر عهده رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. وظایف و اختیارات شورای پول و اعتبار شامل رسیدگی و تصویب سازمان و بودجه و مقررات استخدامی و آیین نامه‌های داخلی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، رسیدگی و اظهار نظر نسبت به ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران جهت طرح در مجمع عمومی، رسیدگی و تصویب آیین نامه‌های مذکور در قانون پولی و بانکی، اظهار نظر در مسائل بانکی، پولی و اعتباری کشور و همچنین اظهار نظر نسبت به لوایح مربوط به وام یا تضمین اعتبار و هر موضوع دیگری که از طرف دولت به شورا ارجاع می‌شود.

هیئت عامل: هیئت عامل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مرکب است از رئیس کل، قائم مقام، دبیر کل بانک، سه نفر معاون. وظایف و اختیارات هیئت عامل عبارتست از اینکه رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران بعنوان بالاترین مقام اجرایی و اداری عهده دار کلیه امور بانک به استثناء وظایفی است که به موجب قانون پولی و بانکی و اصلاحیه های بعدی به عهده ارکان بانک گذاشته شده است. همچنین وی مسئول حسن اداره امور بانک و موظف به اجرای قوانین و آیین نامه های مربوط به آن است. رئیس کل بانک نماینده بانک در کلیه مراجع رسمی داخلی و خارجی با حق توکیل است.

هیئت نظارت اندوخته اسکناس: هیئت نظارت اندوخته اسکناس از افرادی چون رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران یا معاون او، دو نماینده مجلس شورای اسلامی به انتخاب مجلس، دادستان کل کشور یا معاون او، خزانه دار کل کشور، رئیس کل دیوان محاسبات، رئیس هیئت نظار تشکیل می شود و هیئت نظارت اندوخته اسکناس عهده دار نظارت بر حسن اجرای مفاد ماده ۵ قانون پولی و بانکی کشور از طریق تحویل و نگهداری اسکناس های چاپ شده و همچنین نگاهداری حساب دارایی های موضوع ماده ۵ قانون فوق الذکر و صورت جواهرات ملی و تنظیم مقررات مربوط به نمایش و نظارت بر ورود و خروج آنها از خزانه بانک و به علاوه نظارت بر معدوم کردن اسکناس هایی که باید از جریان خارج شود، است.

هیئت نظار: هیئت نظار مرکب از یک نفر رئیس و چهار نفر عضو از میان حسابرسان خبره یا افراد مطلع در امور حسابداری و یا بانکی با داشتن حداقل ده سال سابقه کار است که به پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارایی و تصویب مجمع عمومی برای مدت دو سال انتخاب می شوند و انتخاب مجدد آنان بلامانع است. هیئت نظار مسئول رسیدگی به حساب ها و تعهدات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران است که نسبت به صحت این حساب ها و تعهدات اظهار نظر می کند.

وظایف بانک مرکزی:

بر اساس قانون پولی و بانکی کشور مصوب تیرماه ۱۳۵۱ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، به عنوان تنظیم کننده نظام پولی و اعتباری کشور، موظف به انجام وظایف زیر می باشد:

حفظ ارزش داخلی و خارجی پول ملی کشور، انتشار اسکناس و ضرب سکه های فلزی رایج کشور، تنظیم مقررات مربوط به معاملات ارزی و ریالی، نظارت بر معاملات طلا و وضع مقررات مربوط به آن، نظارت بر صدور و ورود ارز و پول رایج کشور، تنظیم کننده نظام پولی و اعتباری کشور، نظارت بر بانک ها و مؤسسات اعتباری، تنظیم حجم اعتبارات بانکی و ایجاد هماهنگی، متناسب با نیازهای پولی کشور، نگهداری از حساب های کلیه وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت، نگهداری کلیه ذخایر ارزی و طلای کشور، نمایندگی دولت در سازمان های مالی و بین المللی، در اختیار داشتن تصدی تمام عملیات انتشار اوراق بهادار دولتی، انعقاد موافقت نامه پرداخت و اجرای قراردادهای پولی، مالی، بازرگانی و ترانزیتی دولت و سایر کشورها.

بدین ترتیب رسالت اصلی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران بر آن است که با اجرای سیاست های پولی و اعتباری شرایط مساعد برای پیشرفت اقتصادی کشور را فراهم سازد و در اجرای برنامه های مختلف اعم از برنامه های تثبیت و توسعه اقتصادی پشتیبان دولت باشد. در این راه حفظ ثبات ارزش پول و تعادل موازنه پرداخت ها به همراه رشد مداوم اقتصادی از طریق اجرای سیاست های پولی از اهداف مهم آن به شمار می رود.

تفسیر وظایف بانک مرکزی:

بانکداری دولت: عموماً بانک های مرکزی بانک دولت هستند. درآمد های دولت به حساب های دولت در بانک مرکزی واریز شده و پرداخت های دولت از طریق این حساب ها انجام می گیرد. بعنوان بانکدار دولت علاوه بر دریافت و پرداخت های دولت عموماً بانک مرکزی حساب بدهی های دولت را نگاه داشته و در صورت لزوم به دولت وام می دهد.

ناشر اسکناس و مسکوک: بانک مرکزی حق انحصاری انتشار اسکناس و مسکوک را در اختیار دارد. اسکناس ها و مسکوک در جریان، بدهی بانک مرکزی به دارنده آن است.

بانک بانک ها: بانک مرکزی بانکدار بانک های تجاری است. بانک های تجاری نزد بانک مرکزی حساب دارند. بانک مرکزی به عنوان بانکدار بانک های تجاری، خدماتی را که این بانک ها به مشتریان خود ارائه می دهند، در اختیار بانک های تجاری قرار می دهد.

وام دهنده نهایی: این وظیفه بانک مرکزی نیز یکی از وظایف مهمی است که بانک مرکزی عهده دار است. هنگامی که بانک های تجاری دچار کمبود نقدینگی می گردند یا در بحران های بانکی، وظیفه بانک مرکزی کمک به بانک های تجاری است. در برخی از کشورها، بانک های تجاری، هنگام نیاز، مستقیماً از بانک مرکزی وام می گیرند. در انگلستان بانک های تجاری ابتدا به بازارهای پول مراجعه کرده و در صورت عدم موفقیت، برای دریافت وام به بانک مرکزی متوسل می شوند. بنابراین بانک مرکزی وام دهنده نهایی به بانک های تجاری خوانده می شود.

مسئولیت اجرای سیاست پولی: پول امروزه نقش هایی فراتر از وسیله مبادله بودن دارد. تغییر در حجم پول در جریان، ارزش پول را تحت تأثیر قرار می دهد و تغییر در ارزش پول بر سطح تولید و توزیع درآمد ملی اثر می گذارد. هدف اصلی سیاست پولی تثبیت قیمت و اشتغال کامل است.

استقلال بانک مرکزی :

یکی از وظایف مهم بانک مرکزی (در بلند مدت) ایجاد ثبات در سیاست های پولی به منظور دستیابی به هدف تثبیت قیمت‌هاست. در ابتدا، بانک‌های مرکزی، تنها صادر کننده پول بوده اند؛ ولی با افول نظام پایه طلا، بانک‌های مرکزی نقش فعالتری را در اجرای سیاست پولی و به منظور تثبیت قیمت ها و انجام عملیات پولی مستقل از نفوذهای سیاسی بر عهده گرفتند.

استقلال بانک مرکزی مستلزم آن است که بانک مرکزی : الف) دارای استقلال کامل عملیاتی باشد. ب) دارای یک قوه سیاستگذاری مؤثر باشد. ج) دارای سیاست های اقتصادی هماهنگ باشد. د) مسئول حمایت از ثبات قیمت ها باشد.

وظیفه آخر، یعنی مسئولیت حمایت از ثبات قیمت ها مستلزم حفاظت از ثبات سیستم کنونی و مدیریت ذخایر ارزی و نرخ ارز می‌باشد. برای مدیریت ذخایر ارزی و سیاست نرخ ارز، بانک مرکزی باید عملیات روزانه در بازار ارز را بر عهده گیرد. چون این عملیات ممکن است که اثر مستقیم بر عرضه پول و سیاست پولی داشته باشد. برخی استقلال بانک مرکزی را نشانه رشد و توسعه و برخی دیگر آن را ضددموکراتیک می خوانند. البته مطالعات انجام شده آشکار می سازد که کشورهایی که دارای بانک مرکزی مستقل بوده اند، دارای رشد بیشتر و تورم کمتری بوده اند.

دلایل ملی شدن بانک‌ها:

- ۱) نحوه تحصیل درآمد بانک‌ها و انتقال غیرمشروع سرمایه ها به خارج.
- ۲) نقش اساسی بانک ها در اقتصاد کشور و ارتباط طبیعی اقتصادی کشور با مؤسسات بانکی.
- ۳) مدیون بودن بانک ها به دولت و نیازشان به سرپرستی دولت.
- ۴) لزوم هماهنگ کردن فعالیت آنها با سایر سازمان های کشور
- ۵) لزوم سوق دادن فعالیت بانک ها در جهت اداری و انتفاعی اسلامی

جنبه های مثبت ملی شدن بانک ها:

۱- توزیع اعتبارات بر مبنای اولویت های اجتماعی و اقتصادی: یعنی در این حالت، رشد و توسعه کشور مورد توجه قرار می گیرد و بانک ها کمتر به جنبه صرفاً سودآوری وام ها توجه می کنند. با این کار از بسیاری از سفته بازی های و معاملات غیرتولیدی کاسته می شود.

- ۲- افزایش رشد و توسعه اقتصادی و جلوگیری از عوارض نامطلوب: یعنی در اینجا به خاطر اینکه وام‌ها بیشتر به مشاغل تولیدی داده می‌شود، مانع عوارض نامطلوب توزیع غلط اعتبارات می‌شوند. در کشورهای سوسیالیستی سابق، وام‌های مصرفی به هیچ وجه اعطا نمی‌شد. ولی در ایران به دلیل بازگشت سریع اصل وام و سودآوری زیاد آن، وام‌های مصرفی زیادی اعطا گردیدند.
- ۳- جلوگیری از هزینه‌های زائد: از دو طریق است: الف) کاهش هزینه‌های جاری و سرمایه‌ای، در اثر ادغام بانک‌ها. ب) کاهش رقابت بانک‌ها برای پرداخت سود سپرده بیشتر و همچنین هزینه‌های تزئین و ساختمان‌های مدرن و غیره. . . .
- ۴- افزایش سپرده‌های بانکی: ملی شدن بانک‌ها باعث اطمینان بیشتر مردم و تشویق هرچه بیشتر آنها به استفاده از بانک‌ها و افزایش سپرده‌گذاری آنها و رونق فعالیت‌های بانکی می‌گردد.
- ۵- توسعه شبکه بانکی براساس احتیاجات و توزیع جمعیت: ملی شدن بانک‌ها باعث توسعه سریع شبکه بانکی، در سطح کشور می‌شود. این مسأله به ویژه در روستاها و شهرهای دورافتاده مصداق پیدا می‌کند. چون با توسعه شبکه بانکی، مردم این مناطق از سلطه نزول‌خواران و سلف‌خرها رهائی می‌یابند و این امر سبب پولی شدن اقتصاد کشور می‌گردد.
- ۶- استفاده از تکنیک‌های جدید برای بالا بردن کارایی بانک‌ها
- ۷- جلوگیری از تمرکز ثروت و توزیع درآمد
- ۸- پایین آمدن هزینه‌های تولیدی و کمک به صادرات: در اینجا به علت پایین آمدن هزینه بانک‌ها، نرخ بهره و هزینه سرمایه کاهش می‌یابد و هزینه تولید نیز به تبع آن کاهش یافته و منجر به افزایش سرمایه‌گذاری و توسعه صادرات می‌شود.
- ۹- جلوگیری از ورشکستگی بانک‌ها: عدم اطمینان مردم نسبت به بانک‌ها، بزرگترین ضربه را به بانک وارد می‌کند. لذا با ملی شدن بانک‌ها، اعتماد مردم نسبت به بانک‌ها افزایش یافت و این امر از ورشکستگی بانک‌ها جلوگیری نمود. چون مردم برای حفظ سپرده‌های خود مجبور نیستند که پول‌های خود را از بانک‌ها به منازل یا به بانک‌های خارج از کشور منتقل کنند.

جنبه‌های منفی ملی شدن بانک‌ها:

- ۱- عدم استفاده صحیح از اعتبارات و وام‌های بانکی: مهمترین مسئله‌ای که مطرح می‌شود عدم استفاده صحیح از اعتبارات و وام‌های بانکی می‌باشد. با ملی شدن بانک‌ها، مسئله نظارت و پیگیری در استفاده از وام‌ها مطرح می‌گردد و عدم توجه به این امر، ممکن است که اثر سوئی در اقتصاد کشور داشته باشد. عدم استفاده صحیح اقتصادی از وام‌ها با استفاده نکردن از آنها، به معنای بیکار گذاشتن یکی از منابع مهم اقتصادی می‌باشد.
- ۲- پایین آمدن سطح خدمات بانکی: دولتی شدن بانک‌ها، در نهایت منجر به کاهش کارایی در سیستم بانکی می‌گردد. علاوه بر این، عدم توجه به خواسته‌های مردم و بی‌نظمی بانک‌ها، از جمله مواردی است که در بانک‌های دولتی به چشم می‌خورد.
- ۳- عدم ارتباط با بانک‌های خارجی (کاهش انتقال فناوری از سایر کشورها به ایران)

۴- خروج سرمایه از ایران: با ملی شدن بانک ها، دولت باید سرمایه بانک های خارجی را پرداخت کند و از طرفی این امکان وجود دارد که مقداری از سرمایه گذاری خارجی، در رابطه با بانک ها و بیمه از ایران خارج شوند و جذب سرمایه گذاری خارجی به راحتی انجام نشود.

صندوق بین المللی پول IMF:

صندوق بین المللی پول در ژوئن ۱۹۴۴ طی کنفرانس پولی و مالی برتون وودز و با شرکت نمایندگان ۴۴ کشور جهان تأسیس شد. در همین دوران جهت نظم بخشیدن به وضع پولی و مالی بین المللی چهار طرح به ترتیب از سوی کینز، وایت، دولت فرانسه و دولت کانادا ارائه شد. طرح آقای کینز که در آن زمان مشاور خزانه داری بریتانیا بود تحت عنوان اتحادیه پولی (پایپای) بین المللی ارائه شد. آقای وایت نیز معاون خزانه داری ایالات متحده آمریکا بود و طرح خود را تحت عنوان پیش نویس اولیه پیشنهاد تأسیس صندوق تثبیت ملل متحده و بانک ترمیم و توسعه ملل متحد و متفق ارائه کرد. طرح دولت کانادا اتحادیه مبالغ بین المللی نام داشت.

اهداف صندوق بین المللی پول:

هدف اولیه تأسیس صندوق بین المللی پول عبارت بود از جلوگیری از برقراری ارتباط مجدد محدودیت های بازرگانی بین المللی از یک طرف و ممانعت از نوسانات شدید نرخ مبادله به شکلی که در دوران بین دو جنگ جهانی شاهد آن بودیم.

طبق اساسنامه صندوق بین المللی پول سایر اهداف عبارتند از:

تقویت همکاری های بین المللی از طریق فراهم ساختن امکانات مشورتی و همکاری اعضا درباره مسائل پولی بین المللی و تسهیل رشد متوازن تجارت بین المللی و از طریق کمک به افزایش سطح اشتغال و درآمد و توسعه ظرفیت های تولید و تقویت ثبات ارزی و ترتیبات ارزی و اجتناب از تضعیف رقابتی ارزش پول ملی و تقویت نظام چندجانبه پرداخت ها برای معاملات جاری و یافتن راه های حذف محدودیت های ارزی که مانع رشد تجارت جهانی می شود و تأمین منابع مالی برای اعضا بطور موقت و یافتن راه هایی برای کاهش دوره و میزان عدم توازن در پرداخت ها و مقرر صندوق در شهر واشنگتن پایتخت آمریکا است و اگرچه مؤسسات وابسته به سازمان ملل متحد به شمار می آیند ولی به موجب اساسنامه از استقلال کامل اداری برخوردار است.

بانک جهانی WB:

بانک بین المللی ترمیم و توسعه که به بانک جهانی شهرت یافته است بزرگ ترین سازمان بین المللی است که در زمینه تأمین مالی توسعه اقتصاد کشورهای در حال رشد فعالیت می کند. هدف اولیه از تأسیس بانک مزبور کمک مالی به بازسازی و ترمیم کشورهای بود که در جنگ جهانی دوم خسارت دیده بودند.

اهداف اولیه این بانک طبق اساسنامه عبارت بودند از:

- ۱- کمک به بازسازی و توسعه کشورهای عضو از طریق تسهیل سرمایه گذاری های تولیدی در آن کشورها و بازسازی اقتصادی کشورهایی که در خلال جنگ آسیب دیده یا از بین رفته‌اند. انطباق مجدد و هدایت تسهیلات و وسایل تولیدی با نیازها و احتیاجات زمان صلح و تشویق امر گسترش تسهیلات و منابع تولیدی در کشورهای در حال توسعه.
- ۲- اعطای وام به کشورهای عضو از منابع بانک.
- ۳- تشویق سرمایه گذاری های خارجی در کشورهای عضو از طریق تضمین اصل و بهره سرمایه گذاری ها و مشارکت در اعطای وام تسهیلات مالی مناسب.
- ۴- کمک به رشد متوازن و بلندمدت تجارت بین‌المللی و حفظ تعادل در موازنه پرداخت‌ها از طریق تشویق سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی.
- ۵- اعطای وام از سوی بانک مستلزم متقاعد شدن بانک به صرف وام جهت افزایش بهره‌وری کشور وام‌گیرنده و نیز اطمینان از توانایی باز پرداخت وام است.

بخش چهارم: سیاست‌های پولی، مالی و ارزی و مباحث مربوط به آن

تعریف سیاست پولی:

به آن بخش از سیاست اقتصادی که توسط مقامات پولی اتخاذ می‌گردد تا در نهایت جریان مخارج را تحت تأثیر قرار دهد، سیاست پولی گفته می‌شود. مقامات پولی، سیستم پولی و اعتباری را کنترل می‌کنند و از طریق تغییرات عرضه و تقاضای پول، سطح و ساختمان نرخ بهره را تحت تأثیر قرار می‌دهند تا در نهایت جریان مخارج جامعه تغییر کند و در نتیجه نیل به اهداف اقتصادی تسهیل شود. بعبارتی سیاست پولی عبارت است از استفاده از ابزارهای پولی به منظور نیل به اهداف اقتصادی از طریق تحت تأثیر قراردادن جریان مخارج جامعه. بدین ترتیب سیاستگذار سعی می‌کند تا با استفاده از ابزارهای پولی از طریق تأثیرگذاری بر بخش مالی، اقتصاد جامعه را تحت تأثیر قرار دهد تا در نهایت به اهداف اقتصادی موردنظر دست یابد. در واقع مقامات پولی با استفاده از ابزارهای پولی با هدف غایی نیل به اهداف اقتصادی سطح و ساختمان نرخ بهره را تغییر می‌دهند و سیستم پولی و اعتباری را کنترل می‌کنند تا به هدف میانی یعنی تأثیر بر جریان مخارج هم نایل شده باشند.

اهداف سیاست پولی:

سیاست پولی دارای اهداف اولیه، میانی و نهایی خواهد بود. اهداف اولیه عبارت است از کنترل سیستم پولی و اعتباری و تغییر سطح و ساختمان نرخ بهره و اهداف میانی یعنی تحت تأثیر قرار دادن جریان مخارج و اهداف نهایی همانا اهداف سیاست اقتصادی می‌باشد.

توجه: اصولاً اهداف سیاست اقتصادی عبارتند از ایجاد و حفظ تعادل در بخش داخلی و خارجی اقتصاد همراه با رشد اقتصادی موزون و مناسب. تعادل در بخش داخلی اقتصاد یعنی اشتغال کامل و ثبات سطح قیمت‌ها و تعادل در بخش خارجی اقتصاد یعنی داشتن تراز پرداخت‌های ارزی متعادل و متوازن.

تحولات اهداف سیاست پولی:

بدیهی است با توجه به تداوم تحولات سیستم‌های اقتصادی و اجتماعی اهداف سیاست پولی نیز دستخوش تغییر خواهد شد. به هر حال اهداف سیاست پولی مراحل ذیل را طی نموده است:

(۱) حفظ ثبات نرخ ارز: هدف سیاست پولی در دوران حاکمیت سیستم پولی پایه طلا حفظ ثبات نرخ ارز بود. در واقع تا شروع جنگ جهانی اول هدف سیاست پولی عبارت بود از حفظ ارزش خارجی پول. در این دوره اقتصاددانان کلاسیک باور داشتند اقتصاد در وضعیت اشتغال کامل قرار دارد و لذا ثبات اقتصاد داخلی از طریق تغییرات نرخ ارز مورد تهدید قرار خواهد گرفت. از

اینرو هدف سیاست پولی باید حفظ ارزش خارجی پول باشد. با ثبات ارزش خارجی پول سطح قیمت‌ها در داخل کشور از ثبات لازم برخوردار خواهد شد. در شرایطی که دولت‌ها در امور اقتصادی مداخله نمی‌نمایند و آزادی تجارت جهانی همراه با آزادی ورود و خروج ارز وجود دارد و اقتصاد در شرایط اشتغال کامل می‌باشد هدف سیاست پولی ثبات نرخ ارز خواهد بود. با حفظ ثبات نرخ ارز اقتصاد داخلی متعادل خواهد بود.

۲) حفظ ثبات قیمت‌ها: به دنبال وقوع بحران بزرگ مالی (۱۹۲۹-۳۳) هدف سیاست پولی دچار تحول شد. سیاست پولی به جای حفظ ثبات نرخ ارز، حفظ ثبات سطح قیمت‌ها را هدف گرفت. کشورهای سوئد و ایالات متحده آمریکا از جمله کشورهایی می‌باشند که از وقوع بحران بزرگ مالی در هدف سیاست پولی خویش تجدیدنظر نموده و تثبیت قیمت کالاها و خدمات را مدنظر قرار دادند. مقامات پولی کشورهای مذکور استدلال می‌کردند نوسان قیمت‌ها موجب ایجاد اختلالاتی در روابط اقتصادی گروه‌ها و اقشار مختلف جامعه خواهد شد. با نوسان قیمت‌ها روابط مالی اقتصادی کارگران و کارفرمایان، تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان، طلبکاران و بدهکاران و غیره مختل خواهد شد. به علاوه عدم ثبات قیمت کالاها و خدمات به تجارت جهانی آسیب وارد خواهد نمود. با نوسان قیمت‌ها روابط اقتصادی بین الملل با مشکلاتی مواجه خواهد شد که حاصل آن تحدید تجارت جهانی خواهد بود. در مقابل با حفظ ثبات سطح قیمت‌ها در کشورها روابط اقتصادی بین المللی در مسیر صحیح و مطلوب قرار گرفت. بهر حال وقتی که هدف سیاست پولی ثبات قیمت‌ها (و نظریه مقداری پول هم وسیله تفسیر و تحلیل نوسان قیمت‌ها) باشد مقامات پولی باید حجم پول در گردش را کنترل نمایند تا ثبات قیمت‌ها حفظ شود. به عبارتی با حفظ ثبات پولی ثبات قیمت‌ها حفظ خواهد شد. زیرا طبق نظریه مقداری پول بین حجم پول در گردش و سطح قیمت‌ها رابطه مستقیم وجود دارد؛ البته لازم به ذکر است حفظ ثبات قیمت‌ها، تعادل اقتصادی همراه با رشد مناسب فعالیت‌های اقتصادی را تضمین نمی‌کند.

۳) حذف نوسانات اقتصادی: عده‌ای از اقتصاددانان مانند هایک معتقد بودند، هدف سیاست پولی به جای ثبات نرخ ارز و ثبات قیمت‌ها بایستی حذف یا کنترل نوسانات اقتصادی باشد. بهر حال تجربیات پولی و اقتصادی کشورهای متعدد ثابت کرد که رابطه مستقیم و تنگاتنگی بین حجم پول در گردش و ادوار تجاری وجود ندارد. به عبارتی تحولات حجم پول در گردش علت ایجادکننده ادوار تجاری نیست، بلکه در ادوار تجاری سرعت گردش پول تغییر می‌کند. بطوریکه در دوره رونق بر سرعت گردش پول افزوده می‌شود و در دوره رکود از سرعت آن کاسته می‌شود. به علاوه ادوار تجاری حاصل عملکرد واکنش نیروهای اقتصادی و غیراقتصادی می‌باشد و نمی‌توانند پدیده پولی تلقی شوند. اما در عین حال خط‌مشی اعتباری و عملیات بانکی نقش بسیار مهمی در نوسانات اقتصادی بازی می‌کنند. از اینرو هرچند عامل بروز ادوار تجاری پدیده پولی نیست، لیکن اجرای سیاست‌های پولی و اعتباری در تشدید رونق یا تعمیق کساد نقش و تأثیر غیرقابل انکاری دارند.

۴) اشتغال کامل: با وقوع بحران بزرگ مالی و بی‌کاری عظیم در کشورهای صنعتی طبیعی است که هدف سیاست پولی نیل به اشتغال کامل باشد. به علاوه پس از جنگ جهانی دوم و ترس از بروز بیکاری بزرگ در دوره انتقال اقتصاد جنگ به اقتصاد صلح، ایالات متحده آمریکا و استرالیا اعلام کردند که هدف نیل به اشتغال کامل می‌باشد؛ علاوه بریتانیا، کانادا و سوئد اعلام نمودند که هدف آنها حفظ اشتغال کامل خواهد بود و برای رسیدن به این هدف از کلیه ابزارهای پولی و مالی و اقتصادی سود خواهند جست. بعد از خاتمه جنگ جهانی دوم سیاست پولی به جای آنکه یکی از اهداف فوق‌الذکر را دنبال نماید، به عنوان بخشی از سیاست اقتصادی حفظ ثبات اقتصادی همراه با رشد مناسب فعالیت‌های اقتصادی را هدف قرار داد.

ابزار اجرای سیاست پولی:

بانک مرکزی از ابزار و روش‌های مختلفی برای اجرای سیاست پولی استفاده می‌نماید. کاربرد این ابزار در زمان‌های مختلف و در کشورهای مختلف با توجه به تحولات و تفاوت‌های ساختارهای اقتصادی و اجتماعی یکسان نمی‌باشد. انتخاب ابزار و روش‌ها و کاربرد آنها بستگی به شرایط اقتصادی و اجتماعی خواهد داشت. از نظر کینز ابزار سیاست پولی شامل تغییر نرخ تنزیل مجدد، عملیات بازار باز و تغییر نسبت سپرده قانونی می‌باشد؛ از اینرو در اینجا فقط به شرح این سه ابزار می‌پردازیم:

الف) تغییر نرخ بهره و نرخ تنزیل مجدد:

از نرخ تنزیل مجدد می‌توان برای کنترل اعتبارات استفاده نمود، زیرا با تغییر نرخ مذکور، نرخ بهره در بازار پول تغییر می‌کند و به دنبال آن عرضه و تقاضای پول متأثر می‌گردد و جریان بین‌المللی سرمایه‌های کوتاه‌مدت واکنش لازم را بروز می‌دهد و با تغییر سطح قیمت‌ها، تولید و تجارت تغییر کرده و در نهایت عدم تعادل تراز پرداخت‌های ارزی تصحیح و ثبات نرخ ارز حفظ می‌شود و چنانچه اقتصاد از وضعیت تعادل خارج شود، طلا از کشور خارج می‌گردد و چنانچه جریان خروج طلا از کشور کنترل شود، در نهایت مشکلات بزرگی برای اقتصاد کشور فراهم می‌شود. عدم تعادل در اقتصاد معمولاً انعکاسی است از عدم توازن صادرات و واردات کالاها که این عدم توازن به نوبه خود ناشی از بالا رفتن هزینه تولید است که موجب کاهش صادرات و تشویق واردات می‌گردد، یا تمایل به خرید از خارج و انبارکردن زیاد می‌شود. بعلاوه در این شرایط سرمایه‌گذاری در کشورهای خارج سودآورتر بوده و بدنبال آن جریان خروج طلا چنانچه کنترل نشود، تشدید می‌گردد.

بهرحال ماهیت چنین عدم تعادلی در سیستم پولی پایه طلا ایجاب می‌کند تا بانک مرکزی با افزایش نرخ تنزیل و تحدید اعتبارات نتایج ذیل را تحصیل نماید: با افزایش نرخ تنزیل نرخ بهره در بازار پول و سرمایه بالا می‌رود و بالطبع سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد و با کاهش سرمایه‌گذاری دستمزدها و قیمت‌ها پایین می‌آید که این نتایج موجب تشویق صادرات و تحدید واردات کالاها می‌گردد. به علاوه با افزایش نرخ تنزیل مجدد، جریان بین‌المللی سرمایه‌های کوتاه‌مدت به داخل کشور برای انتفاع از نرخ بهره بالاتر سرازیر می‌شود و از خروج سرمایه از کشور ممانعت به عمل می‌آورد. البته باید توجه داشت که طول دوره‌ای که منجر به اعاده تعادل اقتصادی می‌گردد، بستگی به شرایط اقتصادی کشور دارد.

بنابراین برای این که تغییر نرخ تنزیل مجدد بانک مرکزی اثربخش باشد، باید

- ۱- با تغییر نرخ تنزیل به ویژه به هنگام بالا بردن آن، نرخ بهره نیز در بازار پول تغییر کند و اعتبارات محدود شود.
- ۲- ساختار اقتصادی کشور قابلیت انعطاف لازم را داشته باشد.
- ۳- کشش صادرات و واردات کالاها مثبت باشد.
- ۴- جریان بین‌المللی سرمایه آزاد باشد و موانعی برای ورود و خروج سرمایه برقرار نشود.

این نکته قابل تأکید است که علاوه بر شرایط مشروح فوق یکی از عوامل موفقیت بانک مرکزی برای اینکه بتواند از نرخ تنزیل مجدد به عنوان اهرم کنترل اعتبارات استفاده کند، آن است که بین نرخ مذکور و نرخ بهره در بازار پول و سرمایه لندن تفاوت فاحشی وجود نداشته باشد.

بعد از جنگ جهانی اول هر چند بانک مرکزی برای اجرای سیاست پولی از نرخ تنزیل مجدد به دفعات استفاده کردند، اما از اهمیت این اهرم کاسته شده بود و بعضی دلایل این کاهش اهمیت عبارت بودند از:

اول: بانک‌های مرکزی نتوانستند با استفاده از اهرم نرخ تنزیل بر بحران اقتصادی سال‌های ۱۹۲۹-۳۴ فائق آیند و تمایل به استفاده از سایر ابزارها پیدا کرده بودند.

دوم: مراکز پولی و مالی جهان متعدد شده بود.

سوم: سیستم‌های پولی پایه طلا منسوخ شده بود و صندوق بین‌المللی پول، سیستم برابری ثابت بین ارزها را برقرار کرده بود. چهارم: از اهمیت بروات در تجارت داخلی و خارجی کاسته شده بود، زیرا بانک‌ها به تجارت اعتبار در حساب جاری اعطا می‌کردند و دیگر نیازی به تنزیل بروات تجاری آنها نبود، به علاوه در تجارت جهانی نیز از اهمیت برات کاسته گردید، چون انتقالات تلگرافی تقریباً جایگزین برات گردیده بود.

پنجم: در کشورهای پیشرفته عملیات بانکی در انحصار چند بانک بزرگ قرار گرفته بود که این بانک‌ها رغبتی به تنزیل بروات در بازار پول نداشتند، زیرا از نقدینگی کافی برخوردار بودند. به علاوه اسناد خزانه دولت رواج پیدا کرده بود. بنابراین به ناچار بانک‌های مرکزی از سایر ابزار استفاده نمودند.

همچنین بعد از جنگ جهانی دوم کشورهای اروپایی به منظور بازسازی خرابی‌های ناشی از جنگ و حفظ اشتغال کامل به پیروی از نظریات کینز سیاست پول ارزان را طراحی و اجرا نمودند. بدیهی است با اجرای سیاست پول ارزان از اهمیت نرخ تنزیل مجدد بیشتر کاسته گردید. لیکن طی بیست سال اخیر به ویژه در دهه ۱۹۷۰ که تورم با نرخ نگران‌کننده‌ای در کشورهای اروپایی و ژاپن بالا رفت، مجدداً بانک‌های مرکزی به استفاده از نرخ بهره که به نرخ بانک مشهور شده است، روی آوردند.

بهرحال بتدریج حوزه عمل نرخ تنزیل مجدد باریک و باریک‌تر شد، اما هنوز هم نرخ بهره بانک‌های مرکزی یکی از ابزار کنترل اعتبارات و اعمال سیاست پولی می‌باشد.

ب) عملیات بازار باز^{۳۱}:

در عملیات بازار باز بانک مرکزی اقدام به خرید یا فروش اسناد خزانه و اوراق قرضه می‌نماید تا موجودی بازار پول و سرمایه را تحدید یا توسعه و گسترش دهد. در ایالات متحده آمریکا و بریتانیا و برخی بانک‌های فدرال فقط اوراق و اسناد خزانه مربوط به دولت اعم از کوتاه‌مدت یا بلندمدت را معامله می‌نمایند. در کشورهای مذکور بازار پول به اندازه کافی توسعه و گسترش یافته است و مقامات پولی بر حسب شرایط رأساً اقدام به خرید یا فروش اوراق قرضه و اسناد خزانه دولت می‌نمایند.

استفاده از عملیات بازار باز برای اجرای سیاست پولی از اواخر قرن نوزدهم میلادی توسط بانک آوانگلند و ریکز بانک سوئد آغاز شد. در واقع تا قبل از جنگ جهانی اول بانک آوانگلند با مهارت و موفقیت از ابزار مذکور برای اجرای سیاست پولی استفاده می‌کرد، اما بانک مذکور از سال ۱۸۹۰ میلادی در مواقعی از عملیات بازار باز به عنوان مکمل نرخ تنزیل مجدد استفاده می‌نمود. همچنین در سال ۱۹۲۰ میلادی و بعد از آن بانک مرکزی در کشورهای سوئد، بریتانیا و ایالات متحده آمریکا و یا سایر کشورها عملیات بازار باز به عنوان یک ابزار مهم و مستقل برای کنترل اعتبارات به کار گرفته شد. در واقع پس از سال‌های دهه ۱۹۲۰ به

31) Open-Market Operations

واسطه گسترش دخالت دولت در امور اقتصادی و در نتیجه افزایش حجم اسناد خزانه و اوراق قرضه دولت و کاهش اهمیت نرخ تنزیل مجدد، استفاده از عملیات بازار باز به عنوان ابزار مهم کنترل اعتبارات مورد توجه قرار گرفت.

بطور کلی پس از بحران بزرگ مالی و رسوخ عقاید کینز و اتخاذ سیاست پولی ارزان برای تأمین مخارج جنگ جهانی دوم و تأمین هزینه مالی ترمیم و بازسازی خرابی‌های ناشی از جنگ، عملیات بازار باز به عنوان مهمترین و اساسی‌ترین ابزار سیاست پولی توسط بانک مرکزی به کار گرفته شد. در واقع پس از جنگ جهانی دوم استفاده از ابزار نرخ بهره بانک به عنوان مکمل عملیات بازار باز مورد استفاده قرار گرفت و به این ترتیب جریان معکوس شد. بعلاوه به این نکته باید توجه نمود که عملیات بازار باز در مقایسه با نرخ تنزیل مجدد بر روی بازار پول تأثیر فوری‌تر و سریع‌تر و مستقیم‌تری دارد. در واقع در حالی که تأثیر عملیات بازار باز بر بازار پول مستقیم و سریع می‌باشد، تأثیر نرخ تنزیل مجدد غیرمستقیم و بطئی‌تر است. در عملیات بازار باز بانک مرکزی می‌تواند، سریعاً نسبت به کاهش یا افزایش موجودی بازار پول اقدام کند.

به این نکته باید توجه داشت که عملیات بازار باز به عنوان مهمترین ابزار اجرای سیاست پولی بانک مرکزی در صورتی با موفقیت همراه خواهد شد که اولاً بازار پولی سازمان‌یافته و متشکل وجود داشته باشد، ثانیاً اوراق قرضه و اسناد خزانه حجم مناسبی از بازار پول را تشکیل دهد، ثالثاً بازار پول واکنش لازم را در قبال خرید یا فروش اوراق قرضه و اسناد خزانه از خود بروز دهد، رابعاً با تغییر حجم نقدینگی بازار پول نرخ بهره تغییر کند و امکانات لازم برای کنترل اعتبارات را فراهم سازد. از اینرو بانک‌های مرکزی در اغلب کشورهای در حال توسعه نمی‌توانند از عملیات بازار باز برای اجرای سیاست پولی استفاده نمایند، زیرا کشورهای مذکور فاقد شرایط فوق‌الذکر می‌باشند.

ج) نسبت سپرده قانونی :

استفاده از نسبت سپرده قانونی یکی دیگر از ابزار بانک مرکزی برای اجرای سیاست پولی می‌باشد. نخستین کشوری که از این اهرم برای اجرای سیاست پولی استفاده کرد، ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۳۵ میلادی می‌باشد. از اینرو ملاحظه می‌گردد که این حربه در مقایسه با حربه‌های پیش گفته شده جدیدتر می‌باشد. بانک‌های مرکزی در کشورهای دهه ۱۹۴۰ و پس از آن تأسیس شده‌اند، طبق قانون اجازه استفاده از نسبت سپرده قانونی را دارند. طبق قانون، بانک‌ها ملزم می‌باشند، تا نسبت ثابتی از بدهی‌های خود را به شکل نقد و یا اوراق بهادار دولتی به ودیعه نزد بانک مرکزی بسپارند. در ابتدا هدف از برقراری چنین مکانیزمی حمایت از سپرده‌های عامه مردم نزد بانک‌ها بوده است، تا بانک‌ها که هدف آنها کسب حداکثر سود می‌باشد، کل سپرده‌های مردم را به خطر نیاندازند. اما به تدریج بانک‌های مرکزی به ویژه در کشورهای در حال توسعه با تغییر در نسبت سپرده قانونی، حجم منابع آزاد بانک‌ها را تغییر دادند و موجبات تحدید یا توسعه اعتبارات بانکی را فراهم آوردند. به عبارتی از نسبت سپرده قانونی به عنوان ابزار اجرای سیاست پولی سود جستند.

البته باید توجه داشت که طبق قانون پولی و بانکی هر کشور سقف نسبت سپرده قانونی تعیین شده است، لذا بانک مرکزی در زیر سقف مذکور قدرت مانور دارد. به علاوه بر این نکته باید توجه داشت که اصولاً در کشورهای در حال توسعه بانک مرکزی فقط بر بخش محدودی از بازار غیرمتشکل پول می‌تواند تسلط و کنترل داشته باشد، عبارتی بخش مهمی از بازار غیرمتشکل پول تحت کنترل بانک مرکزی قرار ندارد.

نتیجه‌گیری از ابزارهای پولی:

با مقایسه سه ابزار بانک مرکزی با یکدیگر برای اجرای سیاست پولی، این نکته حاصل می‌شود که تحت شرایط عملیاتی بازار باز نسبت به تغییر نسبت سپرده قانونی و نرخ بهره دارای کارآیی بیشتری می‌باشد. زیرا عملیات بازار باز اثر مستقیم و فوری بر بازار پول دارد و از انعطاف‌پذیری لازم نیز برخوردار می‌باشد. به همین علت امروزه بانک آوانگلند می‌تواند با عملیات بازار همه‌روزه بازار پول لندن را تحت کنترل داشته باشد. در واقع بانک مذکور روزانه اقدام به خرید یا فروش اسناد خزانه دولت می‌نماید، در صورتی که از سپرده قانونی و نرخ بهره نمی‌توان به این صورت مستقیم و با تأثیر آنی استفاده کرد.

هر چند بانک مرکزی ابزار متعددی برای اجرای سیاست پولی در اختیار دارد، اما برای این که بانک مذکور بتواند به نحو مطلوب سیاست پولی را اجراء نماید، باید روابط حسنه‌ای با بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی و اعتباری غیربانکی داشته باشد. عبارتی بانک مرکزی نمی‌تواند با تکیه بر ابزار، سیاست پولی را به نحو درستی اجرا نماید، مگر این که روابط خوبی با مؤسسه‌های مالی فوق‌الذکر داشته باشد.

نرخ بهره چیست؟

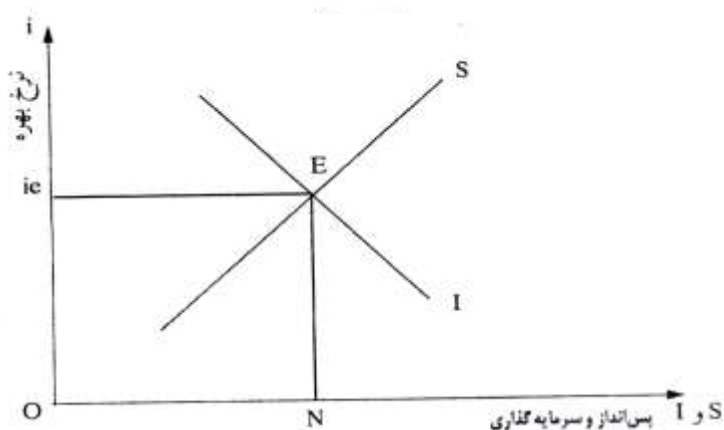
بهره پول قیمتی است که در اقتصاد بازار، برای پول پرداخت می‌شود. وقتی که مبلغ بهره به صورت درصدی از اصل پول یا وجوه قابل استقراض بیان می‌شود به آن نرخ بهره پول گفته می‌شود. نرخ بهره پول ممکن است خالص، یعنی بدون ریسک باشد و یا آنکه شامل ریسک نیز بشود. نرخ خالص بهره پول (بدون ریسک) عایدی ثابتی است که طبق قرارداد به وجوه قابل استقراض یا اصل وام پرداخت می‌شود. در حالی که سایر نرخ‌های بهره بسته به ریسک تغییر می‌کند و عایدی ثابتی نصیب وام‌دهنده نمی‌نماید.

در خصوص نرخ بهره به این نکته باید توجه داشت که نرخ‌های متعدد بهره بر حسب ریسک، مدت سررسید و شرایط قرارداد و غیره وجود دارند. البته نرخ‌های متعدد بهره از یکدیگر مستقل نبوده و به یکدیگر وابسته هستند. از اینرو تغییر در یک نرخ تقریباً بر سایر نرخ‌ها هم مؤثر واقع می‌شود. بنابراین در دنیای واقعی باید از ساختار نرخ بهره صحبت نمود. در این ساختار نرخ بهره کوتاه‌مدت از نرخ بهره بلندمدت قابل تشخیص می‌باشد. به نرخ بهره کوتاه‌مدت نرخ بهره بازار پول و به نرخ بهره بلندمدت نرخ بهره بازار سرمایه هم می‌توان اطلاق کرد. اما به طوری که بیان شد، نرخ‌های بهره به هم وابسته‌اند.

نرخ بهره هسته مرکزی سیاست پولی است که سطح مطلوب مخارج سرمایه‌گذاری را تعیین می‌نماید. در اقتصاد بازار نرخ بهره عاملی است که در مقایسه با بازده نهایی سرمایه‌گذاری حجم سرمایه‌گذاری مستقل را تعیین می‌کند.

تعیین نرخ بهره پول طبق نظریه اقتصاددانان کلاسیک:

طبق نظریه اقتصاددانان کلاسیک مانند ژان باتیستسه و جان استوارت میل، نرخ بهره پول توسط عرضه و تقاضا برای پس انداز تعیین می‌شود. پس انداز تابع مستقیم نرخ بهره پول است. با افزایش نرخ بهره میزان پس انداز افزایش و سرمایه گذاری کاهش می‌یابد. وقتی عرضه پس انداز برابر با تقاضای سرمایه‌گذاری شود، نرخ بهره در حالت تعادل خواهد بود. در ضمن در چنین حالتی به نظر اقتصاددانان کلاسیک تعادل اقتصادی همراه با اشتغال کامل در جامعه وجود خواهد داشت. به این ترتیب نظر اقتصاددانان کلاسیک در خصوص تعیین نرخ بهره وسیله تصویر زیر قابل نمایش می‌باشد.



وقتی که نرخ بهره مساوی ie باشد، میزان پس انداز (S) برابر با تقاضای سرمایه‌گذاری (I) خواهد شد یعنی هر دو مساوی ON خواهند بود.

لزوم هماهنگی سیاست های پولی، مالی و ارزی:

در اغلب تجزیه و تحلیل های اقتصادی فرض بر این است که سیاست اقتصادی کشور به صورت مجموعه ای از سیاست های هماهنگ پولی، اعتباری، مالی، ارزی، گمرکی، بازرگانی، صنعتی و... می باشد، به علاوه بین سیاست های مورد اشاره نیز همواره ارتباط منطقی موجود و محفوظ است. اما در عمل قاعدتاً سیاستگذاری واحد در صحنه اقتصاد ملی وجود ندارد. وجود سیاستگذاران متعدد در کشور مسائل را پیچیده تر نموده و مسأله میزان استقلال هر یک از دیگری روابط آنها با یکدیگر را مطرح می کند. بدیهی است هر سیاستگذاری در حوزه عمل خویش هدف ویژه ای را دنبال می کند و برای نیل به هدف مذکور از ابزار خاصی نیز استفاده می نماید.

از آنجا که بین اهداف سیاستگذاری هماهنگی لازم وجود ندارد، سیاست اقتصاد ملی از یک مجموعه منسجم دارای روابط منطقی متقابل خارج می شود. چنانچه سیاستگذاران نتوانند به نحو مطلوبی هماهنگی لازم در اهداف را ایجاد نمایند، آثار

سیاست اعمال شده توسط یک سیاستگذار ممکن است اثرات سیاست دیگران را خنثی نماید یا حداقل سیاست ها نتوانند در مجموع آثار یکدیگر را تقویت نمایند. بر این اساس لزوم هماهنگی بین سیاست های پولی و مالی و ارزی مطرح می شود. پس از بحران بزرگ مالی و افزایش میزان مداخلات دولت در امور اقتصادی لازم شد تا دولت از سیاست های پولی بانک مرکزی پشتیبانی قاطع به عمل آورد، زیرا به اعتقاد کینز و پیروان او سیاست پولی حوزه عمل محدودی دارد. چنانچه هدف اقتصاد ملی حفظ «ثبات و رشد مداوم و موزون اقتصاد کشور» پذیرفته شده باشد سیاست پولی به عنوان بخشی از سیاست اقتصادی کشور لازم است تا با سیاست مالی هماهنگ شود. در این زمینه حتی برخی این اعتقاد را دارند که مهم این نیست که سیاست پولی به هدفش نایل شود، بلکه مهم هماهنگی سیاست مذکور با سیاست های مالی می باشد.

در عین حال که سیاست های پولی بایستی با سیاست های مالی به منظور نیل به اهداف اقتصاد ملی هماهنگ شوند، بانک مرکزی همیشه باید مواظب تراز پرداخت های کشور و حفظ ذخایر ارزی کشور هم باشد. برای مثال وقتی بانک مرکزی می بیند ذخایر ارزی کشور خارج می گردد یا عدم تعادل موجود را تشدید می نماید، چنانچه این عدم تعادل در تراز پرداخت های ارزی کشور یک عدم تعادل ساختاری باشد، بانک مرکزی باید سیاست ارزی لازم را اتخاذ نماید. در این وضعیت چنانچه بانک مرکزی بخواهد با اتخاذ سیاست پولی، عدم تعادل در تراز پرداخت های ارزی کشور را که جنبه ساختاری دارد، علاج نماید، نتیجه اش افزایش بیکاری و توقف رشد اقتصاد خواهد بود. بدین ترتیب مجدداً به این نتیجه می رسیم که همواره بایستی بین سیاست های پولی و مالی و ارزی هماهنگی مطلوب به منظور نیل به اهداف اقتصاد ملی وجود داشته باشد.

سیاست پولی در مقایسه با سیاست مالی:

بطور کلی سیاست های پولی و مالی مجموعه ای از تصمیمات و اقدامات مقامات پولی و مالی می باشد که با هدف تحت تأثیر قرار دادن مجموعه فعالیت های اقتصادی کشور از طریق جریان مخارج کل، اتخاذ و اجرا می گردد. هدف غایی تصمیمات و اقدامات مقامات پولی و مالی نیل به اهداف اقتصاد ملی می باشد. در واقع مقامات پولی و مالی به منظور نیل به اهداف اقتصاد ملی، با توجه به وضعیت و موقعیت اقتصاد کشور، سیاست های پولی و مالی انبساطی یا انقباضی اتخاذ و اجرا می نمایند تا با تغییر جریان مخارج کل فعالیت های اقتصادی کشور در جهت مطلوب قرار گیرد.

با سیاست پولی، اهداف و ابزار آن قبلاً آشنا شدیم. اهداف سیاست مالی همان اهداف سیاست پولی یعنی اهداف اقتصاد ملی می باشد و ابزارهای سیاست مالی نیز عبارتند از تغییر نرخ مالیات ها، تغییر مخارج دولت و چاپ و انتشار اسکناس.

سیاست پولی انبساطی یا سیاست پول ارزان به نظر کینزین ها در کاستن از نرخ بهره پول خلاصه می شود. منظور از سیاست پولی انقباضی یا سیاست پول گران، بالا بردن نرخ بهره در بازار پول می باشد. بانک مرکزی برای اجرای سیاست پولی از ابزار پولی استفاده می نماید. به نظر کینز مهمترین ابزار اجرای سیاست پولی همانا عملیات بازار باز است. به همین ترتیب مقامات مالی برای اجرای سیاست مالی انبساطی یا انقباضی از ابزار مالی استفاده می نمایند. برای مثال چنانچه منظور افزایش مخارج

کل از طریق اجرای سیاست مالی انبساطی باشد، مقامات مالی تصمیم می گیرند تا با کاستن از نرخ مالیات ها یا بازخرید اوراق قرضه و یا چاپ و انتشار اسکناس این سیاست را به منصفه ظهور برسانند. در سیاست مالی انقباضی جریان معکوس می شود. در این وضعیت مقامات مالی تصمیم می گیرند تا با افزایش نرخ مالیات ها یا کاهش کسری بودجه دولت جریان تقاضای کل را تحدید نمایند.

چگونگی تأثیر سیاست های مالی یا سیاست های پولی بر جریان تقاضای کل مکتب کینز را از مکتب پولی شیکاگو متمایز می سازد. مکتب کینز با سیاست مالی یکی قلمداد شده است، زیرا به نظر این مکتب، سیاست مالی نیرومندترین ابزاری است که مقامات اقتصادی برای ایجاد تغییرات در تقاضای کل و بالطبع مبارزه با تورم یا افزایش سطح اشتغال در اختیار دارند. مکتب کینزی بر نقش مقدم سیاست مالی به عنوان فن تنظیم تقاضای کل تأکید می نماید و به طور ضمنی مقام سیاست پولی را تنزل می دهد. در مقابل، مکتب پولی شیکاگو در شکل افراطی آن حتی معتقد است اصولاً ابزاری به نام سیاست مالی به عنوان فن تنظیم تقاضای کل وجود ندارد. به نظر مکتب پولی، سیاست پولی یعنی تغییرات در عرضه پول مهمترین فن تنظیم تقاضای کل می باشد.

این نکته قابل تأکید است که مکتب کینزی تأثیر سیاست مالی بر تقاضای کل را به مراتب نیرومندتر از تأثیر سیاست پولی می داند. به عبارتی تأثیر سیاست پولی بر تقاضای کل محدود می باشد. زیرا در حالی که سیاست مالی بر تمامی اجزا تشکیل دهنده تقاضای کل یعنی مصرف، سرمایه گذاری و مخارج دولت تأثیر می گذارد، سیاست پولی فقط بر یک جزء آن یعنی سرمایه گذاری تأثیر می نماید. طبق نظر مکتب کینزی سیاست پولی، یعنی تغییر نرخ بهره پول و ابزار اجرای این سیاست نیز عملیات بازار باز می باشد. با اجرای سیاست پولی نرخ بهره پول تغییر می نماید و با تغییر نرخ بهره پول تحت شرایطی مخارج سرمایه گذاری تغییر می کند و به دنبال آن مخارج کل تغییر خواهد کرد. بانک مرکزی در اجرای سیاست پولی با استفاده از عملیات بازار باز در صورتی موفق خواهد شد که نرخ بهره پول با عملیات مذکور تغییر کند و به عبارتی بخش خصوصی در برنامه سرمایه گذاری خود تغییر لازم را بدهد یا به عبارتی حساسیت نرخ سرمایه گذاری نسبت به تغییرات نرخ بهره پول نسبتاً بالا باشد. برخی از طرفداران کینز معتقدند که با عملیات بازار باز ممکن است، نرخ بهره پول تغییری نکند و یا چنانچه تغییر کند، بخش خصوصی برای سرمایه گذاری واکش لازم را بروز ندهد. زیرا عواملی به جز نرخ بهره پول در تصمیمات سرمایه گذاری نقش اساسی را دارند. بدین ترتیب به نظر مکتب کینزی اثر سیاست پولی در مقایسه با سیاست مالی جزئی و محدود می باشد.

مکتب پولی بر عکس مکتب کینزی تأثیر سیاست های پولی بر جریان مخارج کل را بسیار قوی و نیرومند می داند. به نظر این مکتب با ایجاد تغییرات در عرضه پول تقاضای کل تغییر خواهد کرد. به اعتقاد مکتب پولی هرگاه عرضه پول به هر نحوی تغییر کند، اثر مستقیمی بر درآمدهای پولی خواهد گذاشت. چنانچه اقتصاد در وضعیت اشتغال ناقص باشد و عرضه پول افزایش یابد، درآمد پولی افزایش خواهد یافت و این درآمد پولی تقاضا برای کالاها و خدمات را افزایش خواهد داد و در نهایت تولید و اشتغال بالا خواهند رفت. طبق استدلال مکتب پولی چنانچه اقتصاد در وضعیت اشتغال کامل باشد با افزایش عرضه

پول درآمد پولی بالا خواهد رفت و چون تولید و اشتغال نمی تواند افزایش یابند، بالطبع سطح قیمت ها بالا خواهد رفت. به طور خلاصه به نظر مکتب پولی اثر تغییرات عرضه پول بر جریان مخارج کل مستقیم می باشد، در صورتی که به نظر مکتب کینز این اثر غیر مستقیم و جزئی است.

حال که با برداشت های مکتب کینزی و مکتب پولی از سیاست های پولی و مالی آشنا شدیم، این نتیجه کلی را باید گرفت چنانچه سیاست پولی مستقل از سیاست مالی اجرا شود و یا سیاست مالی مستقل از سیاست پولی عمل شود، اثر ناچیزی بر تقاضای کل خواهند داشت، اما چنانچه سیاست های پولی و مالی به عنوان سیاست های مکمل اجرا شوند تأثیر آنها بر تقاضای کل بسیار قوی و نیرومند خواهد بود.

تأمین اهداف اقتصادی ملی با سیاست های پولی، مالی و ارزی:

اصولاً اهداف اقتصادی ملی حفظ تعادل اقتصاد داخلی و خارجی همراه با برخورداری از آهنگ معقول رشد اقتصادی می باشد. برخی از کشورها نیل به خودکفایی اقتصادی یا توزیع بهتر درآمد ملی را نیز در زمره اهداف اقتصادی منظور می دارند. منظور از تعادل اقتصاد داخلی ثبات قیمت ها با اشتغال کامل و تعادل اقتصاد خارجی یعنی داشتن تراز پرداخت های ارزی متوازن و متعادل می باشد. چنانچه تعادل های مذکور با آهنگ مطلوبی از رشد اقتصادی همراه باشد مشکلی نخواهد بود، اما این وضعیت اقتصادی بسیار نادر و استثنایی بوده و بیشتر اوقات اقتصاد با اشتغال ناقص یا تورم قیمت ها و عدم توازن در تراز پرداخت های ارزی مواجه می باشد. در یک اقتصاد بازار با استفاده از ابزارهای پولی و مالی و ارزی می توان جریان مخارج کل را تحت تأثیر قرار داد و میزان فعالیت های اقتصادی را در جهت مطلوب تغییر داد. در این خصوص مهم آن است که بین سیاست های پولی و مالی و ارزی هماهنگی لازم وجود داشته باشد. برای مثال چنانچه اقتصاد در وضعیت اشتغال ناقص و سطح محصول ملی پایین باشد با استفاده از سیاست های پولی و مالی انبساطی می توان تقاضای کل را افزایش داد و با افزایش تقاضای کل ظرفیت تولیدی بیکار، فعال خواهد شد و به دنبال آن محصول بالا رفته و کارگران بیکار استخدام خواهند شد. با افزایش درآمد ملی میل به واردات فزونی خواهد گرفت و چنانچه تراز پرداخت های ارزی با کسری مواجه باشد، این کسری تشدید خواهد شد. بدین ترتیب در چنین وضعیتی بین تعادل اقتصاد داخلی و خارجی تعارض موجود می باشد. تجربه نشان داده است که کشورهای صنعتی به دنبال عقاید کینز اشتغال کامل را هدف قرار داده و در این خصوص تعادل اقتصاد خارجی را فدا نموده اند. چنانچه هدف ایجاد تعادل در بخش خارجی اقتصاد باشد و کسری تراز پرداخت های ارزی مزمن بوده و جنبه ساختاری داشته باشد، بایستی با استفاده از سیاست ارزی نرخ ارز افزایش داده شود. می توان وضعیت های مختلف اقتصادی را در نظر گرفت و آثار اتخاذ و اجرای سیاست های پولی و مالی و ارزی را تحلیل کرد. اقتصادی را فرض نمایید که با وضعیت تورم توأم با کسری در تراز پرداخت های ارزی خویش دست به گریبان باشد. در این خصوص با اتخاذ سیاست های پولی و مالی انقباضی و افزایش نرخ ارز می توان در جهت نیل به تعادل اقتصاد داخلی و خارجی طی طریق کرد.

به طوری که در قسمت ارز ملاحظه شد، امروزه اکثر کشورهای صنعتی دارای نظام ارز شناور می‌باشند که نرخ ارز به دنبال تغییرات عرضه و تقاضا در بازار آزاد ارز تغییر می‌کند. از این‌رو در این شرایط از سیاست‌های پولی و مالی برای ایجاد یا اعاده تعادل در بخش داخلی و خارجی اقتصاد استفاده می‌کنند. با وجود ساختار نرخ بهره پول با افزایش نرخ بهره پول در کوتاه‌مدت قاعدتاً سرمایه‌های سرگردان جذب بازار می‌شوند و با استفاده از سیاست‌های مالی تعادل در بخش داخلی اقتصاد برقرار می‌گردد. عبارتی از سیاست پولی یعنی تغییرات نرخ بهره کوتاه‌مدت در بازار پول برای بهبود بخشیدن به تراز پرداخت‌های ارزی و از سیاست‌های مالی برای مبارزه با تورم یا کساد استفاده می‌نمایند.

علاج تورم با سیاست های پولی، مالی و ارزی:

به نظر خانم رابینسون (۱۹۸۳-۱۹۰۳) اقتصاددان انگلیسی پیرو مکتب کینز تورم عبارت است از افزایش نامنظم و افسارگسیخته قیمت‌ها. تورم به صورت کاهش قدرت خرید واحد پولی متجلی می‌شود. یعنی با مقدار معینی پول به تدریج کالاها و خدمات کمتر و کمتری می‌توان خرید. وسیله اندازه‌گیری تورم، نرخ تورم می‌باشد. برای این منظور از شاخص قیمت خرده‌فروشی کالاها و خدمات مصرفی می‌توان استفاده کرد.

برای علاج و مبارزه با تورم روشن است، باید علت یا علل پیدایش تورم را به درستی شناخت. علل تورم را می‌توان به صورت تورم ناشی از تقاضا یا ناشی از فشار هزینه طبقه بندی کرد. در وضعیتی که تقاضای کل از عرضه کل بیشتر باشد و سطح قیمت‌ها به طور لجام‌گسیخته افزایش یابد، تورم ناشی از فزونی تقاضاست و در واقع در این وضعیت اقتصاد توانایی کافی برای تولید بیشتر به منظور ارضای تقاضای کل را ندارد. تورم ناشی از هزینه از عرضه بازار نشأت می‌گیرد. این نوع تورم موقعی روی می‌دهد که یک یا چند گروه از صاحبان منابع از قدرت خویش برای دریافت سهم بیشتری از درآمد ملی استفاده کنند.

به طور کلی اقتصاددانان پیرو مکتب پولی تورم را نتیجه سهل‌انگاری مقامات پولی در زمینه هدایت سیاست پولی در زمان حال یا گذشته می‌دانند. به نظر این اقتصاددانان برای مبارزه با تورم و از بین بردن انتظارات تورمی باید سیاستی تدریجی ولی قاطع در جهت کاهش نرخ افزایش انبساطی پولی به کار برد. اما زمانی که تورم از بین برود و یا حداقل به ابعاد قابل‌تحمیلی کاهش یابد، نقش مقامات پولی این خواهد بود که پیوسته رشد موجودی را تحت کنترل داشته باشند و اجازه ندهند که موجودی پولی بیشتر از نرخ رشد محصول افزایش یابد. پیروان مکتب پولی سیاست‌های قیمتی و درآمدی را برای کنترل و تحت نظم در آوردن تورم مؤثر ندانسته و آنها را رد می‌نمایند. چون چنین سیاست‌هایی دخالت در مکانیسم بازار تلقی شده و اساساً با فلسفه مکتب پولی معارض می‌باشد. در واقع به نظر مکتب سیاست‌های قیمتی و درآمدی برای کنترل تورم منجر به انحراف در تخصیص منابع تولیدی می‌گردد.

در مقابل نظریات مکتب پولی، نظریات مبتنی بر فشار هزینه قرار دارد. به نظر طرفداران مکتب فشار هزینه برای مبارزه و علاج تورم در جامعه باید سیاست های قیمتی و درآمدی اتخاذ و اجرا شود. به نظر تئوریسین های مکتب فشار هزینه، افزایش در عرضه پول موجب تورم نشده است. به نظر طرفداران این مکتب عرضه پول به صورت منفعل در برابر تغییرات قبلی توسط عوامل اجتماعی، سیاسی که ماوراء عوامل اقتصادی قرار دارند، تعیین می گردند. لذا به نظر این مکتب پولی برای علاج تورم باید از سیاست درآمدی استفاده کرد.

پیروان مکتب کینز در خصوص علاج تورم بین دو مکتب فوق اشاره موقعیت بینابینی اتخاذ کرده و معتقدند، در هر حال محدود کردن تقاضای کل باید سنگ بنای اصلی هر سیاست ضدتورمی معتبری باشد. عبارتی تقاضای کل باید با ظرفیت بالقوه تولیدی جامعه هماهنگ شود. به نظر پیروان کینز ادعای پیروان مکتب پولی که محدود کردن تقاضای کل (که به نحو مؤثری از طریق سیاست پولی و نه سیاست مالی امکان پذیر است)، صحیح نمی باشد. زیرا این ادعا رابطه اساسی بین اعمال مقامات مالی و تحولات عرضه پول را نادیده می گیرد. بعلاوه به نظر طرفداران مکتب کینزی سیاست کنترل قیمت ها و درآمد ها (که منجر به کاهش تقاضای کل می شود)، عنصری حیاتی در مجموعه راه حل های کینزی برای کنترل تورم می باشد.

چنانچه دولت بتواند با استفاده از سیاست کنترل قیمت ها و درآمدها تقاضای کل را محدود و به دنبال آن نرخ را به میزانی پایین تر از نرخ تورم جهانی پایین آورد، چنین دولتی چگونه می تواند از برنامه ضدتورمی خویش در مقابل برنامه تورمی سایر دولت ها دفاع نماید؟ جواب معمول به این سؤال این است که دولت مفروض باید نرخ ارز را آزاد بگذارد، تا اقتصادش را از فشار تورمی جهان جدا سازد. در چنین وضعیتی تفاوت نرخ تورم داخلی و خارجی، منجر به افزایش مداوم نرخ ارز خواهد شد. طرفداران مکتب پولی و مکتب فشار هزینه هر یک به نحوی با سیاست آزادگذاری نرخ ارز به طرف ترتیب فوق مخالفت می نمایند. زیرا به نظر مکتب پولی آزادگذارن نرخ ارز به طرف پایین، سیاست های پولی مناسب برای کنترل تورم را متزلزل می سازد. طرفداران مکتب فشار هزینه به این ترتیب استدلال می کنند که آزادگذارن نرخ ارز به طرف پایین و تورم وارداتی فشار دیگری بر دور باطل افزایشی قیمت-مزد که از قبل موجود بوده است خواهد افزود

اگر چه اقتصاددانان به دفعات توانسته اند با اعمال سیاست های پولی، مالی و ارزی هماهنگ و مناسب بویژه در کشورهای پیشرفته بر عرضه تورم پولی غلبه نمایند، لیکن در سال های نیمه دوم دهه ۱۹۷۰ میلادی و نیمه اول دهه ۱۹۸۰ میلادی برای نخستین بار اقتصاد کشورهای پیشرفته با تورم پولی همراه با کورد اقتصادی مواجه شدند؛ به این وضعیت در اقتصاد تورم رکودی^{۳۲} گفته می شود. در واقع تورم رکودی دوره ای است که در آن دوره، ترکیبی از تورم^{۳۳} و رکورد^{۳۴} ملاحظه می شود. این

32) STEGFLATION

33) INFLATION

34) STEGFLATION

عارضه با نظریه قدیمی که بر اساس آن در زمان تورم، میزان اشتغال افزایش می یابد، در تضاد است. اقتصاددانان برای غلبه بر عارضه تورم رکوردی با وضعیت بگرنجی مواجه هستند.

علاج رکود اقتصادی با اعمال سیاست های پولی، مالی و ارزی:

از آنجا که اقتصاد کشورهای پیشرفته در سال های گذشته به ویژه سالهای ۲۰۰۳-۲۰۰۰ میلادی با رکود اقتصادی مواجه شدند و دیگر تورم پولی تهدیدی محسوب نمی شد، مسأله چگونگی خارج نمودن اقتصاد از وضعیت رکود اقتصادی با اعمال سیاست های پولی، مالی و ارزی بیشتر ذهن اقتصاددانان را به خود مشغول داشت. لذا اکثر کتب، مقالات و مدل های اقتصادی به مسأله روز اقتصاد یعنی علاج رکود اقتصادی پرداختند. اگر چه طی سال های اخیر اقتصاد کشورهای پیشرفته با تورم پولی مواجه نبودند، اما در مقابل از رکود اقتصادی رنج می بردند. در واقع اقتصاد کشورهای مورد بررسی طی سال های ۲۰۰۳-۱۹۹۵ میلادی با مشکل رکود اقتصادی به ویژه افزایش نرخ بیکاری و نرخ پایین رشد اقتصادی مواجه بوده اند. از اینرو مدیران و سیاست گذاران اقتصادی کوشش زیادی مبذول داشتند تا با اعمال سیاست های پولی، مالی و ارزی بتوانند بر کساد اقتصادی فائق آیند.

رکود اقتصادی^{۳۵} یا کساد اقتصادی به وضعیتی در اقتصاد اطلاق می گردد که بیکاری افزایش یافته، نرخ رشد اقتصادی شدیداً کاهش یافته، قیمت ها کاهش می یابد و قدرت خرید مردم نیز روندی نزولی پیدا می کند. البته کساد اقتصادی را نباید با دیفلاسیون^{۳۶} یکی دانست. زیرا دیفلاسیون یعنی کاهش عظیم در قیمت ها یا افزایش قابل ملاحظه در قدرت خرید. در این وضعیت پول در گردش در ارتباط با عرضه کالاها و خدمات موجود کاهش می یابد.

عموماً دوره رکود اقتصادی به دنبال دوره بحران اقتصادی رخ می دهد. بحران اقتصادی یعنی سقوط دوره رونق اقتصادی^{۳۷}. رونق اقتصادی یعنی دوره ای که اقتصاد دوران شکوفایی خود را طی می کند و در این دوره فعالیت های تجاری به سرعت گسترش می یابد. ادوار اقتصادی یعنی دوره های رکود اقتصادی- بهبودی اقتصادی- رونق اقتصادی و بحران اقتصادی طی می شود. روشن است مدیران و سیاستگذاران اقتصادی سعی بسیار دارند تا از دوره های رکود اقتصادی و بحران اقتصادی دور بمانند و در مقابل دوره های بهبود اقتصادی و رونق اقتصادی بویژه دوره رونق اقتصادی تداوم داشته باشد. اما اقتصاددانان با این پرسش اساسی در این بخش مواجه هستند که آیا می توان با اعمال سیاست های پولی، مالی و ارزی اقتصادی رهنمون ساخت و دوره رونق اقتصادی را تداوم بخشید؟ پاسخ این پرسش کلیدی بستگی مستقیم به قدرت مدیریت اقتصادی کشور در طراحی سیاست های پولی، مالی، صنعتی، کشاورزی و اجرای سیاست های مزبور به ویژه هماهنگ نمودن سیاست های پولی،

35) Economic Depression

36) Deflation

37) Economic Boom

مالی و ارزی دارد. زیرا می‌بینیم سیاستگذاران و مدیران اقتصادی کشورهای پیشرفته و در رأس آنها ایالات متحده امریکا، بریتانیا و ژاپن طی سالهای اخیر با اعمال سیاست های پولی، مالی و ارزی هماهنگ توانستند اقتصاد کشورشان را از رکود اقتصادی خارج نمایند. به ترتیبی که در حال حاضر اقتصاد کشورهای مورد بحث رکود اقتصادی را پشت سر گذاشته اند؛ مثلاً در حال حاضر (سه ماهه دوم سال ۲۰۱۰ میلادی) هر چند نرخ بیکاری در ایالات متحده امریکا کاهش نیافته لیکن نرخ رشد اقتصادی کشور مزبور افزایش چشمگیری یافته، بطوری که برای سال ۲۰۱۰ میلادی نرخ رشد تولید ناخالص ملی این کشور بیش از ۳/۱ درصد تخمین زده می شود.

منابع و مأخذ:

پول و ارز بانکداری/ نوشته مجتبی زمانی فراهانی/ انتشارات ترمه

پول و ارز بانکداری/ جمشید پژوهان/ انتشارات پیام نور

پول و بانک از نظریه تا سیاست گذاری/ علی ماجده و حسن گلریز/ انتشارات بانک مرکزی

پول و ارز بانکداری/ یوسف فرجی/ انتشارات پژوهش های بازرگانی